

آگهی ویژه

زیباترین و بزرگترین
استخر چهارفصل

مدف

بدنسازي - سونا - جکوزي
و آبشار



ویژه بانوان - آ قایان

در ممیطی زیبا و دیدنی در بلندترین
نقطه و تک
۸۰۵۱۳۶۲-۵

بها : ۱۰۰۰ ریال

خدمات پس از فروش از فروش در سراسر کشور

تلفونکن با ۱۰۰ سال سابقه

۲۴ ماه گارانتی

بنجشنبه ۳۱ تیر ۱۳۷۸ • ۸ ربیع الثانی ۱۴۲۰ • دوره جدید • سال اول • شماره ۱۱۲ •

روزنامه جامعه من ایران

• NESHAT • No. 112 • Vol. 1 • July 22, 1999 • New Series •

پس از سه جلسه نمایش خصوصی

دختری

با کفش های کتانی

به اکران نزدیک می شود

صفحه ۱۲

یادداشتی از ابراهیم یزدی

از گذشته

عبرت بگیریم

صفحه ۳

سعید حجاریان:

اگر صادق هستید

متن بازپرسی

مرا چاپ کنید

صفحه ۳

ادب و هنر Arts & Literature

نشاط Neshat

پاسخ روابط عمومی دادگستری تهران در
زمینه بازداشت کاظم شکری

سعید حجاریان

هم تحت پیگرد قانونی است

گروه داخلی - در پی تکذیب اطلاعاتی دادگستری تهران در خصوص بازداشت کاظم شکری مدیر صفحات داخلی صبح امروز از سوی سعید حجاریان، روابط عمومی این نهاد اطلاعاتی ای را صادر کرد.

در این اطلاعیه آمده است: «این ادعای آقای حجاریان که «برای نخستین بار دادگاهی رای خود را به تفسیر و رای اداره حقوقی دادگستری مستند کرده است» را شاید بتوان ناشی از کمبود دانش قضائی گریخته مطلب دانست

صفحه ۳

دو هفته پس از توقیف روزنامه سلام

خوئینی ها سکوت خود را شکست

گروه داخلی - سیدمحمد موسوی خوئینی ها مدیر مسئول روزنامه توقیف شده سلام در دیدار با کارکنان این روزنامه مطالبی را درباره توقیف روزنامه سلام اعلام کرد.

صفحه ۳

نشاط بررسی می کند

اقدام تازه محافظه کاران برای تهدید روزنامه نگاران اصلاح طلب

صفحه ۲

استاندار یزد: به دانشجویان پاسخ منطقی بدهید

گروه داخلی - استاندار یزد روز سه شنبه در جمع خبرنگاران گفت: عدم پاسخ منطقی به درخواست دانشجویان درست نیست و نباید با هر مسئله ای فوراً برخوردی صورت گیرد.

به گزارش ایرنا، غلامعلی سفید ضمن بیان این مطلب افزود: هدف گروه های سیاسی کشور باید

خرازی اهداف سفر خود به عربستان را تشریح کرد

خرازی گفت: یکی از موضوعات مهم در این سفر بحث نفت است و از آنجا که همکاری ایران و عربستان موجب افزایش قیمت ها شده، استمرار مشورت ها در این زمینه ضرورت دارد. بررسی راه های توسعه روابط دو کشور، بررسی توافق های انجام شده در طول سفر رئیس جمهوری به عربستان، رسیدگی به وضعیت جاری بازار نفت، سقف تولید سهمیه بندی و ثبات بازار در نشست سران کشورهای عضو اوپک از عمده محورهای گفت و گوی وزیران امور خارجه ایران و عربستان خواهد بود.

روزنامه نشاط

تحریریه:

۲۰۴۱۷۹۰
۲۰۴۰۱۵۷
نمبر: ۲۰۴۰۴۲۲

سازمان آگهی ها

۲۰۱۳۳۷۳
۲۰۱۳۵۰۰
نمبر: ۲۰۴۰۴۲۲



حسین مظفر: از صحبت های من سوءاستفاده جناحی شده است

گروه داخلی - وزیر آموزش و پرورش گفت: «تعجب می کنم چرا بعضی جناح ها و گروه ها و برخی مطبوعات همه چیز را در قالب جناح و گروه می بینند؟»

به گزارش روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش، حسین مظفر در گردهمایی ستادهای اجرایی شاهد در اردوگاه شهید باهنر تهران گفت: «متأسفانه از صحبت ها و مصاحبه اینجانب با مطبوعات سوءاستفاده جناحی و گروهی شده و همین موضوع باعث لوژ شدن حقایقی گشته که به طور جدی به آنها اعتقاد دارم. در حالی که بنده در مصاحبه مجموعه ای از ملاک ها و معیارها را مطرح کردم و از وظایف خود دانستم در این مقطع و در سال امام این آرمان ها و ارزش ها را مطرح و از آن دفاع کنم».

وی افزود: «سخنان اینجانب در واقع در راستای اعتقاد ریاست جمهور عزیز در لزوم پرهیز از افراط کاری ها و تفریط ها در جامعه است. باید مردم ما بدانند که ایشان از معتقدان به ارزش ها و آرمان های امام و رهبری و شهیدان هستند».

مظفر درخصوص جریانات اخیر گفت: «حفظ وحدت و پرهیز از اختلافات جناحی تند و افراط آمیز از دیگر وصایای امام بود که همیشه بر آن تأکید داشت بویژه در این دوران که از هر سو علیه کشور ما توطئه می شود. ما باید همچنان همدلی و وحدت را حفظ کنیم».

با مسئولیت سردبیر

دشمن طاووس آمد پراو

محاصره درآوردند، صدام گفته بود، عدنان خیرالله و ماهر عبدالرشید کجایند. اگر بودند حداقل شکستی قهرمانانه داشتیم. برای کشوری که با قهرمانان جنگ خود چنان معامله ای کرده بود، همان خزلانی شایسته بود که دیدیم: بوسیدن پای سربازان آمریکایی.

اما ایران راه دیگری در پیش گرفت. ایرانیان دریافتند که حتی اگر دین و آیینی سوای قهرمانان خود داشته باشند، هستی شان و امدار عظمت آنان است؛ مردانی که ذهن های ورزیده در تحلیل ابعاد عظمت آنان درمی ماند. نگارنده این سطور این توفیق را داشته است که بارها از نزدیک شاهد سختکوشی های مداوم، بیدارخوابی های چندروزه، گرسنگی، تشنگی، بی پناهی و حتی بی سلاحی و در عین حال مقاومت و مداومت آنان باشد، و به همین خاطر رمز رفتار نیکوی شهروند ایرانی را با قهرمانان جنگ می فهمد. قهرمانان چشم و چراغ ملت اند و همواره نور و گرمی و رونق خواهند بخشید. «یکاد زینها یضی»؛ لولم یمسسه نار!.

با این همه اما، از یاد نبریم که تمامی این عظمت و ارج ناشی از آن است که ملت امنیت خود را و امدار این قهرمانان سترگ است، و این اوج و عظمت تا زمانی برقرار خواهد ماند که از این جمع امید امنیت رود. مع الاسف در نامه اخیر پاره ای از فرماندهان سپاه، که البته نام بعضی از بلندآواز گان جنگ هم در آن نبود، سخنانی گفته شد که امید امنیت را دچار خلل می کرد. فرماندهان نظامی اگر کاسه صبر شان لبریز شود، چه خواهند کرد؟ به خدا پناه می بریم! این تهدید

کسانی که در حواشی جنگ ایران و عراق گشتی زده باشند با نام، و احتمالاً سرنوشت دو تن آشنایند: ژنرال عدنان خیرالله و ژنرال ماهر عبدالرشید، دو فرمانده عالی رتبه ارتش عراق، و به عبارتی دو قهرمان ملی این کشور در جنگ با ایران بودند. شهرت این دو تن به حدی بود که حتی پایین ترین رده جنگجویان ایرانی می دانستند که مثلاً در فاو یا نیرهای ماهر عبدالرشید و در مجنون یا نیروهای عدنان خیرالله می جنگند؛ بسیاری از مقاومت های ارتش عراق در مقابل نیروهای ایرانی به حساب شجاعت و کاردانی این دو فرمانده گذاشته می شد. در وطن دوستی و حمیت آنان همین بس که هنگامی که نیروهای ایران جزیره فاو را به قصد بصره پشت سر می گذاشتند، ژنرال عبدالرشید در یک مصاحبه گفت اگر نیروهای ایرانی بصره را تصرف کنند من و خانواده ام به یک خودکشی دسته جمعی دست خواهیم زد.

هنگامی که جنگ ایران و عراق به پایان رسید، هنوز چندصباحی نگذشته بود که در مقابل چشم های بهت زده ناظران، این هر دو تن در دو حادثه مشابه (سقوط هلیکوپتر) کشته شدند. در حالی که بسیاری انتظار می بردند حکومت عراق در پایان جنگ این دو قهرمان را، که از پشترازیهای بقای او بودند، به مقامات عالی تری منصوب کند، با شگفتی دریافتند که هر دو آنها به وسیله نیروهای امنیتی در حادثه های ساختگی ترور شده اند. حزب بعث می خواست از این طریق، از این که آن دو در آینده، به پشتوانه قهرمانی های خود، صاحب اقتدار شوند، جلوگیری کند، و کرد. دشمن طاووس آمد پراو

ای بسا شه را بکشته فراو

اما دیری نپایید که حکومت عراق بر این ناجوانمردی خود دست متحسر نگزید. هنگامی که نیروهای متفقین ارتش عراق را در کویت به

امید، حرکت، زندگی

هفته بهزیستی (۳۱-۲۵ تیرماه) گرامی باد

روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور

۳۳۷۸۰



نشا۲۲ — پنجشنبه ۳۱ تیر ۱۳۷۸ — دوره جدید • سال اول • شماره ۱۶۲



تولد امام حسن عسکری

هشتم ربیع الثانی مصادف است با سالروز تولد حضرت امام حسن عسکری ـ آن حضرت در سال ۲۳۱ (یا ۲۳۲) به دنیا آمد. هنگام تولد وی، پدر ایشان شانزده سال داشت. محل تولد آن حضرت را مدینه ذکر کرده‌اند. مادر ایشان سوسن (یا خدیجه، یا سلیل) نام داشت. امام حسن عسکری ۲۲ (یا ۲۳) ساله بود که با فوت پدر (در ۲۵۴) عهده دار امامت گردید. آثار متعددی را به آن حضرت منسوب دانسته‌اند که از آن جمله است: تفسیری معروف به تفسیر امام حسن عسکری (که بنا به گزارش مجلسی در بحار، صدوق سخت به آن اعتماد داشته‌است)؛ رساله‌ای به نام رساله منقبت (رساله‌ای مشتمل بر موارد حرام و حلال)، و چند اثر دیگر.

روزنامه نشاط سالروز تولد امام حسن عسکری، را به عموم مسلمانان، ویژه هم میهنان شادباش می‌گوید.



تزیین

خانه نشین ترک‌ها

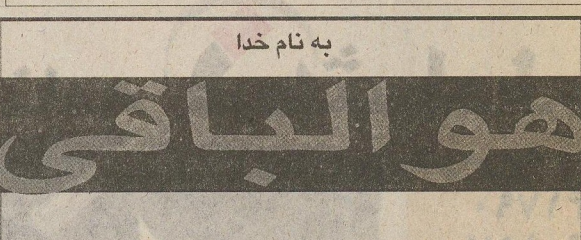
تکرار حادثه حمله هواییماهای نظامی ترکیه به خاک ایران، ذهن را به چند کوچه‌باریک می‌برد. اول آن که مبدا نظامیان ترکیه در تحلیل وقایع داخلی ایران به خط افتاده و تصور کرده باشند که پیشه خالی است یا بلوغ است. دوم آن که مبدا دولت ترکیه و نظامیان آن کشور به این تصور افتاده باشند که به همین زودی به دوست تازه یافته خود – اسرائیل – هدیه‌ای بدهند. آنچه ذهن را به کوچه اول می‌برد ژستی است که دولت اجویت و وزیرش گرفتند و تمامی ماجرا را تکلیف کردند. این ژست کشورهایی است که احساس قدرت می‌کنند، مثلاً در تخسین ماه‌های ریاست جمهوری جیمی کارتر و دستگاه‌های اطلاعاتی ارتش آمریکا صدها عکس و مدرک فراهم آوردند که از حضور نیروهای ارتش در آفریقا خبر می‌داد، کارتر عصبانی شده بود و در تخسین ملاقات با گرومیکو دیپلمات‌باجر به روسی – در آن زمان وزیر امور خارجه شوروی – این عکس‌ها را، اسلایدها و مدارک را به نمایش گذاشت و از گرومیکو پرسید: حالا چه می‌گویند؟ گرومیکو که از دوران استالین در دستگاه رهبری شوروی مانده و آبدیده شده بود در کمال خونسردی پاسخ داد: حتی یک سرباز شوروی در آفریقا نیست! به نوشته ساپروس وِنس «کارتر که از خشم نزدیک بود دیوانه شود به این ترتیب دریافت که در جهان سیاست، قدرت است که حکومت می‌کند نه حقیقت».

حالا خوف آن وجود دارد که ترک‌ها این حکایت را خوانده باشند، در آن صورت باید آنها را متوجه ساخت که این احساس قدرت زودهنگام برای کشوری که هزار مشکل در درون دارد و خود می‌داند که با چه زحمتی دارد آتش را زیر خاکشتن نگاه می‌دارد، از اساس بی‌جاست. ترکیه وارث قدرت امپراتوری عثمانی نیست و فقط تکه‌ای از آن خلافت را به ارث برده و ایران نیز آن کشور ضعیف دوران قاجار نیست، تازه در همان زمان هم به ابعادی که هشت کشور امروزی را شامل می‌شد باید آن‌ها ترانسیت غلطی بکنند و وقتی یکی مرد – امیر کبیر – در صحنه ظاهر شد ترک‌ها که نمایندگان قدرت‌های اروپایی هم حمایتشان می‌کردند، کاری نتوانسته کرد. باید به یاد تر که دارد که اگر می‌توانند گهگاه در شمال عراق حرکاتی بکنند بدان خاطر است که از اثر حماقت مشابه صدام حسین آن کشور به سرنوشتی دچار آمده که شمال و جنوبش را غربی‌ها به منطقه پرواز ممنوع اعلام کرده‌اند و هم آنها گهگاه به نیروهای ترک اجازه می‌دهند که در آن منطقه خالی از خطر وی‌صاحب عملیاتی کنند، صحنه به کلی با جرقه اندازی به داخل خاک کشور بزرگی مانند ایران متفاوت است. ایرانیان نخست این که در عمل نشان داده‌اند وقتی غریبه‌ای به آنها نزدیک می‌شود همه گفت وگوهای خود را تعطیل می‌کنند و یکدست می‌بکشد می‌شوند، دیگر آن که اگر در زمان حمله غافلگیرانه عراق به ایران، دفاع ایران طول کشید و نه‌لایت به تمامی هدف‌های اعلام شده نرسید بدان خاطر بود که رزمندگان و مدافعان این مریزوم تازه از انقلاب به درآمده و در ابتدای جنگ چندان سامان نپویند، امروز نه که آن همه نیست بلکه دل‌آوران ارتش و سپاه جنگ آرموده‌اند و درعین قدرت و انضباط.

این گفت وگوی داخلی که در هفته پیش رخ داد، آنهم در محدوده کوچکی در چند خیابان تهران، ماجرائی بود که در همه جای گیتی رخ می‌دهد، ترک‌ها که در بیشتر مناطق و استانهای خود با نوعی حکومت نظامی دائمی شعله‌لرزان دولت را روشن نگاه می‌دارند بی‌بادا در خیال بهره گرفتن از این گفت وگوی درونی برآمده باشند که البته در آن صورت زحمت چندانی ندارد بیدار کردن آنها از خواب تابستانی.

احتمال دیگر مربوط می‌شود به این که نظامیان ترک در فکر افتاده باشند یا ضربه بزن به ایران – تنها مخالف جدی سازش اعراب و اسرائیل – به معشوق تازه‌خود هدیه بزرگی بدهند. این هم از درایت بسیار به دور است و به‌بی‌خردی نزدیک. ترک‌ها هنوز نازمدی با اسرائیل را در داخل خاک خود و حتی برای اعراب میانه‌رو جانپانداخته‌اند، هنوز نتوانسته‌اند به علی‌اوف کمک کنند تا سرزمین‌هایش را از ارمنستان پس بگیرد، بهتر است نسبت از پشوتانه خود مطمئن شوند سپس خطر یک بلوف بزرگ را بخزند چرا که در آن صورت به یک لحظه تمام اختلافات ایران و اعراب حل می‌شود و جبهه‌ای به وسعت تمام منطقه در مقابل آنکارا گشوده خواهد شد.

درست است که آنکارا به دلیل پیوندهای نظامیش با آمریکا و اسرائیل مطمئن است که به سرنوشته صدام حسین دچار نمی‌آید، اما خطا فقط یک نوع نیست. صدام حسین از یک سوراخ گزیده‌شد و اجوبیت می‌تواند از سوراخ دیگری گزیده‌شود. آن کشور به‌رمان نقش نامه‌رسان و پیام‌آور را نیز بازی نکند که فرموده‌است. آن را که خانه‌نشین است بازی نه این است. ترک‌ها آن به که بر مشکلات خود نریزاند و چون بار پیش از رفتاری به منطق نظامیان خود عذر بپردازد و درپی جبران آریند.



به نام خدا

بندها

با تاسف و اندوه فراوان درگذشت ناهنگام دوست عزیز خود

آقای مهندس محمدرضا اشرفی امیری

با بطالع میرساند.

با ترس با عین تسلیم جناب آقای‌مهندس ابوالقاسم اشرفی امیری و آقای حمید اشرفی امیری و خانواده‌های محترم داغدار و آرزوی صبر و شکیبایی برای بازماندگان اعلام میدارد مراسم تشییع و تدفین عزیز ازدست رفته روز پنجشنبه ۳۱، ۴، ۱۳۷۸ در زادگاه آن شادروان امیر کلای بابلسر انجام خواهد شد.

مراسم ختم در تهران متعاقبا اعلام خواهد شد.

محمد محسن سازگارا – سید جعفریان امیری	سید جعفریان امیری
رضا صالحی امیری – غلامرضا سیدعلی	غلامرضا سیدعلی
محمد حسین شیخ الاسلامی – محمد سفید گر زنجانی	محمد سفید گر زنجانی
اکبر مدنی – مدن‌زاده میمنی – علیرضا شریف مهراد	مدن‌زاده میمنی
مهرداد صدقیان – مسعود جدی	مسعود جدی
مهدی صالح زاده امیری – سعید ساجدی	سعید ساجدی
رضا نوری – امیر نوری	امیر نوری
۲۲۷۶	

اقدام تازه محافظه کاران برای تهدید روزنامه نگاران اصلاح طلب

گروه داخلی – از هر زاویه‌ای که بتران به محافظه کاران انتقاد کرد از یک زاویه باید آنها را تحسین کرد. محافظه کاران استداد بسیار خوبی در انحراف افکار عمومی از موضوع اصلی دارند.
چندی پیش درحالی‌که همه در انتظار کامل شدن «قطعه‌های پازل» ماجرای سعید امامی بودند ناگهان ماجرای حمله به کوی دانشگاه افکار عمومی را تا کیلومترها از موضوع پیشین دور انداخت و اینک درست در شرایطی که با چاپ یک نامه خیلی محرمانه، نامه فرماندهان عالی رتبه سپاه به رئیس‌جمهور از سوی مطبوعات محافظه‌کار انتظار می‌رفت که (لااقل از نظر افکار عمومی) این مطبوعات تحت فشار قرار گیرند یک روزنامه اصلاح طلب با تهدیدنی جدی مواجه شد؛ کاظم شکری روزنامه نگار و مدیر صفحات میانی روزنامه «صبح امروز»، بازداشت شد.

۱. آیا این یک سوءتفاهم است؟
کسانی که کاظم شکری را دیده‌اند می‌گویند او شایعات‌های ظاهری بسیاری با سعید حجاریان دارد. عکسی که از او هیزوز در صحنه اول روزنامه صبح امروز منتشر شده است به این تصور دامن می‌زند. آیا همین شباهت ظاهری باعث اشتباه قاضی شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران شده‌است؟ هر چقدر که این پرسش طنزآمیز به نظر برسد پاسخی که ناظران سیاسی به علت بازداشت شکری می‌دهند قابل تأمل است، آنها می‌گویند قاضی مرتضوی به توصیه همکارانش که می‌گفتند بازداشت سعید حجاریان هزینه سیاسی سنگینی دارد، عمل کرده‌است. بازداشت سعید حجاریان نایب رئیس شورای شهر تهران، عضو ارشد جبهه مشارکت ایران اسلامی و کسی که بسیاری او را یکی از تئورسین‌های جبهه دوم خردامی دانند مسلماً هزینه‌ای بسیار سنگین برای دوستان محافظه کار قاضی شعبه ۱۴۱۰ داشته‌است. این قاضی چون این اتهام این‌کای با تهدیدات قلبی خود قضاوتیه دشواری حقوقی چندانی نیز نداشته است، یک روزنامه محافظه کار هیزوز به نقل از یک مقام قضائی نوشت: «قاضی می‌تواند نویسدگان مقالات و نوشته‌ها را که جنبه تجاری داشته باشد تحت تعقیب قرار دهد». این مقام قضائی تفسیر مذکور را متعلق به اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی دانست که اگرچه نظری مشورتی تلقی می‌شود و الزام آور نیست اما همین میزان سلبت حقوقی برای یک قاضی کافی است که این طرح را به اجرا بگذارد.

۲. آیا سعید حجاریان، کاظم شکری را تنها گذاشته است؟
روابط عمومی دادگستری تهران در اطلاعیه‌ای که همزمان با بازداشت شکری منتشر شد گفته بود که سعید حجاریان از چاپ مطلبی که منجر به دستگیری شکری شده‌است اظهار بی‌اطلاعی کرده و شکری را به عنوان مسئول صفحات میانی روزنامه (که این مطلب در آن چاپ شده‌است) معرفی کرده‌است. این دو خبر می‌تواند به تنهایی درست باشد اما هنگامی که دادگستری تهران آنها را در کنار هم قرار می‌دهد معنایی جدید از آن اشتباه می‌شود که شاید «اطلاعیه‌نویس» دادگستری تهران خواسته‌است مهارت خود را با این کار به محافظه کاران نشان دهد. فرادای انتشار اطلاعیه دادگستری تهران روزنامه‌های نوشت سعید حجاریان، کاظم شکری را تنها گذاشت. در حالی‌که در همان روز روزنامه‌های دیگر خبر از مصاحبه مطبوعاتی مدیر مسئول روزنامه صبح امروز داده بودند که وی در آن به صراحت گفته بود مسئولیت کلیه مطالب روزنامه‌اش را پذیرفته‌است.
۳. ماجرا از کجا آغاز شد؟

در حالی که اکثر صاحب‌نظران معتقدند نزاع محافظه کاران با روزنامه صبح امروز به پیش از ماجرای اخیر بازمی‌گردد اما آنچه طی چند روز گذشته توانسته‌است بهانه خوبی برای برخورد با این روزنامه را به دست محافظه کاران بدهد، چاپ یک مقاله از خواننده‌ای است که مسئولان روزنامه می‌گویند او را نمی‌شناسند. در آن مقاله آموزگاری از خاطره تدریس خود در یک کلاس درس می‌گفت که در آن دانش آموزی از او خواسته بود به پرسش‌های کنجکاوانه‌اش پاسخ دهد. در این مورد سرور یوسف در آن پاسخ دهد.

عنوان آن مقاله بحث انگیز از یک داستان کوتاه طنزآمیز اقتباس شده بود: «دو خط موازی به هم نمی‌رسند مگر آن که خدا بخواهد». آیا این مقاله متضمن مضمونی توهین آمیز بود؟

دادگاه تجدید نظر محکومیت محسن کدیور را تایید کرد

گروه داخلی – در دادگاه تجدیدنظر محسن کدیور، حکم محکومیت وی تأیید شد. به گزارش خبر نگار، ما حکم دادگاه تجدیدنظر را به اعضای آفرایان عاشری، محسنی آژده و امیرابن مبتنی بر رای حکم دادگاه بدوی داده و نیز و حایت به محسن کدیور ابلاغ شد.

محسن کدیور در ذیل رسید حکم چنین نوشته است: «به اکثریت قریب به اتفاق اشکالاتی که در لایحه تجدیدنظر گرفته بودم کاملاً جوابی نداده‌اند و به مستندات حقوقی توجه نکردند و برخلاف موازین شرع و قانون حکم دادگاه بدوی را تأیید نمود».
وی کرده‌است: «بر اساس ماده ۳۶ قانون دادگاه عمومی انقلاب در مهلت قانونی به حکم صادره اعتراض خواهد کرد. ضمناً چون آقای محسنی آژده در دادگاه ویژه روحانیت سمت دساتمی را داراست چگونه به عنوان قاضی تجدیدنظر حکم صادر کرده‌است؟»، «در آن نامه دادگاه ویژه روحانیت شرایط و مقررات تجدیدنظر در آرای این دادگاه تعیین نشده و مشخص نیست نصب قضات تجدیدنظر و نحوه تعیین گیری آنان براساس کدام ضوابط بوده‌است؟». محسن کدیور در صدد جعل و پندجمن

گروه داخلی – حمله مشکوک شبه نظامیان و نیروهای انتظامی در صبحگاه روز جمعه ۱۸ تیر به خوابگاه دانشجویان در کوی دانشگاه تهران را سازمان مجاهدین انقلاب یک شبه کودتا علیه دولت خاتمی توصیف کرد.

این سازمان افزون بر بیانیه اخیر خود در تحلیل فاجعه کوی دانشگاه پس از دوم خرداد بارها به اقدامات محافل مخالف دوم خرداد علیه دولت خاتمی اشاره کرده‌بود. درباره علل بروز این فاجعه، پیامدها و دستاوردهای آن برای جنبش دوم خرداد و مخالفان اصلاحات و روند پیگیری و شناسایی عاملان این فاجعه با سیدهاشم آغاچری استاد دانشگاه تربیت مدرس و عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران گفت وگویی انجام داده‌ام.

نشاط: فاجعه کوی دانشگاه کشور ما را یک هفته در گیر یک بحران شدید سیاسی کرد، عوامل ایجاد این بحران چه کسانی بودند؟

آغاچری: در ابتدا دو مسئله را باید از هم جدا کرد: یکی اعتراض دانشجویان به تعطیلی روزنامه سلام و اعتراضات دیگری از این نوع که دانشجویان ما به عنوان بخشی از جنبش روشنفکری و به مثابه یکی از نیروهای طرفدار اصلاحات در سالهای اخیر مطرح کرده است و در آینده نیز طرح خواهد کرد، پروژه دو دو سال اخیر موارد بسیاری را سراغ داریم که دانشجویان در برابر جریان ضداصلاحات و نوسازی سیاسی به بیان انتقادات خود پرداختند. اما موضوع دیگری که به اعتراض شدید دانشجویان و ایجاد بحران انجامید دخالت عنصر ضداصلاحات و مخالف با جنبش مسالمت‌آمیز جامعه مدنی بود و ریشه این مسئله را باید در طراحی و تدارک ک حمله مسلحانه و سرکوب گرانه به خوابگاه جست و جو کنیم. بخصوص که باید توجه کنیم اعتراض دانشجویان در ساعت ۱۲ به پایان رسید و مسئله تمام شد. اما از نیمه شب تا ۵ صبح جریان مخالف دوم خرداد فرصت پیدا کرد تا سرریعا برنامه ریزی کند و تدارک این حمله خود را بگرفته را بدهد.

نشاط: برخی معتقدند خشم‌تتها دو جانبه بوده‌است. آغاچری: ببینید این مسئله سرریعا به یک بحران تبدیل شد که دو رویه داشت: یک رویه آن اصلاح خردمند و گشتمان جامعه مدنی بود و دانشجویان با ابزارها و روشیوهای مسالمت‌آمیز اعتراض خویش را بیان کردند و دیگری جریان ضدجامعه مدنی بود که با انگیزه و ابزار سرکوب دوم خرداد و اصلاحات وارد عمل شد. این جاست که باید منشأ بحران را شناخت. من بین ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای و فاجعه حمله به کوی دانشگاه ارتباط مستقیمی می‌بینم و فکر می‌کنم یک ستادی در درون حاکمیت علیه اصلاحات و برنامه‌های دولت وجود دارد که مسببان و عاملان قتل‌های زنجیره‌ای و حمله به کوی دانشگاه در آن درآه هستند و علی‌رغم دستگیری تعدادی از آنها هنوز این ستاد، سرنخبه‌ای اصلی همچنان فعالند بخصوص آنکه پرونده قتل‌ها به مرحله حساسی رسیده بود و افرادی که متعلق سعید امامی از آن‌ها دستور گرفته‌است در حال مطرح شدن بودند.

نشاط: یعنی شما حمله به کوی دانشگاه را یک برنامه حساب شده می‌دانید؟ آغاچری: بله. در مجموع من اهداف طراحان حمله به کوی دانشگاه را سه هدف کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت می‌بینم. در کوتاه مدت هدف آنها انحراف افکار عمومی از مسئله قتل‌ها و در میان مدت انتخابات مجلس ششم است، ادامان باشد برخی از این عناصر در محافل خصوصی، انتخابات مجلس ششم را و مثابه تکه‌آند که توصیف کردند که باید به هر قیمتی از آن دفاع کنند. لذا آنها از طریق طر‌ح‌های مخفیانه از قبیل طرح محدودیت مطبوعات، حفظ نظارت استصوابی از طرف هیأت دیگری که باید منتظر آن بود به این انتخات قتل‌گیری می‌گفتند. نیز هدف بلندمدت نیز همان ایجاد یک موج بازگشت از دوم خرداد است. در کل باید گفت حمله به کوی دانشگاه یک عکس‌العمل کور نبود، بلکه کاملاً آبدیده شده و طراحی شده بود، زیرا اگر غیر از این بود باید در اولین برخورد وارد کوی می‌شدند و گذشت ۵ ساعت از این دروغ‌ها مدت‌ها طرحی سنجیده این کار است.
نشاط: به دنبال آشوب‌های خیابانی که پس از اعتراضات دانشجویی رخ داد یک فرضیه وجود دارد که توسط‌های گویند لایه‌تکثر و جناح محافظه کار و مطبوعات و رسانه‌های وابسته به آن در دو نقش ایفا داشتند اعتراض‌های دانشجویی را به آشوب یکسانند تا زمینه سرکوب آن‌ها فراهم سازند. به نظر شما احتمال‌صحت این فرضیه به چه میزان است؟ آغاچری: در آشوبهایی که از روز یکشنبه آغاز و به صورت حمله به اماکن عمومی

برخی از کارشناسانی که این مقاله را در صفحه خوانندگان امروز/ این روزنامه خوانده‌اند چنین عقیده‌ای ندارند آنها می‌گویند در آن مثاله تنها چند سؤال مطرح شده بود، همین، یکی از کسانی که چنین اعتقادی دارد عبدالملی بازگاز است. وی به عنوان یک قرآن‌شناس حرفه‌ای (که آثاری درباره قرآن دارد) در مقاله‌ای – که آن را نیز روزنامه صبح امروز به چاپ رساند – به سئوالاتی که در مقاله «دو خط موازی به هم نمی‌رسند مگر …» مطرح شده بود پاسخ گفت.

۴. علی رازینی اولین شایکی بود علی رازینی رئیس کل دادگستری تهران پس از آنکه از بستر یک صدمه ناشی از تزور تاق‌چرام بر خاست از جمله کارهایی که کرد قدیم یک شکایت علیه سعید حجاریان به عنوان مدعی العموم بود، او – که روابط خوبی با حجاریان ندارد – معتقد است که مقاله منتشر شده در روزنامه صبح امروز توهین به مقدسات است. رازینی یک بار پیش از این نیز در نقش مدعی العموم تصمیم گرفت نشریه‌ای را تعطیل کند. چند سال پیش هنگامی که مجله کیان مقاله‌ای را از عبدالکریم سروش منتشر کرد که دردد که در آن از آمرختن نجات خواهد یافت؟ و آن‌س در روحانیان سخن رفته بود، وی گفت سروش به دین توهین کرده‌است. هنگامی که مشخص شد این فایل خوبی برای تعطیلی کیان نیست متوسل به طرح‌های داخل جلد این مجله شد. در هر حال کیان تعطیل نشد. آیا صبح امروز از شکایت رازینی نجات خواهد یافت؟ از آن‌س رازینی با درهم آمیختن نقش مدعی العموم در نقش یک شایکی دائمی بسیاری مطبوعات مستقل ظاهر شد. خبرنگار خصوصی نشاط گزارش می‌دهد که شب گذشته یک ملاقات مهم میان علی رازینی و سعید شهیدی مدیران مسئول روزارت فرهنگ و اراد اسلامی صورت گرفته‌است. گرچه شهیدی توانست با رازینی توافق کند اما بی شک این ملاقات مهم وزارت ارشاد را وادار خواهد کرد صریح تر وارد صحنه شد.

۵. وزارت ارشاد در تعطیلات از روزی که سیدعاطالله مهاجرانی با همهان لیخند مشهورش از آخرین جلسه مجلس قبل از تعطیلات تابستانی بازگشت و اظهار اب‌دواری کرد که تصویب اصلاحیه قانون مطبوعات منجر به بسته شدن فضای مطبوعاتی نشود، تاکنون از او خبری نیست. در سرارده روز ماجراهای ناشی از تعطیلی روزنامه سلام، او پا در سفر به خارج از کشور بسر می‌برد یا سکوت اختیار کرده‌بود؟ سکوتی که حتی طاع کم‌رنگ شهیدی در یک مصاحبه مطبوعاتی توانست آن را جبران کند. سکوت مهاجرانی حتی با آن اشتباهی که ۳ ساعت از بازداشت کاملاً بی‌سابقه یک روزنامه نگار، شکسته‌شد. این در حالی است که مهاجرانی در سال گذشته و هنگام رواج شایعه توقیف روزنامه سلام، گفته بود که تعطیلی سلام، خط قرمز من است.

۶. یک روزنامه محافظه کار چقدر قربانی می‌گیرد؟
اما صاحب‌نظران حقوقی نیز به تکه طرفینی اشاره می‌کنند که حکایت از زیرکی محافظه کاران می‌کند. آنها می‌گویند به سریان انداختن یک پرونده جدی برای روزنامه صبح امروز می‌تواند لاشی برای به فراموشی سپردن پرونده روزنامه کیپاها باشد. پرونده‌ای که پیش از رسیدگی، چند قربانی گرفت و اعضای هیأت منصفه نخستین کسانی بودند که با اعتراض خود به روش قضائی مرتضوی در تشکیل دادگاه و صدور حکم از عضویت در این هیأت محروم شدند که سر مسئولیت آنها از قاضی دادگاه مطبوعات مانند بسیاری از پرونده‌ها در پرده ابرام قرار دارد. آیا صبح امروز نیز قربانی بی‌پروترین روزنامه محافظه کاران خواهد شد؟

۷. چپ‌ها وارد صحنه می‌شوند
آخرین خبر حکایت از آن دارد که سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها، مدیرمسئول روزنامه سلام کسی که حاضر نشده بود درباره تعطیلی روزنامه خود سخنی بر زبان آورد که این کار را به عباس عیدی سپرده بود، به میدان آمده و دفاع از روزنامه‌اش را بشخصا بر عهده گرفته‌است. آیا این اتفاق حلقه تماسی را میان تعطیلی روزنامه سلام و برخورد با روزنامه صبح امروز برقرار خواهد ساخت؟

تسلطگرانی که مذهبانه سررد فضای مطبوعاتی را احساس می‌کنند معتقدند در صورت برقراری چنین حلقه تماسی یک بار دیگر هزینه‌های سنگینی بر دوش محافظه کاران تحمیل خواهد شد.

وزارت ارشاد: بازداشت کاظم شکری خلاف قانون مطبوعات است

گروه داخلی – به دنبال بازداشت کاظم شکری عضو شورای سردبیری روزنامه صبح امروز، معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بیانه‌ای صادر کرد.

مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با مسئولین دادگستری روزنامه صبح امروز، معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بیانه‌ای صادر کرد.
مشروح این بیانه به شرح زیر است:
صبح روز دوشنبه ۲۸/۲/۷۸ آقای کاظم شکری یکی از اعضای شورای سردبیری روزنامه صبح امروز به عنوان مطلع توسط قاضی محترم شعبه ۱۴۱۰ قضائیه احضار و روز سه شنبه ۲۹/۲/۷۸ مجدداً نامبرده فراخوانده شده و بدون صدور قرار و هیفقه حکم بازداشت وی صادر گردیده‌است.
این تصمیم بی سابقه قاضی محترم مطبوعات موجب ایجاد نگرانی فراوانی در جامعه مطبوعاتی کشور گردیده‌است زیرا اولاً بنا به قانون مطبوعات مسئول کلیه مترجرات هر نشریه مدیر مسئول می‌باشد ثانیاً بازداشت آقای شکری در ارتباط با مطبوعات که مسئولیت آنها را در اطلاع و تحریر آن نقشی نداشته‌است.
در تماس‌های متعدد معاونت امور

مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با مسئولین دادگستری روزنامه صبح امروز، معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بیانه‌ای صادر کرد.

هاشم آغاچری در گفت وگوی اختصاصی با نشاط: ستاد قتل‌های زنجیره‌ای در فاجعه کوی دانشگاه فعال شده‌است



جلوه گر شد نوعی سازماندهی می‌بینم. حرکت‌های خودجوش مردم و دانشجویان هیچ زمینه و امکانی ندارد که در نقاط مختلف شهر دست به تخریب بزنند و از آنجا که هیچ سازمان سیاسی وجود ندارد که بتواند این کار را انجام دهد لذا باید نیروهای را کشف کرد که توانایی انجام این کار را داشته‌اند.

نشاط: ممکن است به طور مشخص تر بگویید که منظور شما کدام نیروها هستند؟ آغاچری: امروز ما با بخشی از نیروهای مخالف آقای خاتمی روبرو هستیم که آنها را راست افراطی می‌نامیم و آنها در بسیاری از جنبش‌های جنبش کشور حضور جدی دارند. خبرهای موثقی وجود دارد که این جریان افرادی را به تغییر چهره ظاهری نظیر زدن ویش و لباسهای مبدل وارد عمل کرده و به تخریب پرداخته‌است. همچنین بسیاری از کسانی که مسلح به ابزار گرم و سرد بودند خود در آشوب‌ها و تخریب‌ها و دامن زدن به هرج و مرج نقش داشتند. نکته مهم این است که این قضیه از جایی هدایت می‌شود و نمی‌تواند بی ارتباط با مخالفان باشد. روز سه شنبه هنگامی که شورای عالی امنیت ملی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد با عوامل آشوب برخورد خواهد شد به سرعت این حرکات متوقف شد و آرامش به شهر بازگشت در حالی که اگر عوامل آشوب‌ها وابسته به یگانه بودند طبیعی بود که دامنه آشوب‌ها سه تا چهار روز دیگر طول بکشد. ... در قضیت‌ها نیز همین موضوع تکرار شد. این مطلب این موضوع را می‌رساند که این عوامل [...] از یگانگانی نمی‌توانند دستور بگیرند. همچنین وقتی می‌بینیم روز سه شنبه در یک اقدام نظامی شهر از آرمش خود را بازمی‌یابد پدیده‌ای است [...] کسانی که می‌خواهند قدرت را در دست بگیرند تا زمانی که به این آشوب‌ها و تخریب‌ها نیاز داشته‌اند، اقدام کرده‌اند و سپس دستور توقف آن را داده‌اند. من فکر می‌کنم هر چند اصل این اقدامات یک روند منطقی داشت، اما به هر حال این روند یک نظامی کردن شرایط فضای انسداد سیاسی را فراهم سازد و از آن در مقطع انتخابات مجلس ششم بهره‌برداری کرد.

نشاط: جناح محافظه کار، وزارت کشور را مقصر اصلی فاجعه کوی دانشگاه می‌داند، زیرا وزیر کشور جانشین فرمانده کل قوا در نیروی انتظامی است نظر شما چیست؟ آغاچری: خود این مسئله مقداری دم خرس را بر ملا می‌کند نشان می‌دهد طراحان اصلی حمله به کوی دانشگاه چه اهدافی را از قبل انتخاب کرده‌اند. وزارت کشور نیروی انتظامی را در اختیار ندارد. این نیرو از وزارت کشور فرمان نمی‌برد اعتراض کنندگان هم بخوبی می‌دانند نیروی انتظامی در اختیار وزیر کشور نیست و مسئله را بدین لحاظ مطرح می‌کنند که اساس جریان آشوب طلبی علیه وزارت کشور و اقتدار دولت طرحی شده‌است و موضوع آن می‌ثال را به یاد می‌آورد که «که کرد در پناه آشگر، که شو شتر دندار که مسگر» کسانی که این مسئله را ادبانی می‌کنند، هدفشان پروژه بی‌صدری کردن مسائل است. اگر به

نشاط بررسی می‌کند



خبرنگار خصوصی

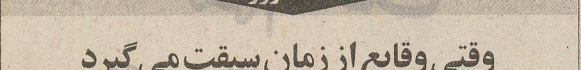
نماینده مجلس و پیگیری پرونده منتهم گفته می‌شود در پی دستگیری یکی از بستگان درجه اول نماینده مردم یکی از استان‌های مرزی کشور در مجلس شورای اسلامی به اتهام وارد کردن اسکناس و چک‌های تقلبی از عراق به داخل کشور، نماینده یاد شده به شهرستان رفته‌است تا بتواند مشکل بوجود آمده را به نحوی حل کند. از بازداشت شدن کارت شناسایی و شناسنامه عراقی و کارت بازرگانی گرفته شده‌است.

رئیس سازمان کنفرانس اسلامی حمله ترکیه را محکوم کند
عشایر مرزنشین استان آذربایجان غربی با ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهور با اشاره به حملات مکرر هواییماهای دولت ترکیه به ایران و شهادت چندین نفر از هموطنان، از رفتار دو گانه برخی نهادهای حقوق بشری بین‌المللی در قبال تهاجم ترکیه به ایران انتقاد کرده‌اند و از خاتمی به عنوان رئیس سازمان کنفرانس خواستند تجاوز اخیر هواییماهای ترکیه به ایران را محکوم کند.

ضرب و شتم نماینده نشربه امید زنجان در تبریز
در پی تهدید خبرنگاران و کارکنان نشریه امیدزنجان، نماینده این نشریه در تبریز پس از تهدیدهای متوالی توسط افراد ناشناس مورد ضرب و شتم قرار گرفته و از ناحیه دست مصدوم شده‌است.

توضیح نماینده نشریه امید زنجان در تبریز
هفته نامه امیدزنجان در پاسخ به پاسخ‌و جوابیه روابط عمومی منطقه مقاومت سپنج سپاه اعلام کرد: «علی‌مه‌ری در صحنه آشوب دستگیر نشده‌است زیرا او شاهد حکایت از آن دارد که ایشان در حین انتقال دو نفر از مجروحین به بیمارستان پس از ضرب و شتم، دستگیر شده‌است.

توضیح نماینده نشریه امید زنجان در تبریز
هفته نامه امیدزنجان در پاسخ به پاسخ‌و جوابیه روابط عمومی منطقه مقاومت سپنج سپاه اعلام کرد: «علی‌مه‌ری در صحنه آشوب دستگیر نشده‌است زیرا او شاهد حکایت از آن دارد که ایشان در حین انتقال دو نفر از مجروحین به بیمارستان پس از ضرب و شتم، دستگیر شده‌است.



هفت روز

وقتی وقایع از زمان سبقت می‌گیرد

محمد رهبر در شامگاه جمعه ۱۸ تیرماه، گروه فشار به همراه جمعی از نیروهای انتظامی به کوی دانشگاه تهران حمله کردند و در عرض چند ساعت چنان خشتونی به کار بردند که باید مدت‌ها بگذرد تا خسارت‌های مادی و معنوی آن جبران شود. در روزی که پیش وقایع دیگری رخ داد: تحصن دانشجویان از دانشگاه به خیابان انتقال یافت و شمارهای انحرافی و مشکوکی سر داده شد و باز بهانه‌ای دید آمد تا نیروهای به عنوان پایان دادن به غائله در خیابان‌ها ظاهر شوند. در پایان هفته‌ای که شب جمعه کوی دانشگاه شروع در عصر چهارشنبه انقلاب با حمله بافت دیگر مجروحان کوی دانشگاه و مظلمان کوی ششیده نمی‌شد و به نظر می‌رسید که در فضایی شوش و مبهم عاملان و آمران واقعه خوین کوی دانشگاه تهران در حال پاک کردن ردپاهای خویش هستند، در هفت روز پس از آن نیز دور زمان سرعتی سرسام‌آور داشت و اتفاق‌های ریز و درشتی که به عمد یا سهو روی می‌داد باعث می‌شد تا منشأ حوادث از نظر دور بماند.

نامه تعدادی از فرماندهان سپاه به رئیس‌جمهور نیز از جمله اتفاقاتی بود که با افشای طبقه بندی و محرمانه بودن آن، توقیف روزنامه سلام به اتهامی مشابه و به پایدا آورد. اما این بار هیچ دادگاهی به روزنامه‌های عصر معترض نشد و این سؤال قدیمی تکرار شد که به راستی روزنامه مشهور عصر، از کدام پشوتانه و پشتیبانی برخوردار است که می‌تواند از تمامی آنچه برای دیگران، جرم مطبوعاتی تلقی می‌شود تهر شود؟

البته رفتار دادگاه مطبوعات در همین هفته و به فاصله یک روز با یک روزنامه صبح و دستگیری یکی از نویسندگان آن نشانگر این بود که دادگاه مطبوعات همواره آمادگی برخورد با روزنامه‌هایی که مخالف خط روزنامه معروف عصر حرکت می‌کنند را دارد و حتی می‌تواند پیش از تصویب اصلاحیه قانون مطبوعات به مفاد آن عمل کند.

به هر تقدیر سیر رویدادهای در هفت وقایع در دو هفته گذشته از زمان سبقت گرفت و همین سرعت رعب‌جراز باعث می‌شود تا زمام امور از دست مسئولان به در رود و وقایع تلخ رخ رخ دهد. آنچه امروز به عنوان ضرورتی حیاتی مطرح است و همه باید به دنبال آن باشند آرمش است؛ بگذارد بد زمان آهسته بگذرد.

پنجشنبه ۳۱ تیر		
اذان ظهر:	۱۲/۱۱	
غروب آفتاب:	۲۰/۱۷	
اذان مغرب:	۲۰/۲۹	
اذان صبح:	۴/۲۴	
اذان آفتاب:	۶/۰۵	
جمعه ۱ مرداد		

روزنامه‌های وابسته به طیف انحصار کمیت تلاش شده تا شرایط اسام را به شرایط سال ۶۰ تشبیه کنند. صدواسمیا و از مطبوعات کمیت تلاش کرد دولت را به سوی نوعی بحران از نوع صحنه آنان در حال حاضر نمی‌تواند برده شود مشخص خاتمی را مورد حمله قرار دهند و طرح عدم کفایت وی را مطرح کنند، اما می‌توانند در قدم اول وزیر کشور او را زیر سؤال برده و پس از پایان تعطیلات مجلس او را به مجلس بکشانند. اما در صورتی که وزیر کشور مورد سؤال قرار داد که نیروی انتظامی را اختیار وزارت کشور باشد در حالی که فرمانده نیروی انتظامی منصوب وزیر کشور نیست. این نشان می‌دهد عاملان اصلی ایجاد این بحران، همچون قضیه تکه هلاش می‌کنند خود را از روند تحقیقات دور نگه دارند و عوامل فرعی و دست‌چهارمی را به عنوان سبب اصلی معرفی کنند. وزارت اطلاعات و شورایعالی امنیت ملی و سایر نهادهای پیگیر این فاجعه باید اول نکته را تحقیق کنند که چه کسی دستور حمله به کوی دانشگاه را صادر کرده‌است.

نیروی انتظامی تهران بزرگ در اطلاعیه رسمی خود اعلام کرد دستور این حمله را نداده، تیمسار لطفیان فرمانده نیروی انتظامی نیز گفته‌است دستور حمله را نداده‌است. بنابراین نقطه کور این بحران را باید در این جا جست و جو کرد و باید دید چه عواملی فرمان حمله را داده‌اند.

نشاط: یک وجه قضایای اخیر بر خوردهای تند است که به جریانهای دانشجویی نسبت داده شده‌است در این باره چه می‌گویید؟

آغاچری: گرچه در این بحران شمارهای انحرافی نیز از سوی برخی ناراضیان، مطرح شد اما اینها خواشی بحران بود، اصل قضیه حمله به کوی دانشگاه و فاجعه‌ای است که روی داد. این فاجعه به خبیث جهانی نظام برده زد و در داخل نیز به بسیاری آسیب وارد کرد. اگر این نقطه کور روشن شود می‌توان این توطئه را خشن نمود. متأسفانه هنوز در ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای مشخص نشده‌است آمران اصلی این قتل‌ها چه کسانی بودند، زیرا مسلماً سعید امامی نمی‌توانست در این ماجرا تصمیم گیرنده اصلی باشد. وی تنها می‌توانست اجراکننده امر باشد. بنابراین در سطح عالی وزارت اطلاعات افرادی ممکن بوده حضور داشته باشند [...] در فاجعه حمله به کوی نیز برخی شاهدان کسانی را می‌بینم که دیده‌اند که عضو نیروی انتظامی نبوده‌اند و این عملیات را هدایت می‌کردند. همچنین باید ابر از شگفتی کنیم که چگونه وزارت اطلاعات پس از گذشت ماه‌ها از قتل‌های زنجیره‌ای هنوز اطلاعات دقیقی را از وزارت قتل‌ها و ارتباط آن با کشورهای خارجی به مردم نداده‌است اما در عرض دو الی سه روز اعلام می‌کند دستگیر شدگان با خارج ارتباط داشتند و آنها پول دریافت می‌کردند. آن‌کندی و این تندی کمی عجیب و سئوال برانگیز است و انتظار می‌رود اطلاعات مستند و دقیقی در اختیار مردم قرار گیرد. در غیر این صورت افکار عمومی توجیه نخواهد شد.

نشاط: در شرایط کنونی وضعیت جبهه دوم خرداد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آغاچری: آنچه که مسلم است اصلاحات دوم خرداد توسط توسعه سیاسی و مطالبات قانونی توقف ناپذیر است و هر چند نیروهای توطئه گر می‌خواهند فضای رعب و وحشت نوعی خودسانسوری را بر کشور حاکم کنند ولی واکنش بموقع نیروهای سیاسی باید افشای این طرح شد. از این پس هم جنبش دوم خرداد باید در چارچوب قانون به طرح عده‌های خود بپردازد زیرا اکنون طرحی توطئه برای دستیابی به قدرت انحصاری وجود دارد باید کوشید این کانون کشف و ختنی شود. بنابراین کار و دشوگرانه‌ترین راه است. اگر مردم اطلاع کافی از این امر داشته باشند جریان ضداصلاحات موفق نخواهد بود. لذا اصل بر ادامه مبارزه و مسالمت‌آمیز و اصلاح طلبانه تا شفاف شدن فضای سیاسی کشور است.

خوئینی ها سکوت خود را شکست

بقیه از صفحه اول

وی در این جلسه گفت: «من اعلام می کنم که سند چاپ شده محرمانه نبوده و سلام همواره به پایبندی به قانون متعهد بوده است. سند محرمانه باید در بالا و پایین آن مهر مربوط را داشته باشد و وجود حرف (خ) در شماره نامه به معنای محرمانه بودن نیست. براساس اطلاعاتی که در روزهای بعد به دستم رسید، معلوم می شود که اصل سند نیز مهر محرمانه ندارد و تاکنون هم علی رغم اصرار بنده اصل سند ارائه نشده است.»

موسوی خوئینی ها اضافه کرد: «من فکر نمی کردم سلام را توقیف کنند ولی از آنجایی که بر خورد با سلام بر حسب قاعده و قانون نبوده قابل پیش بینی هم نبود و به همین ترتیب آینده سلام هم از این حیث قابل پیش بینی نیست. از سوی دیگر حتی اگر سند محرمانه هم باشد باز هم طبق قانون حق تعطیلی سلام وجود ندارد. آنان باید دادگاه را تشکیل می دادند دفاعیات ما را می شنیدند و پس از نظر هیأت منصفه، رأی می دادند. واقعیت آن است که از نوع بر خورد احساس می کنم که آنان تصمیم خود را گرفته بودند و فقط در پی بهانه بودند.»

وی افزود: «به نظر من این تصمیم خلاف مصلحت نظام و اشتباه است. خوئینی ها همچنین گفت: «چند تن از نمایندگان مجلس شکایت کرده اند که سلام با این کار خود می خواسته تلویحاً اعلام کند که ما همسو با سعید اسلامی هستیم. من اعلام می کنم ما نمی خواستیم این امر را تلویحاً بگیریم بلکه قصدمان فریاد این امر بود حال اگر آنان نمی خواستند آن را بشنوند خود دادند.»

وی در پاسخ به یکی از خبرنگاران سلام که پرسید آیا روزنامه دیگری را جایگزین سلام خواهید کرد؟ گفت: «نه روزنامه دیگر و نه مجله دیگر؛ فقط سلام باید احیا شود.»

یکی دیگر از حاضران سؤال کرد یکی از روزنامه ها بستن سلام را به منزله کناره گیری شما از عرصه سیاست دانسته است. آیا صحیح است؟ موسوی خوئینی ها پاسخ داد: «پاسخ این پرسش را بعد از دادگاه روز یکشنبه اعلام خواهم کرد.»

سعید حجاریان:

اگر صادق هستید متن باز پرس می مرا چاپ کنید

سعید حجاریان مدیر مسئول روزنامه صبح امروز در گفت و گویی با خبرنگار ما در مورد اطلاعاتیه روابط عمومی دادگستری تهران که سخنان وی را درخصوص بازداشت شکر ی مدیر صفحات داخلی تکذیب کرده است، گفت: «تقاضای من از این آقایان این است که اگر صادق هستند متن ادعائهم مدعی العموم به مراحل باز پرس ی بنده را عیناً برای چاپ در اختیار مطبوعات قرار دهند.»

روزنامه کیهان روز گذشته به نقل از شعبه ۱۴۱ دادگاه عمومی تهران اعلام کرد که مطالب مندرج در اطلاعاتیه روابط عمومی دادگستری عیناً برگرفته از بازجویی سعید حجاریان در دادگاه بوده است و متن مذکور بزودی منتشر خواهد شد.

در یکی از روزهای نیمه دوم سال ۱۳۶۰ به اتفاق

شادروان مهندس مهدی بازگان و آقای مهندس هاشم صباغیان، به عنوان نمایندگان مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، در فرصتی که پیش آمده بود با آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس، پیرامون برخی تخلفات از قانون اساسی و اظهارهای روز افزون به مطبوعات و تعطیل آنها و حمله های پی درپی گروه های فشار به گردهمایی ها صحبت می کردیم. مهندس بازگان بر ضرورت احترام و رعایت حقوق و آزادی های قانونی مردم، اصرار می ورزید. آقای هاشمی رفسنجانی در پاسخ به آقای مهندس بازگان اظهار داشت که ما اشتباه شاه را نمی کنیم که آزادی بدهییم و عده ای بیایند ما را کنار بزنند. این پاسخ صریح، صادقانه و شفاف، آقای مهندس بازگان را غافلگیر و متعجب ساخت. گفت و گوها به پایان رسید. به هنگام خداحافظی، من به آقای هاشمی گفتم: «آقای هاشمی امپدوارم که شما هرگز اشتباه شاه را نکنید.»

آقای هاشمی تیرسید که منظورم چیست؟ سال ها بعد، به مناسبتی نامه ای خطاب به آقای هاشمی، رئیس جمهور تهیه کرده بودم و توضیح داده بودم که منظوری از بیان آخرین جمله ام در آن دیدار چه بود. آن نامه به دلایلی فر ستاده نشد. اکنون، با توجه به شرایط کنونی، و بالا گرفتن برخی تقابل ها، که بوی خروش دوستی و مصفا و حرکت آن بر نمی خیزد، منظورم را توضیح می دهم و توصیه ای برادرانه دارم. ۱- قانون اساسی مشروطه سلطنتی سلطنت را موهبتی الهی دانسته بود که از جانب ملت به پادشاه تفویض می شود و برای حفظ کبان نظام، مقامی غیر مسئول شناخته شده بود که می بایستی سلطنت کند، نه حکومت. رجال از آیدخواه و وطن دوست و ملت گرا، کویش داشتند تا شاه از محدوده اختیارات خود تجاوز نکند و به آنچه بر قانون اساسی آمده است گردن بندد. اما شاه، حاضر به قبول چنین محدودیتی نبود و هر سخنی را در این رابطه توهین به خود و تضعیف ارکان نظام پادشاهی تلقی می کرد که بایستی به سختی عقوبت شود و کفر ببیند. در حالی که شاه، برخلاف قانون اساسی در تمام امور مملکت دخالت می کرد، حاضر به قبول مسئولیت اعمال خود نبود و هر سخن انتقادی از خود را، توهین به مقام سلطنت و تضعیف ارکان نظام تلقی می کرد. انتقادکنندگان و معترضین در دادگاه های نظامی محاکمه و به سختی کفر داده می شدند. حتی کسانی که عمیقاً معتقد به مشروطه سلطنتی بودند و انتقادات خود را از موضع کاملاً دلسوزی بیان می کردند تا مصون از کفر و عقوبت نبودند.

اما شاه هنگامی حاضر به تمکین از قانون اساسی گردید که دیگر دیر شده بود، در آبان ۱۳۵۷، هنگامی که ناآرامی سرتاسر کشور را گرفته بود و فریاد ملت علیه شاه در همه جا بلند شده بود، تیمسار ناصر مقدم رئیس ساواک به دیدن مهندس بازگان، که در زندان کمیته مشترک در بازداشت به سر می برد، رفت و گفت که علیحضرت شاه را گفته سابق شما که «شاه در رژیم مشروطیت سلطنت می کند، نه حکومت» برگشته اند. مهندس بازگان بلافاصله جواب می دهد: «ولی متأسفانه دیر شده است و جایی برای باور کردن نمانده است.»

۲- در تیرماه سال ۱۳۳۱، هنگامی که اختلاف میان شاه و مصدق، بر سر فرماندهی نیروهای مسلح بالا گرفت، مصدق استعفا کرد. نیروهای ضابطه ای، رهبری شاه و دربار و ایدی انگلیس و آمریکا، دست به کودتای پارلمانی زدند و احمد قوام روی کار آمد. ایران در حمایت از دولت ملی دکتر مصدق یک پارچه به حرکت درآمد. در آن زمان من دانشجوی دانشگاه تهران و نماینده منتخب کلاس خودم در پارلمان دانشجویی یعنی سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، عضو شورای مرکزی، و به انتخاب این شورا، عضو هیأت هفت نفره دبیران سازمان دانشجویان بودم. سازمان دانشجویان رهبری جنبش دانشجویی را بر عهده داشت. به مناسبت

داخلی

در جلسه اخیر خود

شورای عالی انقلاب فرهنگی خواستار بر خورد با عوامل حادّه کوی دانشگاه تهران شد

اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در این نشست که سه شنبه شب برگزار شد، از عموم دانشجویان دانشگاه ها درخواست کرد همچون گذشته با حفظ هشیاری خود، فرصت سواستفاده را از دشمنان اسلام و انقلاب، سلب کنند. شورای عالی انقلاب فرهنگی به گزارش روابط عمومی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، در این نشست که سه شنبه شب برگزار شد، از عموم دانشجویان دانشگاه ها درخواست کرد همچون گذشته با حفظ هشیاری خود، فرصت سواستفاده را از دشمنان اسلام و انقلاب، سلب کنند.

اعضا همچنین دانشجویان را که همواره در سنگر مقدم دفاع

پاسخ روابط عمومی دادگستری تهران در زمینه بازداشت کاظم شکر ی

سعید حجاریان هم تحت پیگرد قانونی است

قرار صادر شده در مورد وی نیز کاملاً مطابق با موازین قانونی بوده است؛ همچنان که مرجع تشخیص جرم و مجرم دادگاه است اما این پذیرش مسئولیت نافی مسئولیت دیگران نیست.»
شود با استعمال از مرجع مذکور و ارشاد آن مورد راهنمایی قرار گرفته و مبادرت به صدور و انشای رأی می کند و برخلاف اظهارات مذکور این رویه سال ها در محاکم جاری است همچنان که در جریان رسیدگی به پرونده اتهامی مدیرمسئول نشریه آدینه در مورد نحوه حضور اعضای اصلی و علی البدل هیأت منصفه در دادگاه نیز به پیشنهاد و ارشاد اداره حقوقی دادگستری عمل شد.»
در بخش دیگری از این اطلاعیه آمده است: «این که نامبرده مطالب داشته که مسئولیت تمامی مطالب درج شده در روزنامه تحت سرپرستی خود را می پذیرد خود تأییدی است بر نظریه دادگاه در مورد این که نامبرده نیز در انتشار مطالب موهن مذکور سمت معاونت در جرم را داشته و

در این اطلاعیه همچنین اضافه شده است: «مدیرمسئول روزنامه صبح امروز در بخشی دیگری از سخنان خود با پذیرش نظریه اداره

نرینون

از گذشته عبرت بگیریم

با روی کار آمدن کندی، اگرچه شاه ود قدّم جلو آمد، اما همان مختصر آزادی های سیاسی و فعالیت مجدد جبهه ملی و تأسیس نهضت آزادی و اعلام خیابان های مرکزی شهر، در میدان بهارستان، خیابان شاه آباد و میدان فخرالدوله سابق شروع کردند و با سربازان به جنگ و گریز خیابانی پرداختند. در روز دوشنبه سی ام تیرماه قطعات اعتراض آمیز مردمی به اوج خود رسید. طی آن چند روز پرتلاطم، نیروهای ملی و هیأت دبیران سازمان دانشجویان برای پرهیز از تدریجک تیروهای نظامی، که در خیابان ها با مردم درو درو بودند، و جلوگیری از وخیم تر شدن اوضاع به ضرر حرکت ملی، سعی بر آن داشتند که شعارهای تند و مستقیم علیه شاه داده نشود. اما در آن ۳۰ تیرماه پرتلاطم، هنگامی که به اتفاق دانشجویان و مردم به راه افتاده بودیم، نظامیان به تحریک ایادی دربار و از جمله برادران شاه به سوی مردم تیراندازی کردند و در میدان بهارستان و سبزه میدان بازار، قطعات به خاک و خون کشیده شد. در این هنگام بود که خشم درونی مردم آن چنان منفجر شد که ناگهان شعارهای با مرگ با مصدق به شعار «مرگ بر شاه» تغییر پیدا کرد. هنگامی که همه را جمعیت حنازه یکی از کشته شدگان تیروهای جفای نظامیان شاه را روی تخته ای انداخته و بر دوش می کشیدیم و از خیابان خیام به سوی خیابان سپه سابق برای رفتن به بیمارستان سینا در حرکت بودیم فریادهای یک پارچه مرگ بر شاه مردم آن چنان بلند و رسا شده بود که سربازانی که در برابر در ورودی قورخانه و ساختمان روزنامه اطلاعات ردیف ایستاده بودند به سوی ما تیراندازی کردند. اما خشم مردم آن چنان گسترده بود که تیراندازی های مستقیم به سوی مردم کاری از پیش نبرد. بعداً ظهر آن روز شاه عقب نشینی کرد. قوام استعفا داد و از شهر بیرون رفت و پنهان شد. دکتر مصدق مجدداً از طرف مجلس به نخست وزیری منصوب شد. شاه مناقشه سی ام تیر ۱۳۳۱ را باخت. اما نه از آن حادّه و نه از حوادث بعد از آن عبرتی نگرفت.

۳- بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و استقرار مجدد شاه بر اریکه قدرت و سلطنت، هیچ تیرویی و گروهی، جز خودفروخته گان و وابسته گان به قدرت های خارجی، مصون از تعرض نماند. از حزب توده گرفته تا احزاب ملی، از روشنفکران تاروحانیان، همه سرکوب شدند. نقش کنشی باقی نماند، جز تنی چند که همچون درختان تناور جنگلی در برابر توفان ایستاده بودند و مقاومت می کردند تا شاید توان یافت بشکند. شش سال گذشت، ظاهراً همه چیز بر وفق مراد شاه و دربار و اربابانش بود. اما فضای سیاسی کشور سرشار از ناامنی، عدم اعتماد و تزلزل مشهود در ارکان نظام بود.

در سال ۱۳۳۸، آمریکایی ها بیشتر و انگلیس ها کمتر، به شاه پیشنهاد دادند دریچه های سیاسی را باز کنند و به مردم کمی امکان آزادی بدهد. تحلیل و استدلال آنها این بود که نه تنها سازمان نظامی حزب توده، بلکه کل ساختار حزب متلاشی شده است، دکتر مصدق و همکارانش با اعدام شده اند یا در زندان و در تبعید به سر می برند. شاه یک ارتش بسیار مجهز و تصفیه شده از وجود عوامل غیرخودی و ناسازگار را در پشت سر خود دارد. بنابراین اگر شاه زمین ها را بین دهقانان تقسیم و کارگران را در سهام کارخانجات شریک کند حمایت این گروه کثیر از مردم را به خود جلب نموده و موقعیت خود را مستحکم می سازد. بنابراین نباید از باز شدن جو سیاسی جامعه و برگزوی انتخابات به گونه ای که ۲ یا ۳ نفر، حتی از جبهه ملی و هوادار مصدق هم به مجلس راه بیابند ترس و واهمه داشته باشد. اما تزلزل شاه سیاسی نبود. واهمه او یک ترس درون زا و روانی بود. زیر بار نرفت و مقاومت کرد.

۴- به دنبال آن چه در سال ۵۲ اتفاق افتاد و رکود و خلیی که در جنبش مسلمانان علیه استبداد شاه و استبداد خارجی پدید آمد در سال ۱۳۵۵. بار دیگر بحران های ریشه دار نظام استبداد سلطنتی خود را نشان داد. به طوری که در اواخر سال ۱۳۵۵ ناصحان داخلی نظامی آن زمان با شجاعت و صراحت، اعلام کرد که ما آخرین گروهی هستیم که با زبان قانون و از در مسالمت با شما سخن می گویم. بعد از بازداشت و محاکمه و محکومیت ما، از این پس با کسانی روبه رو می شوید که با شما با زبان دیگری سخن خواهند گفت. حاصل تحولات این دوره، همان طور که مهندس بازگان پیش بینی کرده بود، تحول مبارزات سیاسی به جنگ مسلحانه و تشکیل هسته های متعدد توسط نیروهای مذهبی و غیرمذهبی گردید.

۴- به دنبال آن چه در سال ۵۲ اتفاق افتاد و رکود و خلیی که در جنبش مسلمانان علیه استبداد شاه و استبداد خارجی پدید آمد در سال ۱۳۵۵. بار دیگر بحران های ریشه دار نظام استبداد سلطنتی خود را نشان داد. به طوری که در اواخر سال ۱۳۵۵ ناصحان داخلی نظامی آن زمان با شجاعت و صراحت، اعلام کرد که ما آخرین گروهی هستیم که با زبان قانون و از در مسالمت با شما سخن می گویم. بعد از بازداشت و محاکمه و محکومیت ما، از این پس با کسانی روبه رو می شوید که با شما با زبان دیگری سخن خواهند گفت. حاصل تحولات این دوره، همان طور که مهندس بازگان پیش بینی کرده بود، تحول مبارزات سیاسی به جنگ مسلحانه و تشکیل هسته های متعدد توسط نیروهای مذهبی و غیرمذهبی گردید.

۴- به دنبال آن چه در سال ۵۲ اتفاق افتاد و رکود و خلیی که در جنبش مسلمانان علیه استبداد شاه و استبداد خارجی پدید آمد در سال ۱۳۵۵. بار دیگر بحران های ریشه دار نظام استبداد سلطنتی خود را نشان داد. به طوری که در اواخر سال ۱۳۵۵ ناصحان داخلی نظامی آن زمان با شجاعت و صراحت، اعلام کرد که ما آخرین گروهی هستیم که با زبان قانون و از در مسالمت با شما سخن می گویم. بعد از بازداشت و محاکمه و محکومیت ما، از این پس با کسانی روبه رو می شوید که با شما با زبان دیگری سخن خواهند گفت. حاصل تحولات این دوره، همان طور که مهندس بازگان پیش بینی کرده بود، تحول مبارزات سیاسی به جنگ مسلحانه و تشکیل هسته های متعدد توسط نیروهای مذهبی و غیرمذهبی گردید.

۴- به دنبال آن چه در سال ۵۲ اتفاق افتاد و رکود و خلیی که در جنبش مسلمانان علیه استبداد شاه و استبداد خارجی پدید آمد در سال ۱۳۵۵. بار دیگر بحران های ریشه دار نظام استبداد سلطنتی خود را نشان داد. به طوری که در اواخر سال ۱۳۵۵ ناصحان داخلی نظامی آن زمان با شجاعت و صراحت، اعلام کرد که ما آخرین گروهی هستیم که با زبان قانون و از در مسالمت با شما سخن می گویم. بعد از بازداشت و محاکمه و محکومیت ما، از این پس با کسانی روبه رو می شوید که با شما با زبان دیگری سخن خواهند گفت. حاصل تحولات این دوره، همان طور که مهندس بازگان پیش بینی کرده بود، تحول مبارزات سیاسی به جنگ مسلحانه و تشکیل هسته های متعدد توسط نیروهای مذهبی و غیرمذهبی گردید.

بی ستون

مصاحبه مطبوعاتی ریاست محترم بی ستون
سیدابراهیم نبوی در راستای ضرورت موضع گیری در این برهه حساس زمانی و در پی دعوت خبرنگاران داخلی و خارجی ریاست محترم بی ستون طی یک اقدام موقع نظرات شفاف خود را در مورد واقعه نسبتاً خونین کوی دانشگاه اعلام داشت.

روزنامه پارک شهر: آقای رئیس! باگذشت ۴۴ روز از واقعه کوی دانشگاه شما در این مورد هنوز موضع گیری نکردید، علت این امر را برای خوانندگان ما بگویید.

رئیس بی ستون: ابهامات زیادی وجود داشت. مثلاً معلوم نبود چه کسی به نیروی نظامی حمله کرده و چرا یاد پنجره را به هم کوبیده و شیشه ها شکسته است. با این که علت و جود کبریت که باعث آتش سوزی در کوی دانشگاه شد چه بود؟ دانشجویی که باید درس بخواند کبریت می خواهد چکار؟ من هنوز هم بعد از این مدت نمی دانم که چماق مهاجمان – که معلوم نیست دانشجوی بودند یا نه- دراز بود یا کوتاه؟ اینها همه مبهم بود. من رفتم یک بسته کبریت خریدم و دیدم جوب کبریت هایی که با آن خوابگاه آتش گرفته دقیقاً شبیه چماق هست، منتهی کوچکتر از آن است و فهمیدم این آتش از کجا بلند شده.

روزنامه نوبیخانه: پس شما احتمال حضور عناصر چماقدار را تکذیب می کنید؟

رئیس بی ستون: بله، تکذیب کردن در این برهه حساس زمانی لازم است. الان بچه های کوچکی هستند که هنوز یکسال هم از سن آنها نمی گذرد. آنها احتیاج به شیرمادر دارند، نه اینکه دانشجویان به چیزهای دیگر اعتراض کنند.

روزنامه سپیدخندان: چه چیزی بیشتر از همه شما را ناراحت کرد؟ رئیس بی ستون: شاید بیشتر از همه این مسئله برای من مهم بود که چرا دانشجویان بی جن می کشیدند. همسایه ها خیلی ناراحت بودند که چرا بچه های کوچک آنها شب نتوانستند بخوابند. من نمی فهمم، چرا دانشجویان باعث اذیت و آزار مردم شدند؟ شما که می دانید من هرگز در تمام عمرم هیچ کاری را با سر و صدا نکرده ام. من واقعاً به برادران خودمان هم توصیه می کنم وقتی می خواهند یک نفر را با چماق بزنند اول دهانش را بگیرند که همسایه ها بیدار نشوند.

روزنامه صبح امروز: من از صبح امروز سؤال می کنم. آیا بهتر نبود در مورد واقعه دانشگاه با صراحت برخورد می شد؟

رئیس بی ستون: من از سؤال برادرانه و مسئولانه خبرنگار صبح تشکر می کنم.

خبرنگار صبح امروز: من از صبح امروز هشتم، نه صبح ... رئیس بی ستون: بله، به نظر من سؤال شما متافقانه و غیرمسئولانه است. لذا به سؤال شما جواب نمی دهم.

روزنامه انتصاب: به نظر شما در این ماجرا آقای شکر ی مقصر بود یا آقای حجاریان؟

رئیس بی ستون: من نمی خواهم از کسی اسم ببرم، اما از نظر من آقای نوری و حجاریان و عبدی و ستاری و تاج زاده و شمس الواعظین و علوی تبار و جلالی پور و کرابسچی و چند نفر که نمی خواهم اسمشان را ببرم بیشتر مقصر بودند.

روزنامه ایران: برخورد شما با این واقعه چگونه بود؟ رئیس بی ستون: من طبعاً مثل همه مردم ایران خودم را نماینده مردم ایران می دانم. و شما شاهد بودید که مردم به من اعتماد کامل داشتند. مردم آمدند پیش من و گفتند این به نظر اندیشجویی که له شان به هم خورده بود و زخمی شده بودند در خانه آنها را زدند و آنها را کتک زدند.

روزنامه همشهری: آیا شما قبول دارید؟ رئیس بی ستون: نه من مخالفم. روزنامه چیخ و داد: چرا شما اینقدر مهربان هستید؟

رئیس بی ستون: این موضوع جدیدی نیست. من از زمان بچگی هم همیشه هرچه در خانه داشتم به همسایه ها می دادم. اما همه به من می گفتند که به فکر منافع جناحی خودت باش. ولی من خیلی مهربان هستم. فقط دوست دارم به شهر و زنان کمک کنم، مخصوصاً به همسایگان خوابگاه دانشگاه تهران که خیلی از این مسائل ناراحت شدند.

خبرنگار بانگ و رنگ: شما قطعاً معتقدید که توطئه کوی دانشگاه کار دفتر تحکیم و نشریات دوم خردادی و مشاورین خاتمی است. درست است؟ رئیس بی ستون: بله.

روزنامه تاپرس غیرتی: پیام شما برای جوانان چیست؟

رئیس بی ستون: پسرها باید درس شان را بخوانند تا انقلابی نباشند. باید از خوردن بفک نمکی و گاز اشک آور اجتناب کنند. حتی الکلیان هر روز صبح مسواک بزنند از خودشان سر و صدای اضافی دریاورند.

●●●

نتیجه گیری اخلاقی: همسایه ها یاری کنین تا من میانداری کنم.

۱۷ انتصاب در سازمان عقیدتی سیاسی ارتش

گروه داخلی- رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران گفت: براساس روش جدید، اسامی ۱۷ نماینده این سازمان را ۱۷ لشکر کشور منصوب شدند.

به گزارش ایرنا، سیداحمدود قوچانی یکشنبه در مراسم انتصاب نماینده عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی در خوزستان افزود: تا پارسل کلیه امور ووظایف نمایندگی های عقیدتی همسایه ها می دادم، اما همه به من می گفتند که را برای برخی از استان ها در پی داشت. نماینده ولی فقیه در خوزستان و امام جمعه اهواز نیز در این مراسم گفت: «رهبر معظم انقلاب به لحاظ بالا بردن منزلت و ارزش ارتش جمهوری اسلامی ایران وقت زیادی صرف امور ارتش می کند و ارتش امر را وظیفه خود می داند.» سیدمحمدعلی موسوی جزایری افزود: «ارتش جمهوری اسلامی در طول دفاع مقدس رشادتهای بسیار زیادی آفرید و در حوادث اخیر به عنوان پشتوانه محکمی برای مقابله با تهدیدات خارجی و برون مرزی، دشمنان اسلام را بزبون ساخت؛ در این مراسم، ولی الله حیدری به عنوان نماینده عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران در خوزستان منصوب شد.

دبیر ستان و مرکز پیش دانشگاهی پسرانده نور

دبیر ستان و مرکز پیش دانشگاهی پسرانده نور
با استفاده از دبیران مجرب و با سابقه دبیر ستان البرز
در رشته ریاضی و تجربی از دانش آموزان ممتاز و مستعد
ثبت نام میکند
شهرک آندامرمری، بلوار دانش
۸۳۳۱۱۳۷ و ۳۸

دبیر ستان و مرکز پیش دانشگاهی پسرانده نور					
تور سنکاپور	۱۲۰۶	تور فرانسه (پاریس-کن)	۱۲۰۶	تور سنکاپور	۱۲۰۶
تور تایلند	۱۲۰۶	تور انگلستان	۱۲۰۶	تور تایلند	۱۲۰۶
تور هنگ کنگ	۱۲۰۶	تور یونان	۱۰۵۵	تور هنگ کنگ	۱۲۰۶
تور هندوستان	۱۲۰۶	تور استرالیا (سیدنی، ملبورن)	۱۰۵۵	تور هندوستان	۱۲۰۶
تور فیلیپین	۱۲۰۶	تورمکزیک	۱۰۵۵	تور فیلیپین	۱۲۰۶
تور سونیس	۱۲۰۶	تور دور اروپا (ایتالیا، هلند،فرانسه،اتریش)	۱۰۵۵	تور سونیس	۱۲۰۶
تور دب	۱۲۰۶	تور ترکیه (اتالیا)	۱۰۵۵	تور دب	۱۲۰۶
تور سوریه	زمین ووزیر	تور قبرس	۱۰۵۵	تور سوریه	زمین ووزیر
تلفن تماس	۸۷۵۶۵۷۳۴-۸۷۶۸۱۸۳-۸۷۶۹۲۱۱	تلفن تماس	۸۷۵۶۵۷۳۴-۸۷۶۸۱۸۳-۸۷۶۹۲۱۱	تلفن تماس	۸۷۵۶۵۷۳۴-۸۷۶۸۱۸۳-۸۷۶۹۲۱۱
نشانی	خیابان سهروردی- خیابان آبدانا- شماره ۱۰۴	نشانی	خیابان سهروردی- خیابان آبدانا- شماره ۱۰۴	نشانی	خیابان سهروردی- خیابان آبدانا- شماره ۱۰۴

پاکستان خواستار میانجیگری جامعه جهانی برای حل بحران کشمیر شد

گروه بین الملل - خبرگزاری ها: پاکستان روز گذشته در مقابل پیشنهاد هند برای آغاز مذاکره میان دو کشور عکس العمل سردی نشان داد و شروع گفت و گوهای واقعی بر سر حل بحران کشمیر را منوط به میانجیگری دیگر کشورها دانست.

به گزارش رویتر از اسلام آباد، شمشاد احمد معاون وزیر امور خارجه پاکستان اعلام کرد که پیشنهاد هند برای آغاز مذاکره با پاکستان بر سر حل مسئله کشمیر، اقدامی تاکتیکی به منظور کاهش فشار بر دهلی نو به شمار می آید، اما دولت پاکستان در پی مذاکره ای واقعی است که به ۵۲ سال درگیری میان دو کشور پایان دهد.

وی خاطر نشان کرد که «پاکستان با زبان جنگ، شقاوت و بیرحمی صحبت می کند در حالی که ما از صلح، امنیت و آرامش سخن می گویم و خواستار ارائه راه حل مسالمت آمیزی برای حل مسئله کشمیر هستیم.» وی افزود: جهانیان دیگر نمی توانند در مورد مسئله کشمیر سکوت اختیار کنند و ما هم طی ۵۰ سال اختلاف در مورد کشمیر، وقت خود را با انجام مذاکره های بیپهوده با مقام های هندی گذراندم. اما اکنون وقت آن رسیده که گفت و گوهای حقیقی میان دو طرف آغاز شود.

از سوی دیگر به گزارش رویتر از اسلام آباد، محمد نوازشریف نخست وزیر پاکستان قرار است امروز از عربستان سعودی به پاکستان باز گردد و از نوار کنترل مرزی در کشمیر دیدن کند. این درحالی است که بی نظیر بوتو نخست وزیر پیشین پاکستان طی مصاحبه ای با تلویزیون بر این که ورود به قرن ۲۱ مستلزم رویکردهای تازه سیاسی درباره بحران های جهانی است، خواهان اجرای سیاستی معقولانه توسط پاکستان در زمینه بحران کشمیر شد.

به گزارش بی بی سی، بوتو پیشنهاد کرد که مرز کشمیر گشوده شود و هند با پاکستان مراکز عمده این منطقه را به طور مشترک کنترل کنند. بوتو گفت: نواز شریف، دنباله رو ارتش پاکستان شده و توجیه منطقی برای عملکرد خود در مورد کشمیر ندارد. هند نیز باید حل مناقشه کشمیر را متناسب با خواست مردم این منطقه در نظر بگیرد، در غیر این صورت جامعه جهانی باید چنین موضعی را به هند تحمیل کند.

خواندنی های جهان

نام کلکته تغییر می کند

گروه های مارکسیستی و متحدین آنها درصدد هستند نام کلکته را تغییر داده و از نام بنگالی این شهر صنعتی استفاده کنند. نام اصلی این شهر «کل کوتا» بود ولی در دوران استعمار به کلکته تغییر یافت. آنها همچنین در نظر دارند نام ایالت بنگال غربی را به «بنگالا» تغییر دهند. بسیاری از جوانان مخالف تغییر اسامی هستند.

حقوق بومیان استرالیا

مخالفان دولت استرالیا اعلام کردند دولت نباید موضوع به رسمیت شناختن حقوق بومیان را از قانون بر گزارای همه پرسی حذف کند. به گفته سخنگوی مخالفین، هر گونه تغییری در این قانون به معنی عدم شناخت حقوق بومیان این سرزمین است. بومیان استرالیا که صاحبان اصلی این سرزمین هستند حدود ۳ درصد از جمعیت ۱۸ میلیون نفری این کشور را تشکیل می دهند.



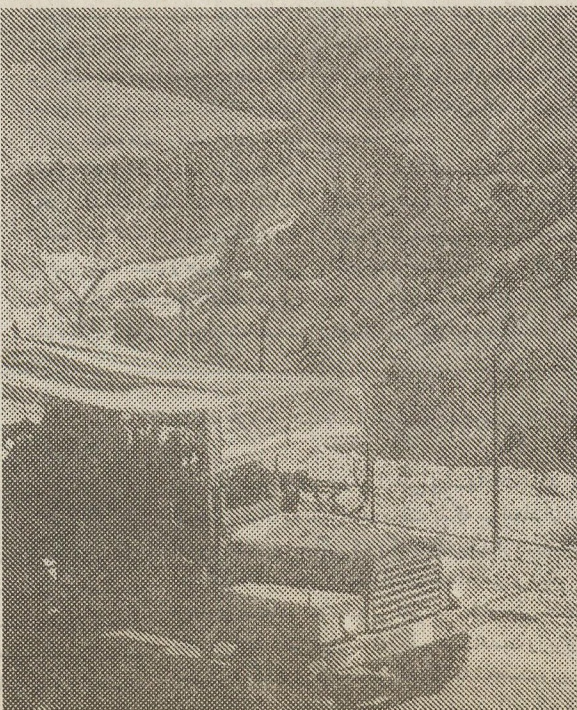
مولداوی وی را دستگیر کرده و تحویل مقامات ترکیه داده اند. همچنین در این بیانیه گفته شده، سوپسال که به مدت یک

اجویت اعلام کرد مسئول آموزش نظامی، سیاسی کردهای ترکیه دستگیر شد

ناحیه «ماردین» را به اتهام همکاری با چریک های این حزب گلوله باران کرده است. به گزارش این رادیو، در این گلوله باران که اوایل هفته انجام شد، جوان ۱۷ ساله ای کشته و ده ها نفر از زنان و کودکان این روستا مجروح شدند. منبع یادشده گفت: نیروهای ارتش ترکیه در روزهای اخیر پس از شکست در مقابل چریک های این حزب، به بیانیه هتکار با چریک ها، روستایان ساکن در منطقه درگیری را دستگیر می کنند.

همچنین رادیو P.K.K درخصوص حکم دادگاه امنیتی آنکارا در مورد اوج آلان گفت:

ادعای اسرائیل برای عقب نشینی از جولان



بیت المقدس - A.F.P: به گزارش رویتر از اسرائیل، به خروج نیروهای این کشور از بلندی های جولان رضایت داد. به گزارش A.F.P از بیت المقدس به نقل از یکی از مقام های دولتی کابینه اسرائیل که حاضر به افشای نامش نشد، ایهود باراک نخست وزیر این کشور خود را مجاب ساخته است که برای صلح با سوریه از بلندی های جولان عقب نشینی کند. این مقام بلندپایه اسرائیلی که با نخست وزیر اسرائیل به «واشنگتن» سفر کرده بود، در این مورد گفت: «شکی نیست که «باراک» خود را راضی کرده است که از تمام جولان تا مرزهای بین المللی عقب نشینی کند. او متقابلاً ترتیبات امنیتی دقیق و کاملی را از سوریه خواهان است. به گفته وی، ترتیبات امنیتی

آنکارا - A.F.P: - جواد سوپسال که مرد شماره ۲ حزب کارگران کردستان (P.K.K) نامیده می شود در یکی از کشورهای اروپایی به دام مأموران اطلاعاتی ترکیه افتاده است به گزارش A.F.P از آنکارا، بولنت اجویت نخست وزیر ترکیه روز گذشته در مصاحبه با خبرنگاران اعلام کرد: جواد سوپسال، یکی از رهبران مهم P.K.K طی عملیات موفقیت آمیزی در یکی از کشورهای اروپایی دستگیر و به ترکیه بازگردانده شد. اجویت در سخنان خود، به نام کشوری که سوپسال را در آن دستگیر کرده اند، اشاره ای نکرد و همچنین از محل اقامت فعلی وی نیز سخنی به میان نیاورد. از سوی دیگر شبکه خبری V.T.N روز گذشته اعلام کرد که شخص مذکور طی عملیاتی در آلمان به دام افتاده و با هوایپما شخصی به ترکیه فرستاده شده است. تصاویری که از تلویزیون V.T.N پخش شد، سوپسال را در حالی که صورتش را با ماسک پوشانیده بودند و توسط دو مأمور سازمان اطلاعات ترک همراهی می شد، نشان می داد. این در حالی

اتلاف سوسیالیست های هند با واچپایی

دهلی نو - رویتر: سه حزب سوسیالیست هند با حزب «بهارایتاجاناتا BJP» حزب «اتال بهاری واچپایی» نخست وزیر هند، متحد شدند. به گزارش رویتر از «دهلی نو» سه حزب سوسیالیست «ساماتا»، «لوک شاکتی» و «جانانادال» با پیوستن به همدیگر و تشکیل یک حزب متحد جزو اتحاد دموکراتیک ملی (NDA) به رهبری حزب «BJP» درآمدند احزاب «لوک شاکتی» و «ساماتا» هم اکنون نیز متحدان «BJP» محسوب می شوند و «لوک شاکتی» وزیر دفاع فعلی دولت از حزب دوم و «راماکریشنا موجد» وزیر تجارت فعلی از حزب اول هستند.

کارشناسان سیاسی معتقدند، این الحاق می تواند به نفع NDA باشد و باعث تقویت موضع این اتحاد شود و امید «اتال بهاری واچپایی» برای پیروزی در انتخابات پارلمانی ماههای شهریور و مهر را افزایش دهد.

جسد کندی پیدا شد

ماساچوست - A.F.P: جسد جان اف کندی پسر، روز گذشته در آبهای نزدیک ماساچوست آمریکا پیدا شد. به گزارش A.F.P از بی هوایپماریبی سال ۱۹۹۴ قطع شده بود. اورشلیمر پست - اسرائیل: حافیل «باراک و کلینتون پس از مذاکره در واشنگتن در انتظار پاسخ حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه درباره گفت و گوهای صلح هستند.

از مطبوعات جهان
تربیبون - الجزایر: پروازهای ایرفرانس به الجزایر از سر گرفته می شود. این پروازها در بی هوایپماریبی سال ۱۹۹۴ قطع شده بود. **اورشلیمر پست - اسرائیل:** حافیل «باراک و کلینتون پس از مذاکره در واشنگتن در انتظار پاسخ حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه درباره گفت و گوهای صلح هستند.

ملیت - ترکیه: ایران اعلام کرد ترکیه از ناآرامی های دانشجویی حمایت می کند. **آلی تیا - قبرس:** یونان برای پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا دو شرط جدید اعلام کرد که شامل خاتمه دادن به اشغال قبرس و حل اختلاف های دو کشور در دریای اژه می شود. **فیفل فیتروس - قبرس:** اجویت نخست ترکیه در دیدار با وزیر امور خارجه قبرس از قبرس را در کرد. **الرای - اردن:** پادشاه اردن در دیدار نخست وزیر اسپانیا گفت: مذاکرات صلح خاورمیانه نیاز به تحرک جدیدی دارد.

الحیات - لندن: وزیر خارجه ایران برای گفت و گو درباره چند موضوع راهی عربستان شد. وی در عربستان در مورد مسئله سه جزیره خلیج فارس به تبادل نظر خواهد پرداخت.

کوتاه از جهان

سازمان ملل همدست جنایتکاران جنگی
مکزیکوسیטי: چریک های زاپاتیستا مرکزیک اعلام کردند سفر بازجوی حقوق بشر سازمان ملل به مکزیک اهمیت چندانی برای آنان ندارد زیرا سازمان ملل را همدست در جنایات جنگی می دانند.

بررسی امنیت اروپا توسط روسیه و انگلیس
مسکو: ایگور ایوافت وزیر خارجه روسیه با همتای انگلیسی خود در مورد امنیت اروپا مذاکره می کند. بحث درباره امنیت اروپا و جهان با توجه به نتایجی که در بحران کوزوو و یوگسلاوی حاصل شده انجام می شود.

کمک سوریه به بازسازی پل های لبنان
دمشق: سوریه ۲۵ کامیون سیمان برای بازسازی پل های لبنان که در حمله اخیر اسرائیل ویران شده اند، ارسال کرد. سوریه همچنین تجهیزات را برای بازسازی نیروگاه های برق الجمهور و بصلام به لبنان ارسال کرده بود.

آزادی زندانیان باسک
مادرید: ۲۲ زندانی یک گروه باسکی اسپانیا آزاد شدند. آنها در سال ۱۹۹۶ به اتهام همکاری با گروه جدایی طلبان «اتا» هر یک به ۷ سال زندان محکوم شدند. دیوان عالی اسپانیا در جریان فرجام خواهی اعضای این گروه را بی گناه تشخیص داده و آزاد کرد.

قتل ۱۶ نفر در الجزایر
الجزیره: مطبوعات الجزایر گزارش دادند که ۱۶ نفر توسط گروه های اسلامی قتل عام شدند. این اقدامات در شرایطی صورت می گیرد که بوتلیقه رئیس جمهور الجزایر خواستار اشتی ملی شده است.

رادیو بی بی سی: نامه فرماندهان سپاه بسیار محرمانه تر از نامه سعید امامی بود
رادیو بی بی سی در گفت و گویی با سنجید لیلان سردبیر روزنامه آوا همدت و پیامهای انتشار نامه فرماندهان سپاه به رئیس جمهور را بررسی کرد. وی گفت: انتشار این نامه به دلیل محرمانه بودن آن و نیز به دلیل اغراضی واهدایی که پشت انتشار این نامه نهفته است باعث تعجب دفتر رئیس جمهوری شده است. وی درباره انعکاس انتشار این نامه در محافل سیاسی کشور گفت: نگارش این نامه یک معنا دارد و انتشارش توسط بعضی از روزنامه های عصر و صبح تهران یک معنای دیگر دارد که هر دو عامل به دلیل اهمیت مسئله واکنش بسیار گسترده ای را موجب شده است. علاوه بر دفتر رئیس جمهوری، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و مجمع روحانیون مبارز واکنش نشان دادند و پیش پینی می شود که موج واکنش ها و اعتراضات هم به محتوا و اهمیت این نامه و هم به نحوه انتشارش ادامه پیدا کند.

وی ابراز عقیده کرد که انتشار این نامه ماهیتاً با انتشار نامه ای که در روزنامه سلام اتفاق افتاد فرق می کند. این نامه به لحاظ محتوا بسیار محرمانه تر و حساس تر از آن تحلیلی بود که سعید امامی در مورد ضرورت بستن و قلع و قمع مقبوعات داده بود و قاعداً مجازات آن باید خیلی بیشتر باشد، به دلیل این که انتشار این نامه فضای مساعد و آماده برای کوتنا در کشور به وجود آورده است.

رادیو فرانسه: تهدید است، از کودتا خبری نیست
گفت و گو باحسب الله بیهان درباره نامه فرماندهان سپاه به رئیس جمهوری موضوع برنامه چشم انداز رادیو فرانسه بود. وی درباره زمینه ارسال چنین نامه ای به رئیس جمهور گفت: بعد از حمله به کوی دانشگاه و آن فاجعه خونین که به وسیله بخشی از نیروهای انتظامی و گروه های فشار صورت گرفت مسئولین در معرض این سؤال بودند که باید روشن کنند که چه کسی به این دستور داده و چه طرحی برای این حمله بوده است، اما متعاقب آن در واقع فضایی به طور تصنعی ایجاد شد که در نتیجه خود قضیه حمله به کوی دانشگاهین شعاع قرار گرفت و در آن آشوب هم شعاریها داده شد که حالا بهانه ای شده برای ایجاد رعب و تهدید آزادی ها تا مثلاً انتخابات مجلس ششم، به طوری که در این فاصله نیروهای آزادی خواه و مطبوعات توانند عمل کنند و انتخابات به نحوی انجام بگیرد که خواست جریانات محافظه کار است. این نامه هم در راستای تهدیدی برای ایجاد رعب و هراس است و به نظر من پشت آن هیچ عملی آن چنان که بعضی ها خدس می زنند و نگارنده که کوتانی در شوق تکوین یا اجرا است وجود ندارد و من چنین احتمالی را نزدیک به صفر می دانم برای این که هر نوع کودتا یا خشونت نظامی و ایجاد یک حکومت تمام عیار و رسمی نظامی در ایران که با حذف رئیس جمهور و نهادهای مدنی موجود همراه باشد برای خود نظام یک فاجعه است و مسلماً کارگردانان نظام این قدر خرد را ندارند که درگیر چنین فاجعه ای شوند و سر و تش نظام را به چنین وضع هزلتانی تسبیازند. من فکر می کنم که دیگر الان اعتدالی مبارزه و روحیات مردم برای حفظ دستار دهاهی که داشتند آن قدر بالا است که این تهدیدات تأثیری نمی گذارد. معتقد که هیچ کدام از ارزش های اساسی انقلاب و اسلام در ایران به خطر نیفتاده و این یک توهم یا یک صحنه سازی از یک خطر موهوم است. بنابراین دانشجویان و آزادیخواهان و ادبای قلم هر اسی از این گوه تهدیدها ندارند.

بی بی سی: ایران نگرائی سازمان نظارت بر حقوق بشر درباره رویندهای اخیر ایران رادیو بی بی سی در برنامه جام جهان نما نظرات «هانی مگالی» مدیر اجرایی بخش خاورمیانه و شمال آفریقا سازمان نظارت بر حقوق بشر را درباره بیانیه مطبوعاتی سازمان نظارت بر حقوق بشر درخصوص می ناآرامی های اخیر در ایران منعکس کرد، وی گفت: ما از مقامات ایران خواسته ایم که تعداد افراد بازداشت شده و نام آنها را به طور رسمی اعلام کنند چون اطلاعاتی که ما در حال حاضر در دست داریم اطلاعات روشنی نیست. عده ای از افراد دستگیر شده و بعد آزاد شده اند و هیچ آثار رسمی در این زمینه وجود ندارد و نگرائی زیادی در مورد افرادی که دستگیر شده اند وجود دارد چون معلوم نیست که آنها را کجا برده اند. وی در پاسخ به این سؤال که آیا در این زمینه به سازمان نظارت بر حقوق بشر پاسخی داده اند یا نه گفت: تاکنون پاسخی دریافت نکرده ایم ما این بیانیه مطبوعاتی را روز دوشنبه منتشر کردیم امیدواریم که مقامات ایرانی به

طور آشکار در این باره یقین صحبت کنند و نام دستگیر شدگان را اعلام کنند. ما همچنین نگران کسانی هستیم که به خاطر بیان کردن نظراتشان و یا به دلیل شرکت در تظاهرات آرام دستگیر شده اند و ما از دولت ایران می خواهیم که این افراد را آزاد کنند. وی افزود: اگر هم در میان دستگیر شدگان کسانی هستند که مرتکب جرم شده اند باید برای آنها طبق موازین بین المللی محاکمه منصفانه ای ترتیب داده شود.

وی درباره منبع اطلاعات سازمان نظارت بر حقوق بشر درباره دستگیر شدگان اظهار داشت: تلاش زیادی کرده ایم تا با گروه های مختلف در داخل ایران مستقیماً تماس تلفنی بگیریم و باتوجه به وحدانی که در ده روز اخیر در این اتفاق افتاده، پیدا کردن آدم ها کار آسانی نیست، ولی در همین حال افرادی که هیچ گاه با ما در تماس نبوده اند یا با تلفنی صحبت کرده و با برپایان فکس فرستاده اند، ما همچنین به اطلاعاتی که روزنامه نگاران و منابع دیپلماتیک در اختیار ما گذاشته اند تکیه کرده ایم. وی درباره اقدام بعدی این سازمان در صورت دریافت کردن پاسخ مثبت از سوی مقام های مسئول ایرانی گفت: قدم بعدی این است که ببینیم آیا دستگیر شدگان محاکمه خواهند شد یا نه و اگر قرار شد محاکمه شوند ما از دولت ایران در خواست خواهیم کرد که اجازه دهند که ما ناظرانی برای حضور در این محاکمات به ایران بفرستیم اما مشخصاً آن که ما الان به آن نیاز داریم اطلاعات دقیقی است در مورد دستگیر شدگان که چه کسانی هستند و چه نوع اتهاماتی علیه آنها مطرح خواهد شد. نگرائی دیگر با دخالت اواد مسلحی است که به نظر می رسد با نیروهای امنیتی همکاری می کند و این است نیروهای مسئول دولت از مردم محافظت کنند نه این که با این افراد برخورد داشته باشند. این مسئله که در ایران نظم و قانون به درستی رعایت نمی شود مسئله ای است که ما را شدیداً نگران کرده، چرا که این گروه های مسلح به طور آزادانه فعالیت می کنند.

بی بی سی: بزرگ کردن منوچهر محمدی بی اعتبار کردن جنبش اصیل دانشجویی است
رادیو بی بی سی در گفتاری گفت: وزارت اطلاعات در اطلاعیه های خود تصریحی از منوچهر محمدی ارائه می دهد که گویا او یکی از رهبران عمده حرکت های دانشجویی اخیر بوده و بنحصری نقش مؤثری در تحریک اموال عمومی در روزهای آخر تظاهرات داشته است. وزارت اطلاعات همچنین می گوید که گروه های مخالف دولت ایرن این خط را به آقای محمدی دیده کرده بودند. تحلیلگری بی بی سی درباره سوابق منوچهر محمدی گفت: وی دانشجویی اقتصاد در تهران بود و سپس به دلیل فعالیت های سیاسی از ادامه تحصیل محروم شد. او چندتکشل به راه انداخت که توانست بین دانشجویان طرفداران زیادی پیدا کند. آقای محمدی خود را ملی گرامی دانست و با حکومت ولایت فقیه مخالف بود و خواست جدایی دین از دولت را تبلیغ می کرد. او در سفر خود به خارج از کشور در مجامع مختلف سخنرانی کرد و علناً از ایرانیان مقیم خارج از کشور خواست که به شکل او کمک مالی کنند. بسیاری از گروه های مخالف دولت ایران او را فردی مشکوک می دانستند و می گفتند احتمالاً او با کمک دستگاه امنیتی کشور به خارج آمده است. ولی گروه های معتدل تر خارج از کشور در جلسات حضور می یافتند گرچه آنها هم معتقد بودند که آقای محمدی خصوصیات یک رهبر دانشجویی معتبر را ندارد. بسیاری از ایرانیان خارج از کشور بعضی از حرکات او را ساده لوحانه می دانستند و می گفتند که آقای محمدی فردی بلندپرواز است. در داخل ایران نیز گروه های دانشجویی دیگر و از جمله دفتر تحکیم وحدت که به رئیس جمهور خاتمی نزدیک است به آقای محمدی و گروه او اعتمادی نداشته اند. ما معتقدند که منوچهر محمدی تندرو است و حرکات او به جنبش دانشجویی ضربه می زند. گروه محمدی نیز متقابلاً دفتر تحکیم و اتحاد خاتمی را متهم می کرد که خواستار اصلاحات عمیق نیستند و در صدد مصالحه با جناح محافظه کارانند.

تحلیلگری بی بی سی در پایان گفت: دانشجویان همچنین معتقدند که بزرگ کردن منوچهر محمدی از سوی مقامات امنیتی ایران بی اعتبار کردن جنبش اصیل دانشجویی است. ولی گروه های حقوق بشر معتقدند که جان محمدی در خطر است و آنها اقدام وزارت اطلاعات

همسر مهربانم، شهیناز جان

سی و یک تیرماه نگین زیبایی زندگیم هست

تولد تو و نگین کوچولو مبارک

همسرت عباس

مادر عزیزم

سی و نهمین بهار زندگیت را از صمیم قلب

تبریک می گویم به امدآنکه صدو بیستمین

بهار زندگیت را همگی در کنار هم جشن بگیریم

همسرت الهه دهقان

درآوردن محمدی به تلویزیون و اعتراف گرفتن از او را محکوم می کنند. **تکیان: در کجای دنیا درد دل دوستانه محرمانه تلقی می شود؟**
پادداشت روز تهران به قلم حسین خیرمستماری با اعتراضاتی که درپی چاپ نامه محرمانه فرماندهان سپاه از سوی روزنامه ها و گروه های مطرح شده است پاسخ گفته و نوشته است: «نامه فرماندهان سپاه مدتی قبل در یکی از روزنامه ها درج شده بود، ولی ظاهراً آن هنگام هنوز جریان خزنده روزدفتر خود را در بن بست احساس نمی کرد که به درج آن اعتراض کند. نامه یادشده از طریق فاکس به روزنامه ارسال شده و هیچ نشانه ای از محرمانه بودن نداشته ... در کجای دنیا درد دل دو ستانه و اعلام آمادگی مثلاً نه فرماندهان نظامی خطاب به رئیس جمهور محرامه تلقی می شود؟»

جمهوری اسلامی: افسوس که خاتمی مظلوم است
سرمقاله جمهوری اسلامی با عنوان «تکویا سیاسی - تبلیغاتی» نوشته است: «افسوس که خاتمی مظلوم است و رزم اصل مظلومی است از این است که عده ای از فرصت طلبان موج سوار، برای سوءاستفاده از فرصت ها حتی لحظه ای را هم از دست ندادند و تصریح کردند که حمله دوم خرداد به منزله قطار است و خاتمی راننده این قطار نیست، بلکه فقط مسافر این قطار است و اگر با آنان هماهنگ نباشند از قطار پیاده خواهد شد. فرصت طلبان موج سوار، در عین آن که مدعی شده اند جناح رقیب در صدد قلعه زدن به برنامه های دولت است، اما در لایم با پاسخ فزاینده خود، مردمان درصدد فراهم کردن زمینه های کناره گیری خاتمی هستند.

هشتمی: چطور انتشار نامه خیلی محرمانه جرم محسوب نمی شود؟ موضوع پادداشت روز هشتمیری انتشار نامه محرمانه جمعی از فرماندهان سپاه به رئیس جمهور در برخی روزنامه هاست. هشتمیری پرسیده است: «اگر انتشار تو صیه نامه سرمداران قتل های زنجیره ای که نشان ظاهری محرمانه بودن نداشته است در اصل ترین ارکان مطبوعاتی یکی از دو جناح سیاسی عمده کشور جرم است چطور انتشار نامه خیلی محرمانه ای که تبلیغ ثانوانی دولت و تشویش آذهان عمومی در آن موج می زند جرم محسوب نمی شود؟ به این پرسش این تذکر را بیاوریم که معیار دو گانه شایسته قضای اسلامی نیست.

صبح امروز: نامه فرماندهان سپاه و مقایسه آن با وقایع ترکیه و پاکستان

نامه فرماندهان منو فرعی است که سر مقاله صبح امروز به آن پرداخته و نوشته است: «به پایان رسیدن صبر نظامیان عالی رتبه در دنیای سیاسی منطقه ما و در حافظه تاریخی مردم ما و مسایلگانی نظیر ترکیه و پاکستان چیست؟ شاید نسلی که در سال های پس از پایان جنگ وارد دوره نوجوانی و جوانی خود شده است با سرگذشت ما در دوره کودکی خود پیوندی چندان حقیقی و عاطفی نداشته باشد. این نسل هشدار فرماندهان نظامی را با وقایع چند سال اخیر در ترکیه و پاکستان مقایسه خواهد کرد.»

مناظره آزاد: نامه فرماندهان سپاه تهدیدی علنی را بازتاب می دهد
سخن نخست مناطق آزاد به بررسی نامه سپاهیان به رئیس جمهور پرداخته و نوشته است: «هم نگارش هم انتشار نامه فرماندهان ارشد سپاه اسدبران به رئیس جمهوری با توجه به فاصله زمانی میان این دو از اهمیت ویژه ای برخوردار است. پیش از هر چیز و با کمال تأسف از ناگزیری به ذکر این واقعیت، نامه یادشده تهدیدی علنی را بازتاب می دهد که احتمالاً با هدف بهره گیری سیاسی از حوادث دو هفته اخیر کشور تدوین شده است.

خرداد: کفن پوشان کجاند؟

حمید آیتی راد در ستون یادداشت خرداد نوشته است: «کجاندن کفن پوشانی که سوت و کف جوانانی را بر نمی تانند و در برابر فاجعه ای چنین بزرگ با سکوت کرده اند یا آن را در اعلامیه های خردمگر کفن ساخته اند... از نظام مقدس مادر بر این جایی می حق حیات و کرامت شهر و دانششان را نشانه می گیرد نظیر تل تل های زنجیره ای و قصبه کوی دانشگاه واکنش نشان ندهد و ناخودآمداتی که با رمز یا حسین و یا زهرا به تسخیر می پردازند را بر سر جای خود نشانداده چه پاسخی برای هزاران مشتاقی که از اقصی نقاط عالم چشم به حکومت اسلامی ما دوخته اند خواهند داشت؟»

مسیح جان و طاهر جان

دهمین سالگرد ازدواج شما را

تبریک عرض می نمایم.

از طرف برادران و خواهران شما

هانی مهربانم

در سالگرد میثاقمان موهبت

باتوبودن را گرمای می دارم.

همسرت محمدرضا

گزارش اجتماعی

گذری بر آسایشگاه سالمندان

در کوچه باغ

پیری لبخند زندگی می تراود

فرناز قاضی زاده

به خانه که وارد شدی، سنگگش سپیدی تو را به میان سبزی زندگی روزمره به باغی می کشاند که برف پیری بر سروروی آن پاشیده است بوی تند مواد ضد عفونی کننده مشام تو را پر می کند. به بو که عادت کردی فضا را بهتر می بینی. قلب در سینه بی قراری می کند. مگر نه این که دعای بزرگترهاست که جوان انشأالله که پیر شوی!

راهنما می گوید: سمت راست اتاق آخر، حسین همدانیان و عباس شیرخدایی در یک اتاق هستند.

اتاق پنج تخته است تخت ها با نزدیک ترین فاصله از هم قرار گرفته اند. تخت اول سمت چپ حسین همدانیان، نحیف و رنجور، دراز کشیده است.

دختر پرستار می گوید: مهمان داری، دو دختر آمده اند تو را ببینند.

نگاهش را می کاود. هنوز حواس به جایی دارد. وقتی می فهمد که مرا نمی شناسد. روی خوشی از خودش نشان نمی دهد.

صدای او در تصنیف «ای یار مبارک باد» هنوز هم برای همه عروسی ها تنها ترانه ماندگار است.

و او اینک تنها و خاموش حتی حاضر نیست از خودش کلامی بگوید.

بالای تخت روی یک تکه کاغذ صورتی کنار اسم و سن او

می گویم که آمده ام یا او حرف بزنم. می خروشد خاتم من شما را نمی شناسم. از این جا بروید.

تمی خواهم ناراحتش کنم، برمی خیزم. اتاق دیگری را به دنبال پیرزنی می جویم.

همدم باقری، سال ها ناظم دیستان گرد آفرید در تهران

بود. زیبایی در چهره اش هنوز باقی است. «۱۲ سال در مدرسه گردآفرید نظامت کردم، معلم کلاس ششم هم بودم» همدم می گوید.

خانه پیری

خانه تنهایی نیست

بزرگانی در آن ماوا دارند

که سال ها

چرخ زمانه بدستان

چرخیده است

کوچه باغ پیری پر از

نرگس های زردی است

که زیر پا ریخته

ولی هنوز هم

درختان کهنسال درست

بر آسمان و ریشه در

خاک دارند

قد بلند است. روی آن تخت با آن پای نیمه متحرک، هنوز هم چشمانش صلابت یک ناظم موفق را دارد.



نوشته، افسردگی. گفتیم: آمدمی شما را ببینیم. به تندی می گوید: حوصله حرف زدن ندارم. می گویم: من آمدم بگویم که هنوزهم بیرون در این جا همه به یاد شما هستند. می دانستم که دروغ است. با این که همه نوای او را در هر جشن و شادی و عروسی زمزمه می کنند ولی بسیاری حتی او را نمی شناسند چه رسد که از سر نوشتن چیزی بدانند. بر تخت های کناری چند پیر مرد دیگر خفته اند. عباس شیرخدایی هم خواب است. دوباره به همدانیان

می گوید: «بچه ها خیلی دوستم داشتند، چند روز پیش یکی از شاگردان من زنگ زد و گفت: چرا به آسایشگاه رقتی، من نمی توانم بیایم و آن جا ترا ببینم». به آرامی ادامه می دهد: من خودم خواستم به این جا بیایم. اسم خدا، ذکر خدا تمام سلول های بدنم را گرفته، می خواهم زودتر به سوی خدا بروم. اوضاع آسایشگاه و این که بدون در نظر گرفتن نوع بیماری، همه را در یک اتاق می خوابانند، ابراز نارضایتی می کند با گلایه می گوید: این جا همه را کنار هم می گذارند. من و کسانی که

اشاره:

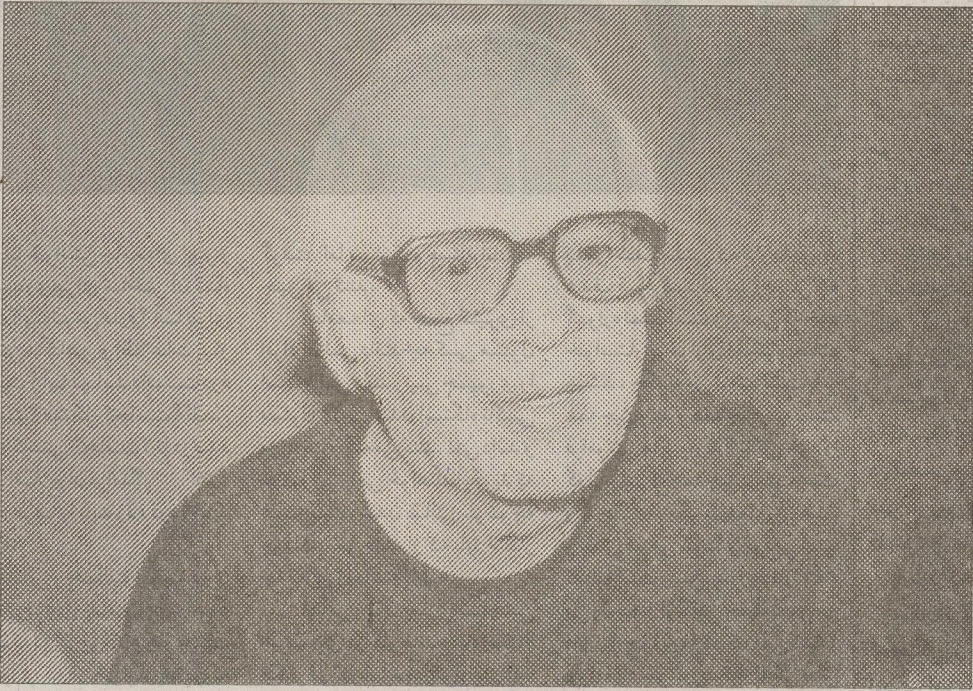
اینجا، خانه ای است که ساکنان آن رمز زندگی را آموخته اند اما هرگز آن را به بهای ناچیزی نفروخته اند. اینجا، سرایی است که اهالی آن لحظه های عمر را در خیال یک لبخند، یک تبسم عشق و یک کلام مهرآمیز سپری ساخته اند. دریغ که عمر به پایان می رسد. آنچه می ماند تجلی عشق و آرزو است کوچه باغ پیری، پر از نرگس های زردی است که زیر پا ریخته ولی هنوز هم درختان کهنسال دست بر آسمان و ریشه در خاک دارند و امید به

چقدر سربلند و بی نیاز، حتی اگر گنجشکی بر شاخه هایشان لانه نسازد باز هم زیبایی و باوقار.

خانه پیری، خانه تنهایی نیست. بزرگانی در آن ماوا دارند که سال ها چرخ زمانه به دستشان چرخیده است

اینجا خانه تنهایی عباس شیر خدایی،

حسین همدانیان و بسیاری سالمندان دیگر است.



عکس ها از: سوبلا توکلیان

عباس شیرخدایی

هم در این آسایشگاه است

سال ها صدای او ساعت پنج صبح از رادیو

پخش شده و سال های متمادی

بسیاری از مردم

با صدای او روز خود را آغاز کرده اند

ساعت ۵ صبح از رادیو پخش شده و سال های متمادی بسیاری از مردم با صدای او روز خود را آغاز کرده اند. می گوید: شاید باورتان نشود من هفت فرزند دارم. هر کدام جایی هستند، خارج ز کشور، شهرستان و چندتایی هم تهرآن هستند. آخرین اولادم، دختری است که سال دیگر لیسانس می گیرد.

از روزگار جوانی می گوید: من این طور که الان می بینم نبودم زیبایی من چشم ها را خیره می کرد. به اتاق که وارد شدم همه خوابیده بودند. زهرا اطاعت داشت تخت خود را مرتب می کرد. ۸۴ ساله فراموشی دارد. به گرمی از من استقبال کرد، مدام شعر می خواند، «در اندرون من خسته دل ندانم کیست، که من خموشم و او در فغان و دو غوغاست» تعارف می زند که بنشینم. بچه ندارد. می گوید: قسمت این بود که اولاد نداشته باشم. خنده ای شیرین دارد. اجازه می خواهیم عکسی از او بگیریم.

روسیری را مرتب می کند. گیسوی سپیدش همچنان سرکش است. عزت حسینی مدام می گوید چراغ را روشن کن مسلمان! دلم گرفت. خوب حرف می زند. خواشیش سرجاست. می گوید من با همه حرف می زنم کسی نیست جوابم را بدهد. برمی گردم تا آن که را که می چشم دو باره ببینم. عباس شیرخدایی هنوز در خواب و پیداری است. بالای تخت صدای رادیو پخش می شود دستش را می گیرند و کمک می کنند تا بنشیند.

تمیز و خوشبو و مرتب است سلام را به گرمی جواب می دهد و با لبخند می گوید خوش آمدید بفرمایید. بعد ادامه می دهد. صدای شما با صدای رادیو قاطی می شود، من هنوز خوابم. می پرسم چه خبر؟ با خنده می گوید: خبرها که پیش شعاست من کمتر از این جا تکان می خورم. فردا می خواهم بروم رادیو و تلویزیون کارهایی دارم که انجام دهم یک برنامه را هم باید تدارک ببینم.

صدای شیرخدایی سال ها

ولی حالا طوری شده که اگر بخواهم ۱۰ قدم راه بروم نمی توانم. از پس راه نمی روم، با درد دارم. دیروز از اینجا رفتم تا بانک دم در که آن جا حساب دارم و برگشتم، به نفس افتاده بودم، در صورتی که من غذای آسایشگاه را نمی خورم. غذای

مقوی برایم تهیه می کنند. او هم گلایه دارد. این جا آسایشگاه نیست، همه، مشکل دارند. این ها را خانواده نگاه نمی دارند. پولی دارند ماهی ۸۰ هزار تومان می دهند و این جا نگهدشان می دارند. یا فرزندانشان از خارج می فرستند. این جا آسایشگاه سالمندان نیست ما آسایشی نداریم.

می گوید: خیلی ها به من سر می زنند. ادامه می دهد: با دخترم تلفنی زیاد صحبت می کنم. موی سپیدش را مرتب می کند که عکسی از او بگیریم. می گوید. این طوری نامرتب است. عکسم را چاپ نکنید. صحبت که تمام می شود نمی خوابد. چرا که صدایش صدای بیداری است.

ارتباطات

دیده گاه های ساختار گرایان

در مورد توسعه ارتباطات

مینو بدیعی
بخش سوم

اشاره:

لرنر و سایر نظریه پردازان توسعه در مورد پیشرفت و توسعه اجتماعی، اقتصادی چه نظری دارند؟ از سوی دیگر نگرش ساختار گرایان به مقوله ارتباطات و توسعه چیست؟

در بخش سوم این گزارش تحقیق در مورد این مسأله نکاتی مطرح شده است و نقش همه جانبه ارتباطات در ممکن سازی جامعه و وحدت و یکپارچگی ملی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

گروه اجتماعی

اولین نگرش در مورد توسعه ارتباطات که در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ حاکم شده - به ارتباطات و توسعه از دیدگاه «علت - معلولی» نگاه می کند. یکی از متفکران این نگرش، «لرنر» است.^(۱) لرنر مقوله شهری شدن، سوادآموزی، گسترش رسانه های جمعی، درآمد بیشتر و مشارکت سیاسی را در توسعه کشورهای جهان سوم مؤثر می داند. در این میان رسانه های جمعی نقش بسزا و فراگیری دارند. «لرنر» بر این باور است که «نوگرایی» در جوامع رو به توسعه از الگوی تاریخی توسعه غربی پیروی می کند. عوامل اساسی و کلیدی «نوگرایی» به اعتقاد لرنر تحرک های فیزیکی، اجتماعی و روانشناسی هستند، به طور کلی «لرنر» معتقد است که فرایند توسعه از طریق رسانه های جمعی که حکم کارگزار و شاخص را دارند آسان می شود. با چنین نگرشی «لرنر» در صدد توجیه عملکرد سیاست های امپریالیستی در کشورهای جهان سوم بود و به همین دلیل دیدگاه وی مورد انتقاد صاحب نظران قرار گرفت.

نگرش «واجرز»

«واجرز» یکی دیگر از نظریه پردازان توسعه ارتباطات است. رابطه بین تکنولوژی ارتباطات و سیاست های توسعه رابریزی می کند و اساس «فرایند تغییر را به سه مرحله تقسیم می کند.»^(۲) اولین مرحله «ابداع» است که فرایند به وجود آمدن و گسترش ایده هاست. مرحله بعدی «اشاعه» است که فرایند انتقال این ایده ها به اعضای جامعه محسوب می شود. هر حله سوم پیامدهاست و آن تغییراتی است که در اثر انطباق یا ناآوری ها در درون سیستم اجتماعی به وجود آمده است. از زاویه این دیدگاه طبقه بندی هایی هم وجود دارد که عبارتند از: مدل های اشاعه، نظریه های بسیج، برآورد تکنولوژی و نظریه های انتقال، نگرش های توسعه ارتباطات و نظریه هاو تحلیل های سیستم های عمومی.

دیدگاه ساختارگرا

نگرش ساختاری به ارتباطات و توسعه، ارتباطات را یکی از مقوله های مهم و زیر ساخت رشد اقتصادی و توسعه می داند. در حقیقت این نگرش بر پایه اقتصاد سیاسی و فرهنگی مبتنی است. «شیلر» یکی از طرفداران این نظریه مطرح ساخته است: سیستم استعماری در حال حاضر یک مفهوم تازه از «امپریالیسم» یا «امپراتوری» به وجود آمده است. امپریالیسمی که اجزای آن از ارتباطات و فرهنگ بوده و جای «قلمرو» از «کارکرد» تشکیل شده است. بدین معنی «شیلر» توجه خود را به نقش فزاینده شرکت های فراملی معطوف کرد و این موضوع را عنوان کرد که سیستم استعماری به عنوان یک نهاد به سرعت در حال محو شدن است تا جایگاه خود را به کلاف سردرگمی از وابستگی های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دهد. بدین ترتیب تحلیل ساختاری ارتباطات و توسعه نه تنها به امور اقتصادی - سیاسی بلکه به طور کلی به مجموعه ای از شاخص های فرهنگی و اجتماعی مربوط به ارتباطات و جامعه می پردازد. بنابراین توسعه ارتباطات در دنیای امروز شاخص بسیار مهمی است که روند تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را نیز سبب خواهد شد طبعاً این تغییرات نقش بسزایی در وحدت و یکپارچگی ملی خواهد داشت.

پی نویس:

۱- دکتر پرویز علوی ارتباطات سیاسی صفحه ۲۴.

۲- همان منبع.

جدول شماره - ۱۱۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱																		
۲																		
۳																		
۴																		
۵																		
۶																		
۷																		
۸																		
۹																		
۱۰																		
۱۱																		
۱۲																		
۱۳																		

اقتی:

۱- اصطلاحاتی در ایران برای

مطبوعات - دزدانه سوهان ۲- سلسله ای که از سال ۲۲۴ تا ۶۵۲ میلادی بر ایران حکومت کردند- دوشیزه ارلئان - جانوری گوشخو و وحشی۳- واحدی دو سطح- وحشی - تیره - این اخلاق را همه دوست دارند - نصرانی و مسیحی۴- ناتوان و ضعیف، لاغر- ایزر- دست نجار - شهری قدیمی در بین النهرین - از مراجع تقلید عصر حاضر که چند سال پیش فوت کرد۵- از اصوات با معنای شتاب گرفتن۶- قبیله۶- نفس خسته - پیامبر- رنگ چین - نوعی رنگ پوست- رطوبت۷- مجموعه اعضای هیأت تحریریه یک واحد مطبوعاتی۸- حرف انتخاب - از صفات یک مدیر خوب - از توابع کاشان - جنبش و حرکت - صرفه جویی کنید تا آن را داشته باشید۹- کافر و مشرک - پول

۱۱- ماده فلزی سفاج - دیدنی ارتش - رشد و نمو۱۰- جزیره ای در حدود سراندیپ - خوشه و سنبل- شاید الان پشت آن نشسته باشید- چوپان و گله دار دنبال آن می گرد۱۱- دوست داشتن، محبت- روزنامه ای که او آخر تابستان سال ۷۷ تعطیل شد - نشان و علامت- صدای گوسفند۸۲- این هم نوعی پاسخ دادن ولی بی ادبانه- درجه ای در نیروی دریایی - برای برابری۱۳- پیوند نسبت صفت ساز-از کنشاترین قرآن پژوهان و حافظ پژوهان امروز کشور

عمودی: ۱- به مجموعه وسایل ارتباط جمعی می گویند ۲- شهری بود در فارس که در عهد ساسانی کرسی کراد خوره را داشت - عبادان نام سابق ایچاست۳- دورادور دهان - اشره

به دور - نوعی داستان۴- پوششی برای خامنه ای خواب و خوابیدن- عنصری شیمیایی۵- کشور گاندی- سیاستمدار انگلیسی که در سال ۱۸۵۲ با فرانسه اتحادی ضد روسیه بست - عدد روستا۶- حرف نلدا- قسمتی از آشور قدیم که شهر اربل جزو آن بود- مخفف نورا۷- رنگ و بوی خوش - از دانه های روغنی۸- خبر خوش - هر قدر بالا می رود ما پیرتر می شویم - آنچه سال را آغاز می کند۹- خزنه متفر از پونه - صلیب مسیحی معاصر این سینه که در دربار آل مأمون زندگی می کرد- زشت و ناپسند۱۰- در بیان فراوان است- جانورانی که در آب زندگی می کنند- عقیده۱۱- وقتی نداشت یعنی قطعی است- راز

- واضح قانون۱۲- وسیله ای در کار ماهیگیری - آفت گندم - نقره۱۳- همراه شادی می آید- کوهی در ماورالنه که در عظمت ضرب المثل

بود- تلخ۱۲- اولین عدد - شاعر و رمان نویس فرانسوی که از موجدان نهضت سوررئالیست بود- مخفف بسم الله الرحمن الرحیم۱۵- نوعی شیرینی - سرسرا - باید مراقب باشیم تا دین خود را به خاطر تهیه آن از دست

حل جدول شماره (۱۱۱)

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱	ا	م	ع	ش	ن	ا	س	ا	ر	ت	پ	ا	ط	ا	ت			
۲	ر	ا	ن	ک	ر	ا	س	و	س	م	ا	ب	ر					
۳	ت	ن	د	ر	س	ج	و	ک	ت	ر	س	و						
۴	ا	ب	ن	ک	ف	ر	ر	ی	ن	ک	م	ا	ت					
۵	ب	ی	خ	و	ن	ک	ن	د	ی	ت	ا	ر	ل	س				
۶	ا	ک	ل	ب	ک	ر	د	ک	و	ی	ر	ی	س	ک				
۷	د	ر	ی	ه	و	ی	ج	ش	ی	م	ا	ی	ک					
۸	خ	ت	م	ا	ر	ی	ل	ب	ق	ل	ک							
۹	ز	ن	و	ز	ج	و	ا	ب	ن	و	ب	ک	ف					
۱۰	ا	ب	ت	ی	ر	و	ز	ن	ی	ک	ل	ر	م	س				
۱۱	ز	د	س	ر	م	ی	ا	ه	د	ا	ر	ی	ب	ر	ف			
۱۲	ت	ا	و	ه	ن	ا	ن	و	ه	ب	د	ی	ا					
۱۳	و	ز	ا	ر	ت	ج	ل	ی	ل	ا	ه	ا	ن	ط	ب	ا	ع	ا

زنده باد مرگ

غلامحسین معتمدی*

اشاره :

بهره گیری از مباحث تجربی-تحلیلی روان شناسی و روانکاوی در توضیح علل و آثار رخدادهای سیاسی- اجتماعی در قرن بیستم اهمیت در خور یافته است. در این چارچوب آثاری که فروید، یونگ و اریک فروم از خود برجای گذاشتند، قابل توجه بوده است. در این نوشتار، نگارنده درصدد است با بهره گیری از مکتب روانکاوی، عنصر «مرگ» و کار بست آن در جوامع معاصر، را تبیین کند. نویسنده در این حوزه از آراء و اندیشه‌های متفکران سیاسی نیز بهره برده است.

گروه فرهنگ و اندیشه

مکتب روانکاوی در میان شاخه‌های مختلف روان شناسی پیش از همه در تبیین مرگ کوشیده است. البته منظور ما تنها روانکاوی به معنای کلاسیک آن نیست، بلکه به مفهوم عام و متحول آن نظر داریم که افکار روانکاوان متأخر و آرای روان‌شاسان متأثر از این مکتب را نیز دربرمی گیرد. فرضیه فروید درباره غریزه مرگ یکی از مهم ترین مبانی شناخت مفهوم مرگ را به دست می دهد. تاناتوس (thanatos)، واژه‌ای که فروید از آن برای نام گذاری غریزه مرگ استفاده کرد، در اساطیر یونان به فرشته مذکر بالداری گفته می شد که مجسم کننده مرگ بود. نیروی این غریزه متوجه تخریب یا به پایان رساندن حیات است. فروید معتقد بود که تمام رفتارهای انسان از بازی پیچیده میان این غریزه با غریزه زندگی یا عشق (Eros) و تنش و کشمکش دائم میان آن‌ها زاده می شود.

فروید در کتاب «فراسوی اصل لذت جویی» می گوید: «در حیات ارگانیک غریزه به معنی تمایلی ذاتی برای اعاده حالت اولیه چیزها و بازگشت به آن حالت است. به نظر فروید آنچه حیات می‌خواهد و باید به آن نائل شود، بازگشت به نقطه‌ای است که هستی زنده از آنجا عزیمت کرده است؛ یعنی بازگشت به طبیعت غیر ارگانیک و فاقد حیاتی که قبل از ارگانیسم زنده وجود داشت.»

فروید به خاطر همین بازگشت به حیات غیر ارگانیک معتقد بود که هدف زندگی، مرگ است. به عقیده او اگر بپذیریم که در گذشته‌های دور، حیات از نماده بی جان به وجود آمده باشد، باید در همان زمان، یعنی لحظه‌ای که قوای عالم طبیعت برای آفرینش حیات مشغول تأثیر در ماده غیر زنده بودند، غریزه‌ای با هدف بازآفرینی حیات غیرآلی اولیه و نابودی حیات پا به ظهور گذاشته باشد. پس این غریزه مظهر نیرویی است که در تمام فرایندهای حیاتی حضور دارد و در جهت نیل به سکون و مرگ عمل می کند.

به نظر فروید هدف غریزه زندگی، پیوند، تکامل و وحدت بخشیدن به ارگانیسم، و هدف غریزه مرگ تجزیه، قطع و جد کردن هر گونه رابطه و ویران کردن همه چیز است. لذا می‌توان گفت دوام و بقا توسط غریزه زندگی تأمین می گردد که در توالد و تناسل متجلی می شود. اما در ژرفای حیات گرایش و میل بازگشت به ماده بیجان قرار گرفته که ناشی از شرایط به وجود آمدن حیات است. پس به عقیده فروید در درون انسان و در میان نیروهای متضاد مرگ و زندگی کشمکش ابدی وجود دارد. ناگفته نماند که این فکر در طول جنگ جهانی اول در ذهن فروید شکل گرفت و پیش از آن او غریزه زندگی را به تنهایی برای تغذیه شخصیت کافی می دانست. اما تخریب و ویرانگری وصف ناپذیر موجود در جنگ این تصور را از میان برد و نتیجه گرفت که غرایز ارتقا بخش به زندگی توسط غرایز قدرتمند مرگ محدود می شود. تهاجم، به مثابه غریزه‌ای بیماری، در میان غرایز مرگ از همه مهم تر است.

فروید معتقد بود که غرایز زندگی به صورت رفتارهای جنسی بیان می شوند، حال آن که غرایز مرگ زیربنای اعمال تهاجمی را تشکیل می دهند. نیروی غرایز مرگ در داخل ارگانیسم به وجود می آید و باید تخلیه شوند؛ خواه این تخلیه به صورت تهاجم آشکار به طرف دنیای بیرون انجام گیرد و یا به سوی جهان درون و به شکل اعمال خود ویرانگرانه صورت پذیرد.

فرضیه فروید در مورد غریزه مرگ تأملات دیگران را برانگیخت. این فرضیه بیشتر برای توجیه روان رنجوری‌ها و روان پریشی‌ها به کار رفت و از آن در تفسیر ارتباط میان مرگ و ترس ناشی از آن با اضطراب استفاده شد. در مقابل، عده‌ای از روانکاوان در برابر این فرضیه با تردید و اعتراض

واکنشی نشان دادند. مثلاً اتوفنشیل معتقد بود که پیش از طبقه بندی غرایز به دودسته باید منتظر ماند تا از پژوهش‌های فیزیولوژیک اطلاعات موثق تری درباره منشأ غرایز به دست آید. به نظر او پر خاشگری در پاسخ به ناکامی ایجاد می شود و فاقد هدف‌های به‌خصوصی غریزی است. فرانتس الکساندر نیز می گفت تحلیل روانکاوانه روان نژندی‌ها نشان دهنده آن است که تفکیک غریزه‌های مرگ و زندگی بری شناخت آسیب شناسی روانی پدیده‌ها کارآمد نیست، حتی کلارامپسون که از نو فرویدیان محسوب می شود اصلاً منکر وجود غریزه مرگ است.

اریک فروم، که شاید بتوان او را نیز در زمره نو فرویدیان به شمار آورد، در مورد مرگ تأملات قابل توجهی دارد. او در مورد کیفیت و نقش غریزه‌های مرگ و زندگی با فروید هم عقیده نیست. هر چند در ابتدا فروم فرضیه غریزه مرگ فروید را رد می کرد، اما به تدریج و در جریان تجربه‌های بالینی خود متوجه اهمیت عقاید فروید در این باره شد. به عقیده فروم شواهد زیست شناختی نشان می دهد که نیروی گرایش به مرگ و ویرانگری یا نیروی عشق به زندگی برابر نیست. او اساسی ترین و ابتدایی ترین گرایش و تمایل انسان را زنده ماندن و میل به زندگانی می دانست و معتقد بود که تضاد درونی از ناکامی آنجا تسلط می یابد

که از آشکار شدن غریزه زندگی جلوگیری می کند. در حقیقت فروم غریزه مرگ و محصول آن (گرایش به ویرانگری) را پی آمد زیستن نادرست و در حقیقت پدیده‌ای ثانوی نسبت به شکست در هنر زیستن می دانست. فروم در بسط عقیده خود دو اصطلاح زندگی پرستی و مرگ پرستی را مطرح می کند که در کاربرد دومی از «وانامو نو» فیلسوف اسپانیایی پیروی می کند که شعار فالانژیست‌های اسپانیا یعنی، «زنده باد مرگ!» را شعار مرگ پرستی می نامید.

فروم مرگ پرستی را عشق به هر چیز مرده و بیجان و پاره پاره کردن و گسستن هر گونه پیوند با زندگی می داند. در برابر آن، زندگی پرستی، عشق به هر آن چیزی است که دارای رشد و ساختار است و می بالد و واحدی یکپارچه را تشکیل می دهد.

سیاهی و بوهای ناخوشایند می شود. از ویژگی های او تمایل به تخریب و ویرانگری، گرایش به زور و شیفتگی در برابر شب و تاریکی است. فروم حتی خصوصیات ظاهری مرگ پرستان را نیز ترسیم می کند. مرگ پرست دارای ظاهری سرد، خشک، خشن، جامد، بی حرکت و پستی مرده است. او هیچ گاه زیبا نیست؛ زیرا فاقد سرزندگی است. اغلب حالت خاصی در سیمای مرگ پرست به چشم می خورد، مانند کسی که بوی ناخوشایندی احساس می کند. او محضری کسالت بار دارد. همیشه در گذشته به سر می برد و توجهی به آینده ندارد و آن را انکار می کند. به شدت از نظم و قانون به ویژه قوانین موجود دفاع می کند و هیچ گونه تغییری را بر نمی تابد و از ماهیت نامنظم و تسلط ناپذیر حیات می هراسد.

تقابل اساسی موجود برای مرگ پرست تقابل در میان افرادی است که قدرت کشتن دارند و کسانی که فاقد آن هستند. او تنها قاتل و مقتول و توانا و ناتوان را می شناسد؛ به تسلط عشق می ورزد و به این گرایش خویش حیات را نابود می کند. مرگ پرست پدیده‌های ماشینی را دوست دارد و با نگرشی ماشینی به حیات می نگرد و انسان‌ها را به مثابه اشیاء می بیند. او تنها هنگامی می تواند با یک شیء با یک انسان رابطه برقرار کند که صاحب آن باشد. لذا مالکیت برای او اهمیتی بسیار دارد و اصولاً زندگی را در شکل (مالکیت آن هم تباد کننده ترین شکل آن) تجربه می کند. آزروی کشتن، گرایش به مرگ، کثافت و آزارگری، ستایش قدرت و تمایل تبدیل چیزهای زنده به بی جان توسط نظم تمدن از ویژگی های دیگر مرگ پرست است. فروم آدولف هیتلر را به عنوان نمونه برجسته و مشخص مرگ پرستی معرفی می کند.

به عقیده فروم مرگ پرستی همراه با همبودی زناگون و خودشیفتگی وخیم، نشانه‌های تهاژی را تشکیل می دهند. در برابر آن‌ها عشق به زندگی،

فرهنگ و اندیشه



گروه فرهنگ و اندیشه

استقلال و غلبه بر خودشیفتگی، نشانه‌های رشد محسوب می شوند. نشانه‌های تهاژی نمایانگر جوهر شر است. همچنین فروید به رابطه میان مرگ پرستی با خوی نشیمنگاهی – سادیستی که توسط فروید توضیح داده شده است، اشاره می کند. فروم این دو را در علاقه به چیزهای بی جان از لحاظ کیفی یکسان می داند و تفاوت آن‌ها را تنها از لحاظ کمی در میزان این وابستگی می بیند. به عقیده او خوی مرگ پرست شکل وخیم تری از ساختار خوی نشیمنگاهی فروید است. از سوی دیگر او به رابطه مشابهی میان خوی تناسلی و خوی زندگی پرست نیز اشاره می کند.

زندگی پرست برخلاف مرگ پرست شیفته حیات و زندگی است. تقابل بنیادی موجود برای او تقابل زیبا و زایای میان مرد و زن است. زندگی پرست به جای جست وجوی ایمنی و ثبات در پدیده‌های کهنه و ساختار خوی نشیمنگاهی فروید نشان می دهد. او شیفته انعکاس دیرینه سال به نموده‌ای نو و تازه گرایش نشان می دهد. او رابطه مشابهی میان خوی تناسلی و خوی زندگی پرست نیز اشاره می کند.

هنگامی که شرایط

نابسامان اجتماعی موجب افزایش

تعداد آدم‌های ماشینی شود

حاصلی جن تزاید

عشق به مرگ

نخواهد داشت

میان افراد مرگ پرست، فقدان امنیت، فقر اقتصادی و روانی، بی عدالتی اجتماعی، عدم وجود آزادی و برخورداری جامعه از نظامی مکانیستی را نام برد. هنگامی که شرایط نابسامان اجتماعی موجب افزایش تعداد آدم های ماشینی شود حاصلی جن تزاید عشق به مرگ نخواهد داشت. جامعه صنعتی معاصر انسانی مکانیکی را خلق کرده است که مجذوب همه چیزهای مکانیستی است و تمایلی به ستایش نموده‌های زنده هستی ندارد و از تحقق اصول حیاتی و طبیعی خود غفلت می ورزد. همچنین جامعه‌ای که دیکتاتوری برآن حاکم باشد و در آن آزادی و عدالت نادیده گرفته شود، موجب رشد مرگ پرستی خواهد شد. طبیعی است از آنجا که قدمت مرگ پرستی برابر با قدمت انسان است، در جوامع سنتی و نیمه سنتی معاصر نیز به اشکال متنوعی رخ می نماید که مؤلفه های اصلی همه آن‌ها یکسان است و در حقیقت صور گوناگون تبلور جوهر شر را تحقق می بخشد.

ایناتیسو سیلونه در کتاب «مکتب دیکتاتورها» به همین موضوع اشاره می کند و در توصیف دیکتاتورهای نوینسد: «فاشیسم آشکارا مرگ و از جان گذشتگی را می پرستد... و... فراموش مکن که تا آنیکه خلسه‌آور مرگن را به پیروانت القا کنی، نمی توانی به سازماندهی یک جنگ داخلی پردازی...». به این ترتیب می بینیم که مرگ پرست، یعنی کسی که از لحاظ روانشناختی مرده‌ای بیش محسوب نمی شود و شور ویرانگری بر وجود او تسلط دارد، مناسب ترین فرد برای آن است که در خدمت کارگزاران ترور و وحشت قرار گیرد.

با توجه به تعاریف فوق بدیهی است که عشق به زندگی در جامعه‌ای پرورش می یابد که در آن امنیت، عدالت و آزادی برقرار است. وجود هر یک از این سه اصل در اجتماع، در حیات روانی افراد معادل و مصداقی درونی می یابد و به معیارهایی برای رشد و تکامل مطلوب روانی انسان تبدیل می شود.

*دکتر غلامحسین معتمدی، دکتر در رشته روانپزشکی و متخصص اعصاب و روان.

مبنا	کنیتکس
	
کنیتکس مولویت پاسنیک ویژه نمای داخلی ساختمان در ۸ رنک تولید	
دفتر مرکزی و کارخانه :مازندران، نور، کوی تمیشان	
تلفن: ۲۳۴۸۸ – ۱۹۴۹۰	تلفکس: ۲۲۰۷۳ – ۱۹۴۹۰
ص. پ: ۴۴۴۱۵/۱۴۴	

اهل قلم /اهل کتاب

گفت وگو باحجت مرتجی مؤلف کتاب

جناح‌های سیاسی در ایران امروز

ناشر: انتشارات نقش و نگار

اشاره:

کتاب «جناح‌های سیاسی در ایران امروز» که در زمستان سال ۱۳۷۷ به چاپ رسید، اکنون به چاپ سوم رسیده است. این استقبال ناشی از علاقه طیف خوانندگان ایرانی به آگاهی از ویژگی های جناح‌های سیاسی در داخل کشور است، درباره این کتاب بامؤلف و محقق آن گفت وگویی ترتیب داده ایم که در زیر می خوانید.

گروه فرهنگ و اندیشه



هدف از تألیف کتاب چه بوده است؟
– در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت‌های سیاسی در ایران جنبه حزبی نداشته و شکل آن به صورت جناحی بوده است. با این حال تحقیق علمی و بی طرفانه‌ای از سوی نهاده‌های غیرولتی و مستقل صورت نگرفت یا حداقل منتشر نشده است. به این لحاظ در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تحقیق در زمینه جناح‌های سیاسی یکی از ضروریات بود تا خلئی که در این زمینه وجود داشت، از میان برود. با این که جناح‌های سیاسی فعالیت می کردند و بسیاری خود را هوادار آن‌ها می دانستند، اما مواضع و دیدگاه‌های مدونی از آن‌ها وجود نداشت. با توجه به این که جناح‌های سیاسی برنامه‌ها، اساسنامه و برنامه کار مدونی ندارند و در طول زمان مواضع متفاوتی اتخاذ می کنند، انجام تحقیق بی طرفانه‌ای برای دسته بندی و تبیین دیدگاه‌های سیاسی – اقتصادی و فرهنگی جناح‌های سیاسی ضرورت داشت. بخصوص که بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ و برنامه خاتمی برای توسعه سیاسی و شفاف شدن عرصه

فعالیت سیاسی در ایران، اهمیت انجام چنین تحقیقی بیشتر شده بود. از سوی دیگر با گسترده شدن فعالیت جناح‌ها و گروه‌های سیاسی در چهارسال گذشته، ضرورت انجام چنین تحقیقی بیشتر احساس می شد. زیرا در چهارسال اخیر دو گروه کارگزاران و جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی شکل گرفتند. همچنین چند دوره انتخابات در ایران برگزار شد که می توان به انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۳۷۴، انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶، انتخابات دوره سوم مجلس خبرگان رهبری در آبان ۱۳۷۷ و انتخابات شوراها در اسفند ۱۳۷۷ اشاره کرد. در این تحولات جناح‌های سیاسی حضور فعال داشتند و به این لحاظ تبیین مواضع آن‌ها اهمیت زیادی دارد. بویژه این که در سال جاری یاد در اوایل سال آینده انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی نیز در پیش خواهد بود و آگاهی از دیدگاه‌های گروه‌ها و جناح‌های سیاسی فعال در کشور اهمیت زیادی در آینده سیاسی ایران خواهد داشت.

در این کتاب مواضع چه جناح‌هایی مورد بررسی قرار گرفته و دلیل انتخاب آن‌ها چه بوده است؟

– در این کتاب مواضع ۶ جناح و گروه مورد بررسی قرار گرفته است:
۱ – جامعه روحانیت مبارز تهران و تشکل‌های همسو، ۲ – مجمع روحانین مبارز و گروه‌های نزدیک به آن، ۳ – جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی، ۴ – انصار حزب الله، ۵ – کارگزاران سازندگی ایران، ۶ – اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویی و دانش آموزان دانشگاه‌ها.

روش کار تحقیق شما در این کتاب چگونه است؟

– تا قبل از انتشار این کتاب آن چه در مورد مواضع جناح‌های سیاسی متشیر شده بود یا مبتنی بر برداشت‌ها و تحلیل‌های شخصی بود یا این که از روش جناح و گروه مقابل بیان و تحلیل شده بود. ویژگی این کتاب این است که مواضع جناح‌های سیاسی با استناد به بیانیه‌ها، نشریات و اظهارات افراد وابسته به جناح‌ها – بدون دوری و درباره آنان – تبیین شده است. فرضیه اصلی تحقیق این است که دیدگاه‌های سیاسی – اقتصادی و فرهنگی هر یک از جناح‌های سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران در روند فعالیت سیاسی و در رابطه با میزان تأثیر گذاری بر تحولات سیاسی از موقعیت واحدی پیروی نمی کنند. روش تحقیق در این پژوهش کتابخانه‌ای است و جمهوری اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین زمینه‌های شکل گیری ۶ جناح و گروه مورد بررسی تبیین شده است. در ارتباط با جامعه روحانیت مبارز به ۱۱ گروه وابسته به آن اشاره شده که در میان آن‌ها به زمینه شکل گیری مهمترین گروه یعنی جمعیت مؤتلفه اسلامی و اعضای شورای مرکزی آن پرداخته شده است. در بخش مربوط به مجمع روحانیون مبارز نیز ۶ گروه نزدیک به آن مورد اشاره قرار گرفته است که از میان آن‌ها زمینه‌های شکل گیری مهمترین گروه یعنی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران تبیین شده است. در فصل دوم مواضع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ۶ جناح – که قبلاً اشاره شد – با استناد به منابع خود آن‌ها تبیین شده است. در این فصل با استفاده از طیف، جایگاه هر یک از جناح‌ها و دوری و نزدیکی مواضع آن‌ها در مسایل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نمایش داده شده است. در فصل سوم دیدگاه‌های سیاسی – اقتصادی و فرهنگی جناح‌ها و گروه‌ها با یکدیگر مقایسه شده است. در بخش نتیجه گیری در پایان کتاب، فرضیه مورد بررسی که قبلاً به آن اشاره شد – در ارتباط با ۶ جناح و گروه مورد آزمون قرار گرفته که در ارتباط با ۳ جناح تأیید شده است. در کتاب از آزمون فرضیه‌ها نتیجه گیری شده است که وضعیت خاصی در ارتباط با فعالیت‌های سیاسی در ایران وجود دارد. دو جناح ممکن است در دو زمینه هیچ گونه وجه مشترکی نداشته باشند، اما در یک زمینه دیدگاه کاملاً مشابهی داشته باشند. پیام چنین وضعیتی آن است که در صحنه فعالیت‌های سیاسی در ایران، احتمال ائتلاف یا همکاری همه جانبه و پایدار جناح‌ها با یکدیگر کم است. یک ویژگی در بررسی جناح‌های سیاسی در نظام جمهوری اسلامی که در بخش نتیجه گیری کتاب به آن اشاره شده آن است که در شکل گیری جناح‌های بیش از آن که مواضع مشخصی تأثیر داشته باشد، افراد نقش اصلی را داشته اند – که به نمونه‌های آن در ۶ جناح مورد بررسی اشاره شده است.

سازمان آگهی‌ها

مدیر گروه: علی اکبر فراتاد همکاران: عباس غیاثوند، سید سعید هاشمی طباطبایی، امیربهمن علیخانی، محمدرضا جمال امیدی حسین اولیا هایده شریفیان، فرمز شریفیان، امیرحسام مدیری، شهذخت کرباسیان، علیرضا نوروزی، احمد کمالی، منصوره قزوینی، مریم حسینی امور فنی و نظارت: محمدمزدون، حمید علی تقیان، حسن کرمی، ناصر سعیدیان، مرتضی غلامی، یاسر ولی بیک، احسان صائب منفرد، نصرت الله رحمتی، خلیل آذر افکار، حسن شریفی، بهنام امینیان	
گرافیک و کامپیوتر: زهرا روغنی، سوگند صدیقی، مینا عسکری	

آدرس: دفتر مرکزی و سازمان آگهی های نشاط خیابان ولی عصر روبروی جام جم – خیابان شهید طاهری بلاک ۱۵ تلفن: ۲۰۴۰۱۵۷ – ۲۰۴۰۴۲۲ – ۲۰۴۱۷۹۰ نمابر: ۲۰۴۰۴۲۲	
امور توزیع: شرکت نشرگستر روزن تلفن: ۸۸۶۵۷۳۴-۴ امور چاپ: شرکت چاپ کستر ۲۸۸۷۱-۹، شرکت نشرچراغ تهران ۶۶۳۱۷۱۸-۹	

نشاط

روزنامه جامعه‌شناسی ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

لطیف صفری

سردبیر

مناشالله شمس الواعظین

مدیر تحریریه

محمد یوسفانی آرائی

معاون سردبیر

علی اکبر قاضی زاده

رئیس شورای سیاستگذاری

حمیدرضا چلانی پور

مشاور کنترل کیفی

سید مرتضی مریدیا

مدیر پروژه

باقر ولی بیک

مدیر هنری

کوروش قاضی زاده

دفتر سردبیر

تایید شعبه

یسری صادقی

گروه دخلی

دبیر گروه: طیارضا رجانی

معاون گروه: رامین رادپنا

همکاران: عبدالله خاتمی فر – سها روحانی – محمد رضا سدراری – محمد توحانی – محمد رفیع

گروه اجتماعی

همکاران: سیما سعیدی – رحبانه قاسم رشیدی

سحر نماز غوی – ملیحه محمدی – سعید اصغر زاده

گروه اقتصادی

دبیر گروه: کوروش رحیم خانی

همکاران: سیوا رادمش – زهره خوش نیک

گروه فرهنگ و اندیشه

دبیر گروه: عبدالرحیم مروتشی

همکاران: امیرحسین رنجبر – محمدرضا قزل سفلی

گروه ادب و هنر

دبیر گروه: الیلی فرمانپور

همکاران: سیدیا محملی – امیر حسین رسائل – مریم سپهری – مهرداد فرهنگند – فرنازقاسی زاده

گروه بین الملل

دبیر گروه: حسن قلمی

همکاران: سهیلا زمانی – جمیله کلکاران – رضا یاوریان

خرد و سیاست

در آن روز سر نوشت ساز یعنی بیست و سوم مه ۱۹۹۷ (دوم خرداد ۷۶)، ۸۳ درصد از واجدان شرایط رأی دادن به پای صندوق های رأی رفتند و هفتمین رئیس جمهوری ایران را انتخاب کردند. یک خط گسست در پی این رویداد نمودار شد. اگرچه راه های گوناگونی برای تعریف اسلام وجود دارد و به کار بردن تعمیم در مورد ویژگی های اصلی جنبش های گوناگون اسلامی بسیار دشوار است، به نظر می رسد که در خط مقدم سیاست ایران دو دیدگاه متفاوت با یکدیگر در سبزه هستند: دیدگاه اسلام گرایان (ستی) و آنچه که می توان به نام «نوگرایان اسلامی» از آن یاد کرد. در حالی که دیدگاه قبلی از اتحاد الیگارشیی ستی و توده های به پا خاسته طبقه محروم تشکیل شده است، دیدگاه دوم از اصلاح طلبی اسلامی طبقه متوسط برخاسته است. اسلام گرایان از سیاست ایدئولوژیک دهه ۱۹۶۰ به وجود آمده اند در حالی که نورسیدگان اکنون از عصر

جهانی شدن که طلیعه آن در ایران و در گستره ای فراتر در دنیای اسلام نمودار است، ظهور یافته اند. انتخابات ریاست جمهوری نیز با تبدیل سیاست انقلابی ایران به سیاست معمولی با تضادهای سازش های خاص خود، این تحول را سرعت بخشید.

محمد خاتمی برنده انتخابات، دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته فلسفه و دارای لباس روحانی بود که در این مبارزه هفتاد درصد آرا را به خود اختصاص داد. او به عنوان سخنگوی گروه ها و فرقه های گوناگونی بود که خواستار عادی شدن امور جامعه، میانه روی و جمهوریت

بوده اند. وی بر رقیب خود علی اکبر ناطق نوری که او نیز یک روحانی با تحصیلات دانشگاهی در رشته فلسفه بود، پیروز شد. ناطق نوری در جریان انتخابات سختگوی ائتلاف اسلام گریان (سنت کرا) بود. این رقابت را در بستر تکتوگرایی اسلامی که در جریان حرکت اسلامی در ایران تکامل یافته است، راست سنتی، راست مدرن، چپ و راست افراطی، گروه اولی و چهارمی، منجر شد و بخصوص بعد از انحلال سازمان گسترده حزب جمهوری اسلامی در اول ژوئن سال ۱۹۸۷ (نهم خرداد ۶۷) نمود بیشتری یافت. تجدیدنظر در قانون اساسی در سال ۱۹۸۱ عناصر این تکتوگرایی را شفافیت بخشید. تنها کسانی که اصول ولایت فقیه را قبول دارند، می توانند در فرایند سیاسی شرکت کنند.

چهار گروه فعال و مشخص در عرصه سیاست کنونی ایران وجود دارد که بین این دو جناح تقسیم شده اند. همه آنان مدعی هویت اسلامی هستند و التزام عملی خود را به اصول قانون اساسی اعلام کرده اند. این چهار گروه عبارتند از راست سنتی، راست مدرن، چپ و راست افراطی. گروه اولی و چهارمی، ائتلاف اسلام گرایان (ستی) را تشکیل می دهند و گروه دومی و سومی نوگرایان اسلامی را به وجود می آورند. هر کدام از آنان از گروه های کوچک تشکیل شده اند، روزنامه های مخصوص به خود را انتشار می دهند و از جانب دسته ای از سیاستمداران و رهبران مذهبی حمایت می شوند، در بستر وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران، این طیف از راست به چپ از اقتصاد بازار آزاد، سنت گرایی اجتماعی، محافظه کاری فرهنگی و فقه مذهبی تا اقتصاد رفاه دولتی، مدرنیسم اجتماعی، تکتوگرایی فرهنگی و لیبرالیسم دینی را در بر می گیرد.

راست سنتی از جامعه روحانیت مبارز تهران، جامعه قدرتمند مدرسان حوزه علمیه قم و انواع گروه های بازاری و صنفی تشکیل شده است که تحت سازمان چتر گونه هیأت های مؤتلفه اسلامی دوره هم گردآمده اند. روزنامه های رسالت، فردا و شما منعکس کننده دیدگاه های این سازمان هستند. اعضا و هواداران این سازمان از حمایت ناطق نوری رئیس مجلس، محمدرضا مهملوی کنی رئیس دانشگاه امام صادق، احمد ترکلی، حبیب الله عسکراولادی و محمد یزدی رئیس قوه قضائیه، علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه سابق ایران، محمدرضا باهنر، عضو پرنفوذ مجلس شورای اسلامی، جواد لاریجانی، مرتضی نبوی، عباسعلی عمیدزنجانی و قشر تجار سنتی (بازار) برخوردار هستند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ راست مدرن که سال ها با راست سنتی همکاری نزدیک داشت، انشعاب یافت و گروه مستقلی را تشکیل داد. در انتخابات پارلمانی تابستان ۱۹۹۶ گروهی از تکتوکرات ها و شخصیت های حکومتی، گروهی به نام کارگزاران سازندگی تشکیل دادند که بسیاری از جوانان تحصیل کرده کشور، جذب آن شدند و به عنوان یک حزب سیاسی در تابستان ۱۹۹۸ به ریاست غلامحسین کرمانجی اعلام موجودیت کرد. علاوه بر حزب کارگزاران راست مدرن از حمایت نهاد نیرومند خانه کارگر، نیز بسیاری از یاران نزدیک هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری سابق برخوردار است. روزنامه پرتیراژ همشهری، روزنامه های اخبار، کار و کارگر، ایران و روزنامه انگلیسی زبان ایران نیوز، منعکس کننده دیدگاه های این حزب هستند. (نظر نویسنده در این مورد دقیق نیست - مترجم) محسن توروبخش رئیس بانک مرکزی، فائزه هاشمی عضو مجلس شورای اسلامی و طبقه متوسط جدید کشور از این گروه حمایت می کنند.

جناح چپ شامل زیرگروه های مهمی مانند دفتر تحکیم وحدت بین دانشگاه و حوزه علمیه، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی (که بلافاصله بعد از انقلاب شکل گرفت)، انجمن اسلامی مدرسان دانشگاه، مجمع روحانیون مبارز تهران که در ۲۰ مارس ۱۹۸۸ به کوشش مهدی کروبی و محمد موسوی خوئینی ها تأسیس شد و حزب جدیدالتأسیس (دسامبر ۱۹۹۸) طرفدار خاتمی (جبهه مشارکت ایران اسلامی) تشکیل شده است روزنامه سلام، دو هفته نامه عصر ما، روزنامه جامعه که عمر کوتاهی داشت و روزنامه جدید خرداد، منعکس کننده مواضع این گروه هستند. جناح چپ از حمایت میر حسین موسوی نخست وزیر سابق، بهژاد نبوی (وزیر سابق و از مسئولان عمده حرکت گروگان گیری) محمد سلامتی سردبیر عصر ما، محمد خاتمی، علی اکبر محتمشی و مهدی کروبی نیز بهره مند است.

در حالی که سه گروه اول نسبتاً شناخته شده هستند، مجمع روحانیون

نزاع نوگرایان و سنت گرایان اسلامی

آرایش نیروهای سیاسی در ایران

منبع: میدل ایست جورنال - شماره ۵۳ - بهار ۹۹

فرهنگ رجایی

مترجم: کریم پیرحیاتی

فرهنگ رجایی: استادیار روابط بین الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه کارلتون اتاوا (کانادا) در این مقاله از نگاه یک ناظر دانشگاهی به ارائه نقشه سیاسی ایران می پردازد. از نظر این استاد ایرانی آن چه بیش از همه می تواند در توصیف جغرافیای سیاسی ایران مؤثر باشد، رویارویی دو تفسیر از اسلام است: تفسیر نوگرایانه و تفسیر سنت گرایانه.

گروه داخلی

نظریه پرداز روابط بین المللی فرید ذکریا نظریه ای به نام دمکراسی غیر لیبرال دارد که نسبتاً با دیدگاه آنان از جامعه تناسب دارد. طبق این نظریه فرایند دمکراتیک جریان می یابد. اما قدرت اکثریت محدود می شود و تضمین های نهادی مانند حاکمیت قانون، حقوق مالکیت فردی، تفکیک قوا و آزادی بیان و گردهمایی، اموری کم اهمیت شمرده می شود.

از سوی دیگر نوگرایان اسلامی در جهان بینی خود، خداپرست و در نگرش ملی گرا هستند و از عقل یا برهان یعنی کاربرد استدلال در تلاش برای رسیدن به حقیقت و از اخلاق مسئول پیروی می کنند. به اعتقاد آنان پیام اسلام به مقتضای زمان و مکان می تواند جلوه های متفاوتی پیدا کند. از نظر آنان مدرنیته یک دستاورد فلسفی پیشرفته است که نمی توان آن را کنار گذاشت.

لذا آنان هم آرمانگرا و هم در عین حال واقع گرا هستند. به قول رشید الغنوشی اهل تونس که یکی از این

نوگرایان اسلامی است، جهان از طریق دستاوردهای علمی به دهکده کوچکی تبدیل شده است که دیگر نمی تواند جنگ را تحمل کند... یکی از پیام های این سخن پایان تقسیم انترازی جغرافیایی و فرهنگی جریان به دو قلمرو شرق و غرب است. خاتمی نیز در پیام ژانویه ۱۹۹۸ خود خطاب به ملت آمریکا همگان را به یکارگیری واقع بینی توأم با آرمانگرایی نوع فسیحی فراخواند.

نواندیشان ایدلای طرفدار احیای تمدن اسلامی از طریق اسلامیزه کردن

مدرنیته هستند. آنان به ارائه تفکر دینی

خود به طریقی که به مدرنیته آمیخته باشد، معتقد هستند. روند اخیر دارای طرفداران متعدد در دنیای اسلامی است. یکی از طرفداران برجسته آن در میان روشنفکران ایران عبدالکریم سروش است که تفاوت بین دین و شناخت از دین را مورد بحث و بررسی قرار داده است. سروش مدعی است که چون برداشت از دین بر حسب زمان و مکان متغیر است، لذا مفسر رسمی اندیشه دینی در اسلام وجود ندارد و کسانی که از ولایت رسمی دینی حمایت می کنند باید به پرسش اساسی چه کسی ولی است، جواب دهند. او سعی دارد آرمانگرایی اسلامی و تعریفی دوباره کند، تا پراگماتیسم و مدرنیته سازگار شود. به نظر او چنین هدفی از طریق بازسازی فهم دین قابل تعمق است. او واقعیت قیام توده ها و رواج جهانگرایی را پدیده هایی جدی می داند و می گوشد ماهیت جاودانی و تغییرناپذیر اسلام را با خواسته های متغیر زمان تطبیق دهد.

این دو دیدگاه جلوه جالبی از تکتوگرایی اسلامی را نمودار می سازند، جهان گرایی بر هر دو تفکر تأثیر گذاشته است. به این معنی که اسلام گرایان را بی اعتناقت تر و افراطی تر و نوگرایان اسلامی را عملگراتر و امیدوارتر نسبت به گفت و گو با غرب در آینده کرده است. جای تعجب نیست که اسلام گرایان از اندیشه برخورد سبزی تمدن ها استقبال می کند در حالی که نوگرایان اسلامی شدیداً با آن مخالف هستند. مشاهده ردیابی این دو دیدگاه گسترده را در جریان تکامل تاریخی انقلاب اسلامی از آغاز تاکنون می توان مشاهده کرد. تا سال ۱۹۸۹ امام خمینی توازن بین دو گرایش را کنترل و حفظ می کرد. همچنین سال های جنگ با عراق سبب کنار گذاشتن هرگونه اختلاف در این زمینه را به بهانه ضرورت های وضعیت جنگی ایجاد می کرد. در دهه ۱۹۸۰ کوچک ترین انتقاد از دولت مخالفت با دفاع از سرزمین اسلامی در برابر کفار، تلقی می شد. در دهه ۱۹۹۰ اوضاع کلی تغییر کرد. جنگ در ۱۹۸۸ پایان یافت و آیت الله خمینی در ۱۹۸۹ در گذشت.

در طول دوره از ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۹ جناح چپ بر سر قدرت بود. پس از مرگ آیت الله خمینی ائتلافی از راست مدرن و راست سنتی تا سال ۱۹۹۷ بر کشور حکمرانی کرد، در ظاهر انتخابات ۱۹۹۷ چپ را دوباره بر سر قدرت آورده است. اما در واقع دولت خاتمی ائتلاف جالبی از چپ، راست مدرن و مهم تر از همه گروه های هوادار جامعه مدنی ایران است که با بهره گیری از برخی دستاوردهای جریان جهان گرایی در حال رشد و گسترش است. در دوره حکومت رفسنجانی، راست مدرن از توسعه اقتصادی طرفداری می کرد و طرفدار اقتصاد نفولیبیرالی، بازسازی و عادی سازی بود، که این سیاست ها، هنوز هم ادامه دارد. هنگامی که خاتمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را برعهده داشت، درجه ای از آزادی فرهنگی تشویق می شد. اما هنگامی که خاتمی از این شغل در سال ۱۹۹۲ کنار گذاشته شد، این مقدار آزادی هم از بین رفت. اکنون گروه چپ و هواداران جامعه مدنی ایرانی یک اتحاد اعلام نشده با هم تشکیل داده اند. بهترین نمونه آن مصاحبه خاتمی است با مجله پرتیراژ زنان که تصویر خاتمی در پشت جلد آن مجله چاپ شد و در تیراژی وسیع در سطح کشور انتشار یافت. در عین حال گزارشی در این مجله بود که در آن ناطق نوری از انجام مصاحبه خودداری کرده بود و به این وسیله مخالفت خود را با خواسته های زنان نشان داده بود. ماهنامه صبح وابسته به راست افراطی این مصاحبه را وقت تلف کردن در امور بی اهمیت توصیف کرد. به اعتقاد بسیاری از ناظران این واقعه به تهائی رای زنان را برای خاتمی تضمین کرد. این اتحاد بین چپ و هواداران جامعه مدنی چیزی را که عبدالکریم سروش ترکیب سه فرهنگ اسلام، ایران و مدرنیته نام نهاده است منعکس کرد.

پیام آزادی

پیام آزادی است

روزنامه پیام آزادی

روزنامه جامعه مدنی ایران منتشر می شفا

۰۲۷۲

قابل توجه پیرگیرها و صاحبان خودرو

کیت پیرگیرری تئوبوس (کابل)

برای اولین بار در ایران عرضه شده - سریع

از شهرستانها تمایزده نشان می پذیریم

تلف: ۰۹۱۱۲۱۲۳۴۰۳

تلف: ۰۹۱۱۲۱۵۱۱۳۲

۲۳۱۲



تمامیت خواهانه دارند و معتقدند که تمام ابعاد و امور زندگی مردم را باید دین تنظیم و رتق و فتق کند و نگرش آنان به مدرنیته نگرشی متناقض است. به این معنی که آن را به عنوان یک نظام فلسفی رد می کنند. اما از دستاوردهای آن بهره می جویند. به عنوان مثال فرزندان خود را به دانشگاه های مدرن می فرستند و خود آموزش های فنی می بینند. احمد جنتی یکی از حامیان برجسته اسلام گرایی (ستی)، عنوان یک پایان نامه دکترا

در دانشگاه تهران را در خطبیه نماز جمعه تهران مورد حمله و انتقاد قرار داد زیرا در این پایان نامه دکترا از دیدگاه های ویلهلم فریلدریش نیچه (۱۹۰۰-۱۸۴۴) فیلسوف آلمانی که آشکارا مرگ خدا را اعلام کرده، حمایت شده بود. دانشجوی مذکور ناچار شد این تز را کنار بگذارد و پایان نامه دیگری تهیه کند. در فوریه ۱۹۹۸ به مناسبت دهمین سالگرد صدور فتوای قتل سلمان رشدی نویسنده بریتانیایی از سوی امام خمینی، اسلام گرایان این فتوا را مجیدانه تعبیر کردند و خواهان اجرای آن شدند. در صورتی که دولت واه خود را از این موضوع جدا کرده بود. اسلام گرایان آماده نبرد در راه آرمان های خود و ادامه اشکال گوناگون این نبرد در راه اهداف دینی هستند. از این نظر آنان آرمانگرا و در عین حال افراطی به شمار می روند. آنان طرفدار انقلاب اسلامی هستند، می توان آنان را قدسین یا جنگجو نامید. نمونه بارز یک اسلام گرا در دنیای اهل سنت سید قطب است (که

در ۱۹۶۶ اعدام شد). او جهان را از درجه دو گانه ما در مقابل آنها می نگریست و معتقد بود که غیر از اسلام گرایان بقیه افراد جامعه بشری در جهالت و بی ایمانی به سر می برند. همای شیعه او «سیداحمد فرید» است که وی نیز جهان را به صورت غریزه در مقابل امیل نگاه می کرد. وی در یک مصاحبه قبل از مرگ به نگارنده این مقاله گفت: اسلام به دمکراسی عمودی معتقد است و لذا نیاز به یک پیشوا که به عنوان تضمین کننده چنین نظامی عمل کند را ضروری می داند. در جهان بینی اسلام گرایان وظیفه هر مسلمان حقیقی است که با نظام غریزینی موجود مبارزه کند پیروان چنین دیدگاهی معتقدند که رهبران دینی می توانند حقیقت نهایی اسلام را به مردمان بیاورزند. آنان ارزش چندانی برای مفاهیمی مثل جامعه مدنی یا دمکراسی تکتوگرا قائل نیستند. اسلام گرایان در برابر آرمان جامعه مدنی خاتمی از جامعه ولایتی یعنی جامعه ای که تحت ولایت الهی است هواداری می کنند. حتی اگر مجبور باشند، ایده هایی مانند جمهوریت را بپذیرند چنین پذیرشی فقط وسیله ای برای حرکت در مسیر آرمان های برتر دینی است. آنان از عقیده «گفت وگویی تمدن ها» حمایت می کنند که از نظر اسلام گرایان غرب چیزی جز توطئه و تهاجم فرهنگی نیست.

در ۱۹۶۶ اعدام شد). او جهان را از درجه دو گانه ما در مقابل آنها می نگریست و معتقد بود که غیر از اسلام گرایان بقیه افراد جامعه بشری در جهالت و بی ایمانی به سر می برند. همای شیعه او «سیداحمد فرید» است که وی نیز جهان را به صورت غریزه در مقابل امیل نگاه می کرد. وی در یک مصاحبه قبل از مرگ به نگارنده این مقاله گفت: اسلام به دمکراسی عمودی معتقد است و لذا نیاز به یک پیشوا که به عنوان تضمین کننده چنین نظامی عمل کند را ضروری می داند. در جهان بینی اسلام گرایان وظیفه هر مسلمان حقیقی است که با نظام غریزینی موجود مبارزه کند پیروان چنین دیدگاهی معتقدند که رهبران دینی می توانند حقیقت نهایی اسلام را به مردمان بیاورزند. آنان ارزش چندانی برای مفاهیمی مثل جامعه مدنی یا دمکراسی تکتوگرا قائل نیستند. اسلام گرایان در برابر آرمان جامعه مدنی خاتمی از جامعه ولایتی یعنی جامعه ای که تحت ولایت الهی است هواداری می کنند. حتی اگر مجبور باشند، ایده هایی مانند جمهوریت را بپذیرند چنین پذیرشی فقط وسیله ای برای حرکت در مسیر آرمان های برتر دینی است. آنان از عقیده «گفت وگویی تمدن ها» حمایت می کنند که از نظر اسلام گرایان غرب چیزی جز توطئه و تهاجم فرهنگی نیست.

۴ روزه آتهای معدنی

استثنائی

تور سوریه

✓ آتوبوس مجهز توبستی تپاردار ۳۳ شیب پذیرای در ویلا ۴ میخانه، تاهار و شاه

✓ سرویسهای گشت سیامتی ۴ دریا و جنگل کیسوم ۴ فرید از مرز استارا

تاریفهای حرکت: ۸۹۱۵۸۰۹۱ ۲۲۹۶ مرداد ۱۲۹۵ شهردور

هر نفر ۳۹۰۰۰ تومان و فول سرویس هر نفر ۴۶۰۰۰ تومان

آژانس چدید تور تلفن زرزو تور: ۲۵۵۳۴۹۷ - ۲۵۵۱۲۷۷

بسمه تعالی

وزارت امور اقتصادی و دارائی

گمرک ایران

آگهی مزایده ۲/ ۷۸

گمرک جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد تعدادی از قطعات و اراضی ملکی خود واقع در مسیر جاده فیروزکوه بین رودهن و دماوند ، ساوجبلاغ کرج اطراف شهر صنعتی و کارخانه چیت نظرآباد را در مزایده عمومی واگذار نماید .

متقاضیان جهت تهیه برگ شرایط و بازدید از تاریخ یکشنبه ۷۸/۵/۲ لغایت سه شنبه ۷۸/۵/۱۲ به سر پرستی املاک و اموال واقع در ساختمان ۲ گمرک ایران به نشانی ، بالاتر از میدان ولی عصر ، خ شهید پرویز روشن ، پلاک ۵ ، طبقه ۵ ، شماره ۱۱۰ مراجعه نمایند .

شرکت کنندگان ، پیشنهادات خود را به همراه سپرده شرکت در مزایده می بایست در پاکت در بسته تا پایان وقت اداری روز سه شنبه ۷۸/۵/۱۲ تحویل دبیرخانه مرکزی گمرک ایران رویروی ساختمان شماره ۲ نموده ، رسید اخذ نمایند .

کلیه پیشنهادات راس ساعت ۱۰ صبح مورخ ۷۸/۵/۱۳ در ساختمان مرکزی ، باز و قرائت خواهد شد .

سرپرستی املاک و اموال

23105

خودروبر و جرثقیل امداد

ویژه حمل سواری

مجهز به سرویسهای سیار در سطح تهران ویزگی

۱۷ - ۳۵۸۵۱۲

مبنا

کنیتکس

کنیتکس الکتدی فذرتک ویژه سطوح شبروانی ها و کنیتکس عایق رطوبتی

تولید

دفتر مرکزی و کارخانه: ملانژ تهران، نور، کوی نیشابان

تلفن: ۲۳۳۸۸ - ۱۹۶۴، تلفکس: ۲۲۰۷۳۰ - ۱۹۶۲، ص. ۱۶۳/ ۴۴۶۱۵

۱۳۶۶

- مراکز دانشگاهی - آموزشی کشور
- استادان دانشگاههای کشور
- نویسندگان
- مترجمان
- ناشران و تولیدکنندگان کتاب

اگر می خواهید اثری را چاپ و منتشر کنید:

سطح کشور توزیع نمایید:

کتاب خود را به ما بسپارید

ما در چاپ و نشر و توزیع در کنار شما هستیم

شرکت مرکز تولید فنی کتاب ۷۴۳۸۸۳-۷۱۸۴۳۶-۰۲۵۱

نبوی: یکی از مشکلاتی که امروز پیش پای گشت و گو وجود دارد، نبودن تعریف مشخص از واژه هاست. یکی از این واژه‌ها انقلاب است؛ درحال حاضر به کسی که طرفدار حفظ وضع موجوداست می گویند انقلابی و به کسی که طرفدار تغییر وضع است، می گویند ضدانقلاب. به کسانی که طرفدار تغییرات ریشه ای هستند، می گویند لیبرال و به کسانی که طرفدار حفظ وضعیت هستند می گویند رادیکال. می خواهم از شما پرسم انقلاب یعنی چه؟

عبدالجواد موسوی: من اول تعریف خودم را از انقلاب می گویم. مرحوم فردی می گوید: «ما تنها به یک انقلاب حقیقی و عده داده شدیم». من انقلاب را برهم زنده کل مبانی و قراردادهای مرسوم کنونی می دانم. بی شک انقلاب حقیقی همانطور که مرحوم فردید گفته است به کمک موعود همه امم تحقق می یابد، یعنی کسی می آید که جهان را به کلی عوض می کند و نه صورت‌های ظاهری را. اما به نظر من منظور شما از انقلاب، انقلاب سال ۱۳۵۷ است.

نبوی: نه، من مفهوم کلی انقلاب را درنظر دارم.

عبدالجواد موسوی: به نظر من تعریف از انقلاب، نزد هرکس متفاوت است. مثلاً جواد طباطبایی می گوید که رضا داوری خواستار تثبیت وضع موجود است. در حالی که دکتر داوری می‌کند است ایشان با هرکس دیگری را چنین بداند. ممکن است وضع موجود موردنظر داوری، قراردادهای کلی حاکم بر جهان باشد و شاید منظور آقای طباطبایی از وضع موجود، وضعیت جمهوری اسلامی ایران باشد. اما در مورد انقلاب ۵۷، من آن را نهضت ۵۷ می‌نامم.

نبوی: چرا؟

عبدالجواد موسوی: انقلاب به نظر من برهم زنده وضع موجود است و انقلاب مورد انتظار من همه بنیادها و مبانی موجود و مرسوم جهانی را برهم می‌زند و نسبت بشر با طبیعت، خدا و اصلاً تعریف بشر را عوض می‌کند. در آن انقلاب تنها خداست که حکم می‌راند و هرچه شروع شود، با خدا شروع می‌شود و به خدا ختم می‌شود. آنچه در سال ۵۷ اتفاق افتاد دارای چنین خصوصیتی نبود. در بادی امر گرچه چنین تصویری داشتند. اما چنین نشد، یعنی هنوز بسیاری از مبانی سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی همان است که پیش از این هم بود. تفاوت‌هایی بود، اما بسیار ظاهری که در هر تغییر حکومتی این تغییرات ظاهری اتفاق می‌افتد.

برای روشن شدن موضوع از امور فرهنگی و هنری مثال می‌آورم. در زمینه سینما، فیلمفارسی، عنوانی که منتقدان سینمایی قبل از انقلاب به فیلم‌های سطحی و مبتذل آن زمان می‌دادند، همچنان با قدرت به زندگی خود ادامه می‌دهد، گرچه رقص فروزان از فیلم‌ها حذف شده است. آن‌هم به دلیل اینکه سینماگران ما نخواهند و مردم طالب آن نباشند. تنها به دلایل حکومتی و سانسور وجود ندارد، اما آن نگاه سطحی و پیش افتاده که منتقدان به دلیل آن به محصول آن فیلمفارسی می‌گفتند، فیلم می‌سازند و وجود دارد. آن‌نگاهی که به تحریک و درشت نمایی غرایز و احساسات ضعیف می‌پرداخت، وجود دارد و حتی از سوی برخی مسئولان و مطبوعاتچی‌ها، حمایت می‌شود. من نگاه را مدنظر دارم، نه داستان را چون ممکن است این نگاه را ما در ساخت سریال زندگی یک امام معصوم هم ببینیم. مقاله جلال آل احمد که سی سال پیش نوشته شده با عنوان «نگاهی به وضعیت مطبوعات» را بخوانید و با وضعیت فعلی مطبوعات مقایسه کنید. می‌بینید تنها پاورقی‌ها و عکس‌های سگسی از آن حذف شده و شاید به صورت دیگری جای‌خالی آن پر شده است. اما در بنیان‌ها از انقلاب حقیقی رخ نداده است. گرچه نمی‌شود آنچه اتفاق افتاده را به کل منکر شد و نادیده گرفت و شاید اگر همان‌هم اتفاق نمی‌افتاد کسانی مثل من به این پیش هم نمی‌رسیدند. ما این انقلاب را بدیلی از صورت حقیقی آن انقلاب می‌دانیم. بیست سال آزمون و خطا حقایق را روشن کرد.

نبوی: شما گفتید انقلاب یعنی این که تحولات اجتماعی در تمام جهان اتفاق نیفتد و تغییری نسبت به باورها و اعتقادات روی دهد. آیا یک نمونه از انقلاب را با این تعریف می‌توانی مثال بزنی؟

عبدالجواد موسوی: نه به معنایی که من به آن معتقدم، نه بهترین نوع آن همین انقلاب خود ماست.

نبوی: به نظر تو انقلاب اکتبر، انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب صنعتی، انقلاب نبوده است؟

عبدالجواد موسوی: ممکن است با تعریف آنان انقلاب باشد ولی با تعریف من نه. نزدیکترین انقلاب به تصور من، همین انقلاب خود ماست که کسی مثل امام خمینی رهبری آن را برعهده گرفت و اصلاً آمده بود که همین کار را بکند و می‌خواست بنیان نویی درآفکند و مبانی را عوض کند و در اصل می‌خواست کار محالی را انجام دهد. کاری که قرار بود موعود همه امم انجام دهد، او می‌خواست به انجام برساند و همه ارزش آن بزرگوار هم در همین است که می‌خواست کار محالی را صورت دهد. می‌خواست جامعه‌امام زمانی تشکیل بدهد؛ جامعه‌ای که «اصول اساس الاحکام» در آن حاکم باشد. جامعه‌ای که یک موی کوخ نشینان به زندگی تمام کوخ نشینان شرف دارد.

نبوی: می‌خواهی بگویی قصد از انقلاب ایران همان انقلاب واقعی بوده، ولی به نتیجه نرسیده است؟

عبدالجواد موسوی: بله.

نبوی: چرا؟

عبدالجواد موسوی: چون کار صعب و سختی است و نباید انتظار داشت یک آدم زمینی چنین کاری را انجام دهد. خود من چنین توقی ندارم. نبوی: این دیدگاه شما به دیدگاه انجمن حجثیه نزدیک نیست؟ عبدالجواد موسوی: چرا؟ انجمن حجثیه می‌گوید دست به هیچ کاری نزنیم و بگذاریم فساد همه جهان را بگیرد. تا موعود امم ظهور کند و حاکم شود. اما ما سعی و تلاش خود را می‌کنیم. ما به عنوان یک انسان نمی‌توانیم ساکت بمانیم.

نبوی: اما یقین دارید که تغییرات زمینی به نتیجه نمی‌رسد؟

عبدالجواد موسوی: بلکه یک تجربه نشان داده که این تلاش‌ها به نتیجه نمی‌رسد.

نبوی: شما گفتید تنها انقلاب موردنظر شما، انقلاب حضرت موعود است. این اعتقاد شما یعنی هر انقلاب دیگری به نتیجه نمی‌رسد و با تعریفی که شما دارید، انقلاب کردن و تلاش برای تغییر در جامعه جهانی با روش‌های انسانی، تنها تلاشی است برای پذیرفتن شرایط و وضعیت کنونی. عبدالجواد موسوی: بله، چون آدمی به ذلت و خوار۱ تن نمی‌دهد. نبوی: ولی می‌داند که به نتیجه نمی‌رسد؟

عبدالجواد موسوی: امام حسین (ع) هم شاید می‌دانستند که با ۷۲ نفر نمی‌تواند در مقابل ۳۰ هزار نفر به نتیجه برسد.

نبوی: فکر می‌کنید یک انسان دست به عملی می‌زند که می‌داند درنهایت نتیجه‌ای عاید او نمی‌شود؟

عبدالجواد موسوی: ممکن است به نتیجه برسد. نبوی: شما گفتید انقلاب زمینی به نتیجه نمی‌رسد. عبدالجواد موسوی: بله اگر قرار بود برسد که امام زمان نمی‌آمد. نبوی: شما می‌گویید تفاوت‌های اساسی در شرایط قبل از انقلاب و بعد از انقلاب وجود ندارد.

عبدالجواد موسوی: در مبانی تغییرات اساسی و زیادی اتفاق نیفتاده است. نبوی: مبانی یعنی چه؟

عبدالجواد موسوی: امام خمینی جامعه دیگری را درنظر داشت که به وجود نیامد. مثلاً امام می‌گفت هر جا صدای مظلومی به گوش برسد، ما باید به فریاد آنان برسیم و معتقد بود ما با نان و پتیر خود بسازیم و دست به سوی کسی دراز نکنیم. این ممکن است در دنیای امروز حرف دور از ذهنی باشد. ولی کسی هم تن به این امر نداد تا نتیجه آن را ببیند.

نبوی: چرا کسی تن به این تجربه نداد؟

عبدالجواد موسوی: باید از آقایان و مسئولان بپرسید.

نبوی: نظر شما چیست؟ آیا به خاطر واقع گرایانه نبودن آن نبود؟

عبدالجواموسوی: نه، ما آن را تجربه نکردیم که بدانیم. چون امام بسیار واقع گرا بود. آیا حالا که این آقایان راه دیگری را درپیش گرفته‌اند به نتایج بهتری رسیده‌اند، وضع، بهتر شده است؟

نبوی: این ادعای شماست که وضع بهتر نشده است اما می‌گویید امام کارنشدنی را می‌خواست انجام بدهد.

عبدالجواد موسوی: در غایت بله، کاری نشدنی بود. ولی درامور جزیی هیچ کس حاضر نشد تجربه کند و ببیند به کجا می‌رسد. حتی این که میزان رأی ملت است و مردم ولی نعمت ما هستند تحقق پیدا نکرد، تا ببینیم به کجا می‌رسد.

نبوی: آیا مردم کوتاهی کردند یا مدیران سیاسی؟

عبدالجواد موسوی: به نظر من مدیران سیاسی. روایتی است که مردم به حاکمان خودشان بیشتر شبیه هستند تا به پدران و مادران خود.

گفت‌وگو با عبدالجواد موسوی

ادبیات و هنر موظف نیست

که به سیاست پیردازد



اشاره:

سیدعبدالجواد موسوی از بچه‌هایی است که نوجوانی اش را در جبهه گذرانده و حال و هوای جنگ را در نوشته‌ها، سروده‌ها و حتی گفتارش می‌شود دید. او با شعر و ادبیات نیز آشنایی دارد و شاید اگر چهره آفتاب سوخته و خاک گرفته‌او در پشت خاکریز شلمچه و جبهه نبود دانش ادبی او جلوه‌ای دیگری می‌نمود. او و سیدعبدالرضا موسوی برادر شاعر و نویسنده اش شاید از مهم ترین نویسندگان نشریات صبح، شلمچه و باموشی به گفت و گویی در مورد نسبت فرهنگ و سیاست پرداختیم که آنرا می‌خوانید.

هرگز به موسیقی دهه ۴۰ یا ۵۰ برنمی‌گشتیم. نبوی: آیا قبول داری که ابتدال فرهنگی در کشور ما طی ۲۰ سال اخیر به بهانه‌های انقلابی اتفاق افتاده است؟

عبدالجواد موسوی: کاملاً درست‌است. با صورت دینی و انقلابی همان ضدارزش‌ها مطرح شده است.

نبوی: بهانه‌هایی در کشور هست که مانع وقوع اتفاقات درست است. مثلاً عده‌ای هستند که کده‌های پیراهن خودشان را می‌پندند تا جلوی پرسش عده دیگری را بگیرند. این ظاهر گرابی جفتدر لازم است و چقدر به اصلاحات مبتلی لطمه می‌زند؟ عبدالجواد موسوی: بسیار به اصلاحات ریشه‌ای ضربه می‌زند و اصلاً لازم نیست.

نبوی: عده‌ای معتقدند که رفتار ارزشی یعنی حفظ طواهر. عبدالجواد موسوی: من اصلاً قبول ندارم. خط‌کشی‌های موجود خیلی ضربه می‌زند. مثلاً همه مکر می‌کنند چون شمس الواعظین را قبول ندارم، پس باید مهدی نصیری قبول داشته باشم. کسی می‌گفت در دانشگاه با تسبیح قدم می‌زدم که آقای سروش و آنان داشجو آمدند و ایام فاطمیه بود و جمع شروع کردند به کف زدن. من اعتراض کردم که در این ایام نباید کف زد و حرمت را نگه دارید. بعد عده‌ای ریختند روی سرم و حسابی مرا کتک زدند. بعد کمی قدم زدم و فراموش کردم چه کسانی مرا زدند. بعد از چند ساعت دیدم عده‌ای دارند به سروش بدوبیره می‌گویند، رتم جلو و گفتم شما مسلمان هستید و شیعه و حضرت علی مسلمان‌ای را که حرف زشت بزندلین کرد، آنان هم ریختند سرم و مرا زدند. ببینید مشکل همین جاست. خط‌کشی‌های مسخره‌ای است. دوستی داشتمی که فوت شد و نظرهای جالبی را راجع به سروش داشت. هر وقت می‌گفتم این نظرها را چاپ کن می‌گفت نه چون هرچا چاپ کنم با سروش دعوی سیاسی دارند نه عقیدتی و من نمی‌خواهم وارد مباحث جناح‌های سیاسی بشوم و نمی‌خواهم به جانبداری از گروه خاصی منتهم شوم.

نبوی: انقلابی گری همیشه در این بهانه‌ای بوده برای چیز دیگری. رُست انقلابی گرفتن پوششی بوده برای گریز از حرف‌های جدی و از بار مسئولیت شانه خالی کردن. مثلاً روزنامه [...] هر روز به یک کسی وصله می‌زند. چرا خیلی از بچه‌ها با این موضع همراهی می‌کنند؟ واقعا عاقبت چنین برخوردهایی چیست؟

عبدالجواد موسوی: مشکل اصلی این است که فرهنگ به دست اهل سیاست افتاده است و آنان هم بر اساس منافع سیاسی خود به فرهنگ نگاه می‌کنند. وقتی مقاله «صراط‌های مستقیم» آقای سروش چاپ شد، من و خیلی‌های دیگر با آن مخالفت‌هایی داشتیم. برادر من جوابی به آن مقاله داد و بود و قرار شد به [...] بدیهم تا چاپ کند. رقیم و یکی از مسئولان [...] مطلب را اورق زد و کفت مطلب زیاد است. گفتم خب جواب آقای سروش هم زیاد است. گفتند نه، ما نمی‌خواهیم سروش را بزرگ کنیم. گفتم ربطی به بزرگ کردن کسی ندارد. آن موقع که نباید بزرگش می‌کردید بزرگش کردید و حالا که بحث عقیدتی و فکری است، حاضر نیستید جواب آن را چاپ کنید و بعد که قرار شد چاپ نشود به صراحت گفتم اگر آقای سروش بر علیه جناح راست حرفی زده بود رگ گردن همه شما منور می‌شد. حالا که بحث عقیدتی مطرح کرده می‌گویید نمی‌خواهیم سروش را بزرگ کنیم. گفتم شما درد دین ندارید، دعوی سیاسی و جناحی دارید.

سریال امام حسن(ع) را آقای فخم زاده ساخت. بعد قرار شد سریال امام رضاع(ع) را هم بسازد. ما نامه‌ای نوشتم که ایشان در تجربه قبلی نشان دادند که این کار از دست ایشان برنمی‌آید و درست نیست که در جمهوری اسلامی چنین فیلم‌هایی بسازید و مصادق‌همین شعر را بکنند. «تو که قرآن به این نمط خوانی/ ببری رونق مسلمان‌ی» و برای این که منتهم به جناحی رفتار کردن نشویم از طیف‌های مختلف امضا جمع کردیم. بعد چاپ شد و آقایان در [...] به ما اعتراض کردند که چرا چنین کاری کردید؟ شما افکار را نقد کنید نه اشخاص را. ما گفتم ما اصلاً با این آدم دعوی شخصی نداریم. در حالی که خود همین کسانی که ما را به برخورد شخصی منهم کردند، عکس یک روشنفکر را در حال رقص چاپ کردند و بعد به برخورد ما گفتند برخورد شخصی! درست که این آدم طرفدار کاندیدایی مورد علاقه آقایان در [...] بود. اما قرار نیست دین و علاقه‌های دینی مردم در بازی‌های سیاسی خرج شود. نامه‌ای نوشتم که حتماً قرار ما هم در برنامه هویت تلویزیون و نوشته‌های [...] با شما نکند این روشنفکرانی که در برنامه هویت تلویزیون و نوشته‌های [...] مورد غضب قرار می‌گیرند، از الهه می‌خواستند دفاع کنند. فرهنگ در دست اصل سیاست است و اهل سیاست فرهنگ و اندیشه و هنر را تنزل می‌دهند. آن طرف قضیه هم همین طور است. مطلبی در [...] راجع به سهراب سپهری چاپ شده بود. ما را به برخورد شخصی منهم کردند، عکس یک روشنفکر را در آخر چه ربطی دارد؟ شما یک دعوایی با [...] و عده‌ای به نام [...] دارید.

سهراب سپهری چه دخلی به این موضوع دارد؟ و یا حافظ را می‌خواهند

دوم خردادی جابزنند و اکبر گنجی در مقاله‌ای می‌نویسد که حافظ گفته است «کفر است در این مذهب خودبینی و خودرایی» و استناد کرده بود که حافظ اعتقاد به پلورالیسم دینی دارد.

در حالی که این بیت حافظ به خداوند اصالت می‌دهد. حتی حافظ را هم وارد بازی سیاسی خود می‌کنند. هم به سیاست لطمه می‌زند و هم به هنر. نبوی: نتیجه‌ای که می‌شود از حرف شما گرفت انکار ادبیات و هنر متعهد نیست؟

عبدالجواد موسوی: ربطی ندارد. مگر ادبیات متعهد باید به دوم خرداد معتقد باشد؟

نبوی: به سیاست، نه به دوم خرداد...

عبدالجواد موسوی: ادبیات و هنر موظف نیست که به سیاست بپردازد. مگر حافظ نمی‌توانست دعوی ابواسحاق و مظفر را به نظم بکشد؟ می‌توانست. اما دیگر حافظ ماندگار نمی‌شد. اگر می‌خواست چنین کاری بکند می‌شد، نسیم شما.

نبوی: نظر تو راجع به دیدگاهی که اهل سیاست با منتقدان ارزشی نسبت به نویسندگان و شاعران دارند، چیست؟ مثلاً برخورد آنان با شاملو.

عبدالجواد موسوی: از چه منظری شاملو را باید دید؟ کسی نمی‌تواند بگوید او شاعر خوبی نیست. کسی که چنین حرفی بزند، مغرض است. ولی ممکن است همین شاعر خوب حرفی را در شعرش بگوید که من با آن مخالف باشم. می‌توانم و حق دارم آن را نقد کنم.

نبوی: نقد فرم و مفهوم کار شاملو یک بحث است و این که کسی بگوید این آدم چنین و چنان است چیز دیگری است... همان چیزی که آل‌ان رابیع است. عبدالجواد موسوی: اجازه بدهید، همین‌جا یک رفع اتهام از خود بکنم. من جزو‌ه‌ای دارم به نام «درباره احمد شاملو» که عده‌ای از طرفداران شاملو یک میلیون تومان پول گرفته و این را نوشته است و خیلی از حزب‌اللهی‌ها هم آمدند به ما گفتند موضع خودت را در قبال شاملو روشن نکردی و یا این که چرا ننوشتی شاملو فیلمفارسی نوشته و پول گرفته. تو ادعای مبارز بودن او را نوشی. اما نوشتی فلان جا با فرح عکس گرفته است. من هم گفتم خب، وضع مالی خوبی نداشته مجبور شده فیلمفارسی بنویسد. شاید اگر ما هم دچار مشکل معاش بشویم، کارهایی بکنیم که قبول نداشته باشیم. اگر ایشان ادعایی کرد جواب می‌دهیم.

نبوی: خب آل‌ان چنین جریانی اتفاق افتاده.

عبدالجواد موسوی: من چه کار کنم. من اصلاً موافق نیستم.

نبوی: قاعده‌ای در کشور ما وجود دارد که برخورد خشونت‌آمیز و سیاسی با فرهنگ است. این‌ها ناشی از چیست؟

عبدالجواد موسوی: با فرهنگ برخورد دوگانه شده است. شما می‌گویید خشونت، ممکن است منظور شما کتک زدن و شیشه خورد کردن باشد...

نبوی: من هر دو طرف را می‌گویم.

عبدالجواد موسوی: تیتزهای جهت‌دار زدن و خبر را جهت دار دادن هم خشونت است.

نبوی: اینها فرق می‌کند، قطعاً نهمت زدن و کتک زدن یکی نیست.

خشونت طلبان در این مملکت تا آنجا پیش رفتند که آدم کشتند.

عبدالجواد موسوی: گرچه ظاهر قضیه باهم فرق دارد اما باطن آن تفاوتی باهم ندارد.

نبوی: چطور باطن این دو جریان با هم فرق ندارد؟

عبدالجواد موسوی: در مورد کشتن حرف نمی‌زنم. لیجن مال کردن دیگران با تهمت‌هایی نظیر پول گرفتن از سربوین‌های جاسوسی با کار صبح امروز که در نقل صحبت‌های آقای نورق -من از ایشان دفاع نمی‌کنم، موضع من در مورد ایشان روشن است- در نمایشگاه کتاب که گفته بود برای رواج کتابخوانی باید کتاب‌ها را شیک چاپ کرد، توزیع خوب کرد و کتابخانه‌های عمومی را رونق داد، تیزر زده بود؛ ناطق‌نوری؛ برای گسترش کتابخوانی، کتاب را شیک چاپ کنید، حرفی ندارد.

نبوی: به نظر تو مسخره کردن یک آدم با کشتن یک آدم فرق ندارد؟ عبدالجواد موسوی: من بلا هم گفتم کشتن فرق دارد.

نبوی: مسخره کردن یک آدم با آتش زدن یک کتابفروشی فرق ندارد؟ عبدالجواد موسوی: من بلا هم گفتم کشتن فرق دارد. است، مثلاً آقای مهاجرانی می‌گوید من مطیع قانون هستم و هر جا خلاف قانون ببینم برخورد می‌کنم و می‌نویسم. ولی کتابی چاپ می‌شود به نام «خدایان دوشنبه‌ها می‌خندند» و طبق همین قانون نشر کتابی که خلاف عفت عمومی را رواج دهد، غیرقانونی است. وقتی این کتاب چاپ می‌شود این آقا چرا به این خلاف قانون معترض نمی‌شود ولی وقتی کتابفروشی آتش زده می‌شود، می‌گویند کار غیرقانونی است.

نبوی: می‌شود از این حرف نتیجه گرفت که هر وقت قانون به وسیله مجریان آن اجرا نشود، هر کسی می‌تواند آن را اجرا کند؟

عبدالجواد موسوی: نه، من چنین اعتقادی ندارم ولی برخورد دوگانه با قانون ممکن است، منجر به چنین اتفاقی بشود. چند سال پیش کسی به من گفت منجموع شعری از فریدون مشیری در دست چاپ است که مضامین آن ضدجنگ است و من می‌خواهم چاپ شود تا کسانی که اهل آتش زدن و شیشه شکنستن هستند را خبر کند. این اشعار بدهی که چنین کتابی را چاپ نکنند؛ در رقیم به جای این کار باید به این اشعار بدهی که چنین کتابی را چاپ نکنند؛ در ملذیر «نشر چشمه» صحبت کردم و گفتم این کار نکندیا با شعرهای ضدجنگ را از اتوی مجموعه در بیاورید، چون ماکه زندگیان با کتاب و نواز می‌گذرد دوست نداریم برای شما چنین اتفاقی بیافتد. وقتی گردن کلفتی که از صبح تا شب مال مردم را می‌خورد مورد تعرض قرار نمی‌گیرد، نمی‌خواهیم کسی که از راه کتاب فروشی و فرهنگ زندگی می‌کند لطمه بخورد. حتی آقایان گفتند آقای مشیری شاعر خوبی است. من هم گفتم اگر چنین کاری بکنید من خودم با گوینده چنین شعری مقابله می‌کنم و طاهرآ گفت وگرمی ما مؤثر بود و کتاب چاپ نشد. هم چاپ چنین کتابی اشتباه بود و هم آتش زدن کتابفروشی. نبوی: به این ترتیب هر چه شما با آن مخالف هستید نباید گفته شود یا چاپ شود.

عبدالجواد موسوی: نه، چنین چیزی نیست.

نبوی: آخر شما می‌گویید با گوینده و نویسنده چنین مضامینی مقابله می‌کنید.

عبدالجواد موسوی: آخر نظری که فحش وناسزا به کسانی باشد که برای حفظ دین و دفاع از کشور جنگیده‌اند، نظر است؟

نبوی: مگر شعر نبود؟

عبدالجواد موسوی: بله، شعر بود و من دیدم که چه ناسزا‌هایی نوشته شده بود.

نبوی: به آدم‌ها یا به جنگ.

عبدالجواد موسوی: هم به آدم‌ها و هم به جنگ. مگر طی این سال‌ها کم چنین حرف‌هایی زده شده است.

نبوی: فرق دارد کسی جنگ را نقد می‌کند و کس دیگری، آدم‌هایی را که جنگیده‌اند را نقد می‌کند.

عبدالجواد موسوی: به کلیت جنگ هم اهانت شده است.

نبوی: اگر کسی بگوید جنگ پدیده بدی است. به کلیت جنگ بد گفته آیا این هم اهانت به شماست؟

عبدالجواد موسوی: بله، جنگ چیز بدی است.

نبوی: اگر کسی درباره جنگ ایران و عراق چنین نظری بدهد و آن را عملی مضر و بیهوده بداند چه؟

عبدالجواد موسوی: باید اثبات کند. کسی که زمان جنگ در خارج بوده یا در ویلاش پنهان شده حق ندارد این جنگ را بپهوده بداند.

نبوی: یعنی هر کس با جنگ مخالف است در خارج زندگی می‌کرده یا توی ویلاش بوده است؟

عبدالجواد موسوی: من را در موضع کیهانی نینداز.

نبوی: آقای عزیز! کسی که در ایران و در یک خانه ۵۰ متری در مرکز شهر تهران هم زندگی می‌کرده ممکن است با جنگ مخالف باشد. این آدم حق دارد بگوید جنگ پدیده نفرت‌انگیزی است.

عبدالجواد موسوی:بله می‌تواند و حق دارد که بگوید.

نبوی: می‌تواند داستانی بنویسد که در آن جنگ را پدیده بدی بخواند.

عبدالجواد موسوی: تا زمانی که به کسی توهین نکرده می‌تواند.

نبوی: می‌تواند ادامه دادن جنگ را هم به خاطر بی نتیجه بودن آن مورد نقد و بررسی قراربدهد؟

عبدالجواد موسوی: باید چنین چیزی را ثابت کند، بحث کند مثل هر چیز دیگری که می‌توان راجع به آن بحث کرد.



این روزها (لااقل در مورد ایران خردمان) فمینیست بودن، شده ادا. به فمینیست های واقعی که موفرا نه بر باور خود هستند کاری ندارم، به آنان احترام می گذارم و گاه - فقط گاهی - که در صحبت ها به این نتیجه می رسم که مردها باید طرف ها را بشویند!، خودم را با آنان هم عقیده می بینم.

این روزها نقدفمینیستی هم مد شده . روزی نیست که داستان های کلاسیک استخوان دار ما را این بانوان به اصطلاح فمینیست، - نامردانه - نقد نکنند. ما هم برای آن که از غافله عقب نماییم، بر آن شدیم که نقدی بنویسیم بر یکی از کلاسیک ترین قصه ها (گفتم قصه و نه داستان؛ قابل توجه استادان محترم که بر سر استفاده از کلمه های «قصه» و «داستان» بحث دارند)؛ یعنی قصه «خاله سوسکه و آقا موش».

این را هم اضافه کنم که منظور من از «خاله سوسکه» فقط همان سوسکی است که با دیدنش سه متر از جا می پریم و جیغ خفه ای در گلو می کشیم و دنبال کشتی مردانه می گردیم (و نه زنانه!) و این خاله سوسکه را هیچ اشاره و تشبیه و تمثیل و استعاره و غیره ای به هیچ شخصی در این دنیا مربوط نمی کند.

جامعه ما جامعه ای مردسالار است؛ در خود هم ندارد. اصلاً از دیرباز همین طور بوده و هست. خب جامعه مردسالار هم بد است، آخ است! خوب نیست. چنانچه در ابتدای قصه نیز پیداست، در چنین جامعه مرد سالاری، پدران پیر، دخترانشان را صدامی کنند و می گویند ما دیگر پیر شده ایم و قادر نیستیم خرج خوراک و پوشاک و مسکن و مدرسه غیرانتفاعی و آژانس و موبایل شما را بدهیم، بهتر است بروید و برای خودتان شوهری پیدا کنید و خاله سوسکه های زجر دیده محنت کشیده تنها و بی کس سرزمین ما، که کسی قادر به درک دنیایشان نیست، به فکر چاره ای می افتند. آنان براساس تربیت مردسالارانه نمی دانند اگر شوهر نکنند، نمی میرند؛ دنیا هم به آخر نمی رسد؛ و نمی دانند یک عالمه کار در دنیا ریخته که می توانند با اشتغال به آن کارها، بی تکیه بر هیچ مردی، روی پای خودشان بایستند.

خلاصه، جانم برایتان بگوید که خاله سوسکه که غمگین و تنها به اتاقش می رود و مقابل آینه می ایستد و خودش را با لوازم آرایش «ایروشه» هفت قلم آرایش می کند و کت و دامن و دخت «ژیونشی» را بر تن می کند و به آژانس محل تلفن می کند و ماشینی کرایه می کند و به راه می افتد. خاله سوسکه بی آنکه خودش بداند، فمینیست است چون تصمیم گرفته شریک زندگی را خودش انتخاب کند و اجازه ندهد هیچ مردی درباره زندگی او تصمیم بگیرد و به عبارتی، اجازه ندهد انتخابش کنند، بلکه خودش انتخاب کننده باشد. او حتی مقاله هایی درباره تفاوت دنیای زنان و مردان می نویسد - و بین خودمان بماند وقتی یک بار سردبیر از او خواسته عکسش را بدهد کنار مقاله اش چاپ کند، عکس چهل سال پیش را داده است؛ عکسی که او را یک حوری بهشتی نشان می دهد - این هیچ تضادی با فمینیسم بودن او ندارد! - او حتی تقدیر نامه هایی هم بابت چاپ کتاب هایش دریافت کرده. خلاصه خاله سوسکه می رود و می رود تا به سوپری سر کوچه «آقای دریانی» می رسد. آقای دریانی به دلیل نداشتن درک صحیح از دنیای زنان، نمی داند با خاله سوسکه چگونه رفتار کند یا

حتی او را چگونه است که به او سوسکه کجا میری؟ می دهد: «خاله سوسکه کجا میری؟» من که از گل بهترم، آقای دریانی بی حوصله می پرسد: «خب چی بگم

آقایان وقت یا حوصله ندارند به حرف های خانم ها گوش کنند؛ آنان به جزئیات چگونگی رفتار با خانم ها واقف نیستند و نیازی هم نمی بینند که دنیای زنانه را درک کنند.

از آن جا که خاله سوسکه از مرد آینده اش انتظار احترام متقابل دارد، می گوید: «بگو خاله قزی، چادر بزدی، کش فرمی کجا میری؟» آقای دریانی یک بسته پنیر چدار به مشتری می دهد، پولش را می گیرد و در کشوی دخل می اندازد و بعد حوصله می گوید: «خیلی خب بابا، خاله قزی، چادر بزیدی، کش فرمی، کجا میری؟»

می بینید؟ ... این آقایان حتی هنگام خواستگاری هم، کارشان مهم تر است، بر خلاف خانم ها که آمادگی دارند شریک زندگی شان را بلافاصله پس از بله گفتن جایگزین خورد و خوراک و پوشاک و تحصیل و شغل و تجارت خود کنند، آقایان فقط درصدا کوچکی از دنیایشان را به خانم ها اختصاص می دهند.

خاله سوسکه بی خبر از دنیای خشن و بی احساس مردانه، با غرور می گوید: «می روم در همدان، شو کنم بر رمضان، نوں گندم بخورم منت بابا نکشم».

مطمئن باشید خاله سوسکه به فکر ازدواج هم نبوده، فقط این طور گفته تا کسی نفهمد فمینیست دو آتش است و خیال ازدواج ندارد.

آقای دریانی با تلی از امیال نفسانی و شیطانی به او می گوید: «خاله سوسکه عیال ما می شی؟» و خاله سوسکه مملو از احساسات پاک انسانی می گوید: «اگر زنت بشم، خدای نکرده روزی روزگاری، دعوایمان شد، مرا با چی می زنی؟»

او نگران از آینده است، خیال ازدواج نداشته، اما می داند در این دنیای آلوده، ازدواج هم راهی است برای زنده ماندن! او می داند دادگاه های خانوادگی بیشترین حق را برای آقایان قائلند و می داند برای زن بودنش قیمت گزافی را باید بپردازد. اصلاً خاله سوسکه بی آن که تجربه زندگی زناشویی داشته باشد، از پیش می داند اگر زن و شوهر دعوایشان شد، این مرد است که به خود حق می دهد زن را بزند، حالا انتخاب نوع وسیله تنبیه - به حق یا ناحق - به عهده خود مرد است و چنان است که آقای دریانی در جواب او که پرسیده «مرا با چی می زنی؟» بلافاصله جواب می دهد: «با همین سنگ ترازا!» می بینید؟ ... مردها اگر عصبانی بشوند - حالا به این کاری نداریم که حق با آنان هست یا نه - با اولین چیزی که دم دستشان است اقدام به کتک زدن و تنبیه و آزار و شکنجه و گاه کشتن زن می کنند. زنان بی گناهی که جایی برای پناه بردن ندارند و چنان است که خاله سوسکه

خاله سوسکه و فمینیسم



هراسان می گوید: «وای وای وای، نه نه نه، زنت نمی شم، اگر بشم کشته می شم.»

خاله سوسکه قصه ما خوب می دانست اختلاف فرهنگی و طبقاتی در زندگی زناشویی موجب پدیدار شدن اختلافات زناشویی می شود. او دعوای زناشویی را طبیعی می داست، اما در ضمن مطمئن بود با این آقای دریانی نمی شود زندگی کرد؛ و این گونه بود که رفت و رفت و رفت تا رسید به مغازه آقا قصابه.

آقا قصابه هم مانند آقای دریانی و دیگر مردان سرزمین مرد سالار ما، به دلیل نداشتن درک صحیح از دنیای زنانه، نمی داند با خاله سوسکه چگونه رفتار کند. برای همین است که او هم می گوید: «خاله سوسکه کجا می ری؟» و خاله سوسکه که به این بیگانگی ها اشناست، جواب می دهد: «خاله سوسکه و درد پدرم، من که از گل بهترم، من که تاج هر سرم.» و آقا قصابه بی حوصله تر از آقای دریانی می گوید: «پس چی بگم بابا؟» تازه این یکی لحن صحبتش هم کمی لاتی است! می بینید؟ ... انگار هیچ کدام از آقایان حوصله ندارند دنیای زنان را درک کنند.

وقتی خاله سوسکه می گوید: «بگو خاله قزی، چادر بزدی، کش فرمی، کجا می ری؟» آقا قصابه مقداری پوره پوره داخل چرخ گوشت می ریزد و دستگاه چرخ گوشت را روشن می کند و پس از آنکه گوشت ها را با دقت چرخ کرد - می بینید؟ یعنی درست پس از انجام کارهای خود- بی حوصله می گوید: «خیله خب بابا، خاله قزی، چادر بزدی، کش فرمی، کجا میری؟» بی داشتن درکی درست از دنیا و افکار خاله سوسکه، بی دانستن گذشته خاله سوسکه و بی آنکه دلیل مسافرت خاله سوسکه را بداند.

و این خاله سوسکه که تنها زن قصه ماست، می گوید: «می روم در همدان، شو کنم بر رمضان، نوں گندم بخورم منت بابا نکشم.»

و آقا قصابه بلافاصله می گوید: «خاله سوسکه عیال ما می شی؟» و خاله سوسکه بی خبر از دنیای شرور مردانه و در آرزوی مدینه فاضله زناشویی می گوید: «اگر زنت بشم، خدای نکرده روزی روزگاری، دعوایمان شد، مرا با چی می زنی؟»

آقا قصابه بلافاصله ساتورش را بالا می گرد و می گوید: «با این ساتورا!» خاله سوسکه از ترس جان و هراسان می گوید: «وای وای وای، نه نه نه، زنت نمی شم، اگر بشم، کشته می شم.»

خاله سوسکه زاهش را گرفت و رفت. رفت و رفت و رفت تا رسید به مغازه علاقه و از آن جا که حدس می زد علاقه هم مانند بقیه مردان است، بی آن که لحظه ای تأمل کند، از آن چادور شد؛ و رفت و رفت تا از شهر خارج شد. ناگهان دید کنار جاده سرکبه خاکی، آقا موشه ای نشسته. شب کلاه ترمه به سرش و لباس قلمکار به تنش. تا چشمش به خاله سوسکه افتاد، لبخند زد و گفت: «ای خاله قزی، چادر بزدی، کش فرمی کجا تشریف می برین؟»

خاله سوسکه جا می خورد، باور نمی کند مردی در این زمانه باشد که دنیای زنانه او را درک کند و بداند با خانم ها چگو نه باید رفتار کند؛ برای همین است که باناز می گوید: «می روم در همدان، شو کنم بر رمضان، نوں گندم بخورم منت بابا نکشم».

آقا موشه می گوید: «خاله قزی جان، جان جانان، ممکنه راه را نز دیک



آذر دخت بهرامی

کرده، لطف فرموده و تقاضای ازدواج مرا بپذیرد؟» خاله سوسکه فکر می کند خواب می بیند. خب حق هم دارد! با این حال می گوید: «اگر همسرت بشم، خدای نکرده روزی روزگاری، دعوایمان شد، مرا با چی می زنی؟»

آقا موشه می گوید: «چرا بزنت؟ نازت می کنم!» و خاله سوسکه بی خبر از چرخش چرخ گردون، با خوشحالی می گوید: «حالا که این طوره، زنت می شم.» باری عروسی خاله سوسکه و آقا موشه به مبارکی و میمنت سرگرفت. دیگ های پلو سر بار رفت و خورش ها و خوراک های رنگارنگ فراهم شد. هر چه سوسک و موش و جانور بود به عروسی دعوت شدند. مراسم در باغ مصفاپی برگزار شد و آخر شب، مهمان ها عروس و داماد را دست به دست دادند و به خانه هایشان رفتند. ***

ادامه این قصه تحریف شده و آن طور که مادران ما نقل کرده اند نیست. فکر نکنید زندگی شیرین می شود و از فرای عروسی آقا موشه سرکار می رود و خاله سوسکه مشغول خانه داری و پخت و پز می شود؛ نخیر. فکر هم نکنید وقتی که موقع لباس شستن پای خاله سوسکه لیز می خورد و کنار نهر می افتد، کسی پیدا می شود و یا همین آقا موشه خودمان می آید و هویجی را مانند پله دندانه دندانه می کند و می گذارد کنار نهر و خاله سوسکه را بغل می کند و می آورد خانه و دکتر بالای سرش می آورد و بعد هم برایش شوربا می پزد. فکر نکنید این آقا موشه هم مالی بوده؛ نخیر. او زرنگ تر از این بود که خصوصیات منفی ذاتی خود را قبل از ازدواج بروز دهد. او هم مانند همه مردان دیگر از فرای عروسی شروع به بهانه گیری کرد، بعد معلوم شد معتاد است، بعد هم دیگر سر کار نرفت. خانه ماندن همان و بالا گرفتن دعوای زناشویی همان. فشارهای عصبی بیکاری و بی پولی یک طرف و فشارهای روانی صاحبخانه یک طرف؛ بچه دار نشدنشان هم قوز بالای قوز. این وسط آقا موشه حاضر نبود دکتر هم برود، چون معتقد بود تقصیر از خاله سوسکه است و در مردانگی او نباید شکي کرد! دیگر تشریح حالات روحی خاله سوسکه چه

و تحمل او چقدر نباید داشتق. وورش با سلیی زان خود می داندن من چه این ها، بعد از تحمل همه وقتی یک بار خاله سوسکه بود، به نظرم قانعاریا

هم نفرم، پس از چهل شب تب سی و نه درجه و پس از آن که دکتر چهل بار خوردن آش را برای درمان خاله سوسکه ضروری اعلام کرد، بالاخره آقا موشه تصمیم گرفت آشی پزد - قبل از آن زن های همسایه چندبار برای خاله سوسکه آش پخته و آورده بودند، اما آقا موشه خودش همه آش را در آشپز خانه خورده بود- آقا موشه دیگ آش را بار گذاشت و بشلم و هویج و سیب زمینی و پیاز را خرد کرد و ریخت توی آش. اما تا خواست آش را هم بزند، افتاد توی دیگ. نه بیخود دلتان نسوزد، از بس کار نکرده بود؛ و گوشه خانه پای منتقل نشسته بود، نا نداشت یک قابلمه دو نفره را هم بزند! خاله سوسکه هم هر چه آقا موشه را صدا کرد؛ طبق معمول جوابی نیامد.

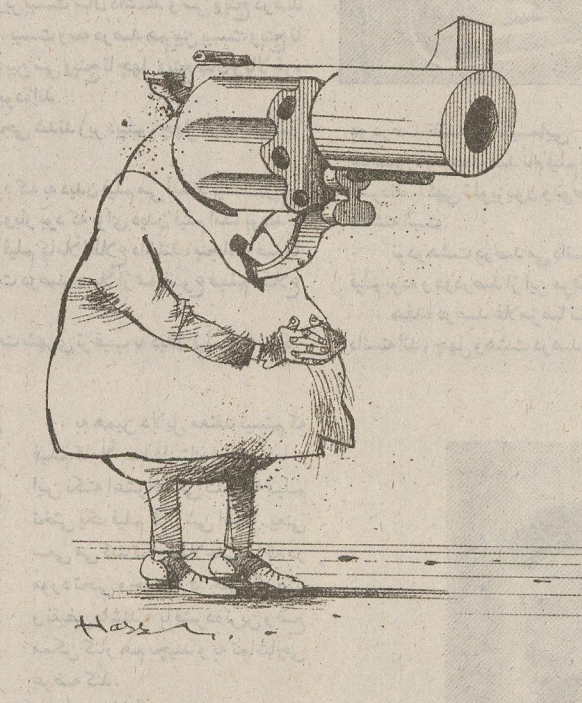
دو سه روزی گذشت. خاله سوسکه به این گونه مراقبت آقا موشه عادت داشت - این که آقا موشه سه روز در خانه باشد و به او سر هم نزند!- اما بالاخره روز چهارم خاله سوسکه از ضعف و گرسنگی به فکر چاره افتاد. به سختی از تخت پایین آمد و رفت آشپز خانه.

چشمتان روز بد نبود! دید آقا موشه در آش افتاده و پخته. زد توی سر خودش و شروع به فغان و شیون کرد. آن قدر گریه و زاری کرد تا بیهوش شد. من نمی دامن از دست دادن همچین شوهری شیون و فغان و زاری کردن دارد؟!

بالاخره همسایه ها خبردار شدند و آمدند گلاب به صورتش زدند و مشت و مالش دادند تا به هوش آمد. حدس بزنید با آن حال و روزش، پس از تحمل آن همه سختی، پس از به هوش آمدنش اولین حرفی که زد چه بود؟ بالحن غم انگیز گفت: «بعد از آقا موشه دیگه زندگی به چه درد من می خوره؟» و تا سه هفته شب و روز اشک ریخت و خون جگر خورد و از همان روز به بعد، دیگر خاله سوسکه لباس سیاه را از تن درنیاورد.

به یاد و خاطره عشق آقا موشه و خاله سوسکه است که هنوز همه سوسک ها سیاهبوشند.

این هم حمایقی دیگر! ... چرا آقا موشه ها سیاهبوش نیستند و فقط خاله سوسک ها سیاهبوشند؟! ... تازه کدام عشق و کدام خاطره؟! ... اصلاً این قصه تحریف شده دیگر احتیاجی به نقد ندارد!



سیدابراهیم نبوی

جوابیه سرگشاده

عمران صلاحی شاید از شیرین ترین طنز سرایان و طنزنویسان این مرزوبوم است. شبی برای فراهم آوردن کتاب شعری از اشعار طنز بیست ساله اخیر نزد او رتم؛ شعری به من داد درباره اوضاع طنز در زمانه ما. طاهر! این شعر جوابیه شاعرانه اوست به شاعری در خارج از ایران.

در پاسخ یک نامه

«مدتی این مثنوی تأخیر شد»
یا فلائی دوست را از یاد برد
غم شده سنجاق در پرونده ات
خنده هایت را حسابی برده باد
بر کشیدی از چه رو زپ دهان
کرده ای کم خنده رزانه را
نامه من باز قدری دیر شد
فکر کردی نامه ات را یاد برد
گفته ای شل گشته پیچ خنده ات
نیست در مکتوب تو آن لحن شاد
طنز خود را در کجا کردی نهان
کرده ای کم خنده رزانه را
نامه ات خالی ست از شادی و شور
راست گفتی شعر من غمگین شده
روی دیواری اگر ببیند چاک
روی شاخه گر بخندد یک انار
بخیه کشتم اگر خندان شود
گر بخندد لحظه ای یک دری
طنز گویان خنده سازی می کنند
گر بخندی از تل قاهه قاهه
گر بخندی، عامل بیگانه ای
گر بخندی لحظه ای، حتی به خویش
گویدت منظور تو من بوده ام
گفته ای دیوار تا در بشنود
حرف خود را سخت وارو گفته ای
گفته ای می چرخ اند این چرخ فلک
خافلند این عده از جادوی طنز
پسته زیر سنگ خندان می شود
طنز را علت خود آنان شدند
چهره هاشان بوج و بی معنا و لوس
خنده را جارو کنند از روی لب
جام جم را گفت باید جام غم
های های گریه پیدا می شود
من برانم تا بخندم قاهه قاهه
«خنده بر هر دردی درمان دواست»
خنده هایت را به ریش بنده کن
گل فشانند خنده حتی در خزان
کام تو شیرین تر از قنداق شادا
جای خود را قندپهلوی می خوریم
تا که ساز خنده را سازیم کوک
ساز خود بر سیم آخر می زنیم
ما نمی گنجیم دیگر نوی پوست
واقعاً حالی به حالی می شویم
غصه و اندوه را ول می کنیم
بچه ها را یک به یک از ما سلام
می کند خواننده را کم کم ملول
بیش از این عرض ندانم و السلام

عمران صلاحی - تهران - ۷۶/۷/۵

پرسش هفته

شهرام شکبیا
شما یک جوان ۲۰ ساله بیکار، بی سواد و ناراحت هستید و مدتی است دوست دارید هر کاری دلتان می خواهد بکنید. در این حالت چه می کنید؟
۱- هیچ چیز نمی بینم
۲- هیچ چیز نمی بینم
۳- هیچ چیز نمی بینم
۴- هیچ چیز نمی بینم
۵- هیچ چیز نمی بینم
۶- هیچ چیز نمی بینم
۷- هیچ چیز نمی بینم
۸- هیچ چیز نمی بینم
۹- هیچ چیز نمی بینم
۱۰- هیچ چیز نمی بینم

لطفاً اصلاح بفرمایید

بهاالدین خرمشاهی، شاعر و ادیب اهل ذوق، پس از انتشار یک دوبیتی از او در صفحه ۱۱ روزنامه نشاط، روز پنج شنبه ۱۷ تیرماه، اعلام کرد که چون انتشار آن دوبیتی موجب رنجش هایی شده است، آن را تصحیح می کند. نامه خرمشاهی را می خوانید. سردبیر نشریه نشاط با سلام، یک طنز و شوخی که شما در شماره پنج شنبه ۱۷ تیرماه به چاپ رسانیدید، مایه سوءتفاهم و گلابه عزیزی شد. بنده به آقای کسری حاج سید جوادی به عنوان شاعر و اهل قلم و مسئول نشریه کلک احترام می گذارم؛ اگر چه توفیق دیدار بهاالدین خرمشاهی ایشان را نداشته ام. اما ارج و اجر فرهنگی ایشان محفوظ است. ولی هرگز تصور نمی کردم روزی از شوخی من برنجد. لابد بنده در آن شعر به تمام اهل قلم و بخارا که ارگان بی بخارا شناخته شده اهانت کردم. لطفاً آن شعر را به این ترتیب اصلاح بفرمایید:
چو کلک راه دگر رفت و نوگر گردید
جناب دهیاشی عازم بخارا شد
تمام اهل قلم نیز از پیش رفتند
بدین مناسبت ارگان بی بخارا شد
با تشکر و اعتذار
بهاالدین خرمشاهی

- میزان پیشرفت اقتصادی - اجتماعی یک جامعه با تعداد شاعران و فیلسوفان آن جامعه نسبت عکس دارد.
- تئوریسین های فاشیسم نهایتاً دموکراتند ولی سربازان دموکراسی معمولاً فاشیست هستند.
- پیروزی و شرافت معمولاً تضاد دارند.
- ابتدال در ذات بشر است؛ به سلیقه هنری کوکداند دقت کنید!
- کسانی که در مورد هر اقدامی زیاد فکر می کنند معمولاً خراجت اقدام کردن ندارند.
- آدمهای خیری که انگیزه اقتصادی ندارند، یا احمق اند یا فوق العاده باهوش یا ریاکار.
- علت دفاع از اعتقاداتمان معمولاً دلسوزی برای زمانی است که صرف به دست آوردن آن اعتقادات کرده ایم.
- بیرمردها تازه وقتی دندان مصنوعی گذاشتند می فهمند که قدیم ها غذا خوشمزه تر بود.
- روابط عاطفی آدمها معمولاً در دیوانگی هایشان شکل می گیرد، نه در روابط معقول آنها.
- عمر ما در هراس خطراتی از دست می رود که هرگز اتفاق نمی افتد.

و انگاره خواهش ناخودآگاه فراسوی حدود هوسرول مرلویپوتی حرکت کند. *

از آنجا که تقلیل «به» امر دریافتنی *

این امر گسترش یک زیبایی شناسی «مجازی» درباره زیبایی «نامفید» و «وحشی» را چنانکه هنرمردن پیشنهاد کرده تسهیل می کند. *

در ساختن سخن از ناخودآگاه انرژی آزاد می شود.

آرای لیونار

نقطه عزیمت لیونار در اندیشه همچون بسیاری از فیلسوفان

فرانسوی

به ویژه دریدا

فوکو

لوفور

ولونیاس

پدیدار شناسی بود

» *

او در کتاب «سخن، مجاز»

کوشش می کند

تا ناظر به فروید

تختی، بهروز افخمی، یک گفت‌وگو

روزگار فرسوده و تردید در باور پهلوان واقعی

سینما

● انگار برای شما ادامه دادن فیلم‌های نیمه‌کاره دیگران مرسوم شده است. کوچک جنگلی، روز فرشته و جهان پهلوان تختی. آیا این‌ها بر خورد حرفه‌ای با سینما است یا یک اتفاق؟

– برخورد حرفه‌ای که هست. یعنی از جمله اتفاقاتی است که در شکل تولید حرفه‌ای فیلم می‌افتد. در دو مورد اول یعنی کوچک جنگلی و روز فرشته در واقع من تهیه‌کننده بودم. اما در مورد تختی تفاوت در این بود که تهیه‌کننده فیلم از من خواست که ساخت فیلم را ادامه دهم. که بار اول این پیشنهاد را رد کردم و بعد از گذشت دوماه از مرگ مرحوم حاتمی، زمانی که من برای اولین بار فیلمی را نیمه‌کاره گذاشته بودم [فیلم عقیق به ساخته نیمه تمام بهروز افخمی] دوباره با این پیشنهاد مواجه شدم. در آن موقع بود که به دلیل آن که کاری در دست نداشتم و علاقه داشتم چیزی از یادگار علی حاتمی باقی بماند، این پیشنهاد را قبول کردم.

● البته فیلم شما هیچ گونه قربانی با فیلم حاتمی و به‌طور کلی با سینمای حاتمی ندارد.

– صحبت درباره این پدیده به‌طور کلی سخت است و وقتی هم قرار باشد که خودم در این باره صحبت کنم، سخت‌تر می‌شود. من درباره فیلم خودم نمی‌توانم قضاوتی کنم. چرا که فیلم را از بیرون نمی‌بینم. با فیلم مخلوط شده‌ام و در آن گم هستم. به همین دلیل نمی‌توانم قاضی خوبی باشم و در عین حال می‌دانم که موضوع سخت‌تر از آن است که بشود درباره آن قضاوت کرد. فقط این را می‌توانم بگویم که فکر می‌کنم علی حاتمی در بهترین فیلم‌هایی که ساخت به خوبی درک نشد و نوع فیلمسازی که او می‌کرد و نوع سینمایی که سعی داشت به آن دست یابد، پیچیده‌تر از آن است که در ظاهر به نظر می‌رسد.

به هر حال، این دو فیلم – یعنی فیلمی که من ساختم و فیلمی که قرار بود مرحوم حاتمی بسازد – در یک سطحی شباهت‌هایی به هم دارند. در عین حال، از نظر شکل ظاهری خیلی متفاوت به نظر می‌رسند. باید پرسش را به گونه دیگری مطرح کنم. منظور من از برخورد حرفه‌ای چیزی مترادف با رفتار استودیویی است. یعنی کارگردان فقط به عنوان یک جز از فیلم در مواردی تغییر می‌کند. ولی این تغییر باعث تغییر کلیت اثر نمی‌شود. یعنی همان اتفاقی که درباره کوچک جنگلی افتاد.

درست است. من الان متوجه منظور شما شدم، ولی این را نمی‌شد ندیده گرفت که مرگ علی حاتمی، صورت مسئله را عوض کرده است. این را من بعد از مدتی فهمیدم. وقتی شروع کردم تا فیلمی را شبیه فیلم علی حاتمی (یا آن چیزی را که او قصد داشت بسازد) ارزیابی کنم، متوجه شدم اگر حالا علی حاتمی در وجود من هم حلول کند نمی‌توانم چیزی را که او می‌خواست بسازد، بسازم، چرا که مرگ او صورت مسئله را عوض کرده بود. این تغییر صورت مسئله باعث شد که من فکر کنم اگر سناریوی کاملی هم وجود داشت و اگر فیلمسازی من هم نزدیک به علی حاتمی بود، باز هم نمی‌توانستم این فیلم را براساس آن سناریو کامل تمام کنم و انتظار داشتم باشم تماشاچی بتواند با فیلم ارتباط برقرار کند. چرا که تماشاچی این فیلم آگاه و هوشیار به مرگ کارگردان در نیمه‌راه بود. به این تماشاچی نمی‌توان فیلمی معمولی را ارائه کرد. در واقع باید به او رودست زد و گفت تو که می‌دانی این فیلم نیمه‌کاره مانده است و حالا ما هم نمی‌خواهیم آن را تمام کنیم. می‌خواهم فیلمی درباره نصفه ماندن این فیلم بسازم.

● یکی از دوستان منتقد به این نکته اشاره داشت که فیلم تختی اساساً یک فیلم ضد داستان است. با این تفاوت که این ضد داستان بودن آن، به سیمتای ضدداستان اروپا نزدیک نیست و در واقع تختی مشابه فیلم‌های ضدداستان آمریکایی است. در حالی که فیلم‌های حاتمی اصولاً فیلم‌هایی بر پستر داستان هستند. با این نظر موافقتی؟

اشاره بنا است که در این صفحه در کنار طرح دیدگاه‌های شخصی درباره سینما و فیلم‌های روی پرده، یک بررسی چندسویه هم از فیلم‌ها را بخوایند. چاپ کردن نقد و تحلیل‌هایی از نویسندگان مختلف و گفت‌وگو با صاحب اثر از سویی و ارزیابی برخورد مخاطبان اصلی سینما با فیلم‌های درحال نمایش از سوی دیگر، برای شناخت و بررسی تأثیر فیلم بر جامعه‌بسترهایی است که از آن طریق می‌توان به نظری جامع‌تر رسید.

از این رو در این شماره در کنار گفت‌وگو با کارگردان فیلم تختی، نظر سنجی فشرده‌ای را از بینندگان فیلم کردیم. این نظر سنجی در سینما سروش و بین تعدادی از علاقه‌مندان سینما که در جلسات مختلف خانه سینما حضور می‌یابند صورت گرفته است.

سی‌وسه درصد کسانی که درمورد فیلم تختی نظر سنجی شدند زن و شصت و هفت درصد مرد بوده‌اند.

بیست و پنج درصد افراد سن زیر بیست سال داشتند و سی و پنج درصد بین بیست تا بیست و پنج سال بودند. بیست و سه درصد هم بین بیست و پنج تا سی و پنج سال سن داشتند و ده درصد بین سی و پنج تا چهل و پنج سال و بالاخره هفت درصد بالای چهل و پنج سال بوده‌اند.

پانزده درصد کسانی که نظر سنجی شدند زیر دیلم، چهل درصد دیلم، چهل و پنج درصد دیلم بودند.

شصت و پنج درصد بار اول بود که به دیدن فیلم می‌آمدند بیست و پنج درصد بار دوم و ده درصد بیشتر از دوبار بود که برای دیدن فیلم آمده بودند. سی و هشت درصد از موضوع فیلم کاملاً اطلاع داشتند، پنجاه درصد تا حدودی، پنج درصد کمی و هفت درصد اصلاً از موضوع فیلم اطلاع نداشته‌اند.

سه درصد از بینندگان را تبلیغات شهری ترغیب به دیدن فیلم کرده بود.

– این رویکرد با تصمیم قبلی شکل گرفت. من احساس کردم اگر فیلم کاملاً ضدداستان است. اما به سبک فیلمنامه‌ای طرح داستانی قبلی بروم از پیش کاملاً بنابر این به راه‌های متفاوت فکر کردم. این فکر که از ابتدای فیلم برای تماشاچی دست خود را رو کنیم و بگویم ما می‌دانیم که تو می‌دانی این فیلم نیمه‌کاره مانده است، خودبه‌خود ما را به سمتی کشاند که فکر کنیم برای این شکل چقدر می‌توان داستان پیدا کرد.

بنابراین من این تعبیر کاملاً «ضدداستانی» بودن فیلم را نمی‌توانم قبول کنم. یعنی می‌توان این تعبیر را ارائه داد که در این فیلم، به گونه‌ای خط داستانی جدی گرفته نشده است و بیشتر توجه به این نکته است که تماشاچی می‌داند این داستان کاملاً ضدداستان اروپا درآورده‌ایم. به این معنا که به تماشاچی دائماً تذکر داده می‌شود که دارد «فیلم» می‌بیند و از این جهت او نمی‌تواند داستان را کاملاً جدی بگیرد.

به همین دلایل معتقد نیستم که فیلم کاملاً ضدداستان است. اما به این نکته اعتراف می‌کنم که فیلم تختی یک فیلم گزارشی است. یعنی سعی می‌کند تمام اطلاعاتی را که در مورد تختی وجود دارد. حتی اگر ضد واقعیت باشند – با فشرده‌ترین وضع ممکن کنار هم بچیند و به تماشاچی عرضه کند.

● حالا اگر وجود خط داستان در فیلم معتقد شویم، احساس می‌شود که عنصر اصلی آن «تردید» است. برجستگی این عنصر از جانب شما به خاطر باور شخصی پس از تحقیقات در موضوع بود یا فقط افزودن بر جذابیت فیلم؟

– فکر می‌کنم از خود فیلم معلوم است، کسی که فیلم را می‌سازد فکر می‌کند تختی را کشه‌اند. اما از دیدن خود فیلم این احساس پیدا می‌شود که من خیلی اصرار ندارم این عقیده را تحمیل کنم. در حقیقت شاید از خود فیلم بر بیاید که موضوع فیلم چیز دیگری است. موضوع فیلم اصرار بر این ندارد که تختی را کشته‌اند یا

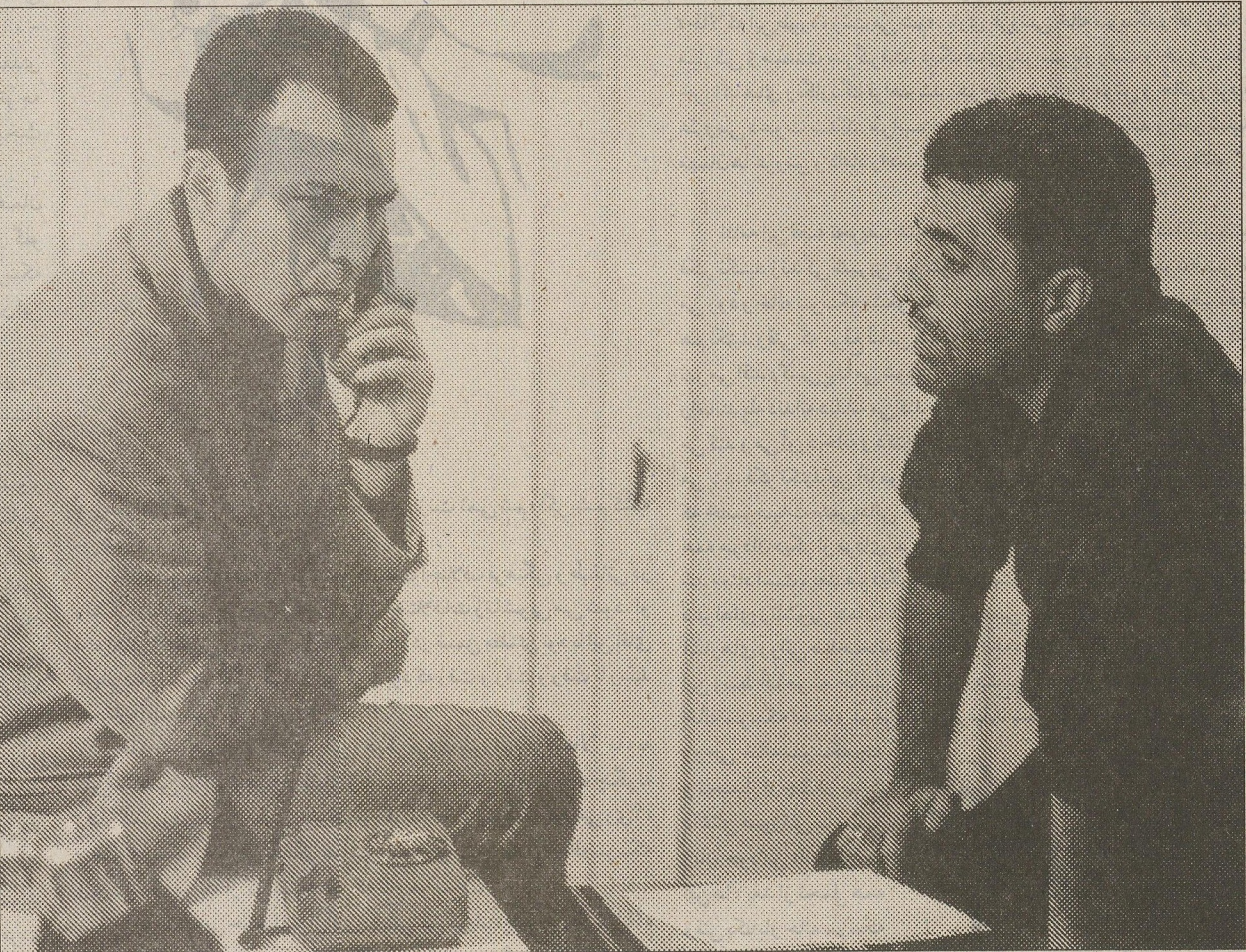
یک نظر سنجی و چند عقیده

پهلوانان نمی‌میرند



دو درصد نقدهای سینمایی – مطبوعاتی، پنجاه و هشت درصد انگیزه شخصی، پانزده درصد نام فیلم و بیست و دو درصد هم دلیل خاصی را مطرح نکردند. آگهی تلویزیون و توصیه‌آشنایان هم اثری در ترغیب تماشاگران نداشته است.

نود و هشت درصد می‌دانسته‌اند که مرحوم علی حاتمی کارگردان اول فیلم بوده و دودرصد از این موضوع اطلاعی نداشته‌اند. هفده درصد غلامرضا تختی فیلم را با تصورشان کاملاً همخوان دانسته‌اند، چهل و هشت درصد تا حدودی، دوازده درصد کمی و بیست و سه



اشاره

بهروز افخمی در دوران فیلمسازی خود همواره خبرساز بوده است. البته نمی‌از این هیاهو برای فیلم‌های اوست و نیم دیگر به خاطر شخصیت فردی و حضور مداوم او در جریان‌های مختلف سیاسی و اجتماعی.

از اولین بار که نام او به عنوان کارگردان مجموعه «کوچک جنگلی» مطرح شد – او جانشین ناصر تقوایی برای کارگردانی این مجموعه بود – تا روزی که ساخته نیمه‌کاره مانده حاتمی را به او سپردند، افخمی مورد توجه افکار عمومی بود. به هر حال افخمی متعلق به نسل فیلمسازان بعد از انقلاب است که در باطن خود باورهای مذهبی دارند. با این شناخت بود که وقتی «عروس» افخمی بر روی پرده رفت، بازهم نگاه‌ها به او متمرکز شد. چرا که او نخستین کسی بود که با رویکردی متفاوت، بازیگرانی جوان (و البته خوش‌چهره و گیشه‌پسند) را به سینما آورد و در فیلم خود به بازی گرفت. چرا که می‌خواست براساس تفکر سینمای تجاری فیلمسازی کند. اما این تفکر از جانب او بر تمرکز بر خوش ساخت بودن و استفاده صحیح از عناصر سینما برای جلب تماشاچی استوار بود؛ رویکردی که افخمی مقتدرانه و بدون کوچکترین شرمندگی – از آن گونه که می‌تواند هنرمندی را غیر روشنفکر معرفی کند – هنوز بر آن پافشاری می‌کند. شاید بهترین تصویر را افخمی از خود در «تختی» و در قالب کارگردان فیلم به نمایش گذاشته باشد؛ کسی که فقط با ادعای حرفه‌ای بودن در سینما ساخت فیلمی نیمه‌کاره را از کارگردانی صاحب‌نام می‌پذیرد. در حالی که انجام آن مخاطرات فراوانی دارد.

گفت‌وگوی ما با افخمی هم بر این مبنا است. سعی کردیم کمتر حاشیه‌رویم و به خود فیلم، درونمایه و ساختار آن بپردازیم. این گفت‌وگو در روزهایی انجام شد که واقعه کوی دانشگاه روی داده بود و تأثیرهای آن را بر جامعه می‌شد دید. در همین روزها بود که افخمی پس از گفت‌وگو با نشریه «جبهه» خواستار موضع‌گیری آن لطیف در مورد وقایع اخیر شده بود. در اثر این رویدادها بود که ما هم در گفت‌وگو با افخمی بخشی را به مسائل سیاسی – اجتماعی جاری اختصاص دادیم.

البته آنچه می‌خوانید آن بخش از گفت‌وگو است که فقط اختصاص به فیلم تختی دارد و مابقی می‌ماند بری بعد.

گروه ادب و هنر

درصد آن را اصلاً همخوان ندانسته‌اند.

هفده درصد کسانی که نظر سنجی شده‌اند معتقدند تختی خودش زهر را خورده، چهل درصد عقیده دارند زهر را به او خورانده‌اند، بیست درصد نمی‌دانسته‌اند و بیست و سه درصد نظری نداشته‌اند.

نظر‌ها

خواسته بودیم تماشاگران در یک جمله نظرشان را درباره فیلم بنویسند، چندنفر چنین پاسخ دادند. این فیلم در کارنامه افخمی کار نسبتاً خوبی است و تقریباً چند بعدی به قضیه نگاه کرده، دآوری و قضاوت را بیشتر برعهده تماشاگر گذاشته است.

کارگردان به بهانه شخصیت تختی فیلم بی‌ارزشی را به بیننده تحمیل کرده است، انتخاب بازیگران، صرفاً جهت فروش بیشتر بوده و قطعاً روح تختی با این فیلم آزرده گشته است، هدف پادی از تختی بوده یا زوم کردن روی فیگورهای خاتم هرنریشه؟

فیلم تختی نشان داد که نسل ما از وقایع معاصر خودش هیچ‌سندی ندارد. فیلم در حد اسطوره تختی نبود.

یکی از بهترین فیلم‌های معمولی سینمای ایران و بهترین فیلم بهروز افخمی.

فیلم اصلاً ربطی به حاتمی ندارد و فقط از اسم آن سوءاستفاده شده است. ای کاش تختی با کارگردان دیگری ساخته می‌شد یا اصلاً ساخته نمی‌شد. بهروز افخمی توانسته بود کار آقای حاتمی را ادامه دهد، بهتر از این نمی‌شد.

تخریب کار تاریخی استاد حاتمی و تبدیل آن به یک فیلم پلیسی. پهلوانان نمی‌میرند؟

فیلم در کل اثری جذاب و کاملاً سینمایی است اما اگر قرار باشد ادامه جهان پهلوان مرحوم حاتمی باشد کاملاً مزخرف است!

من می‌خواهم پست مدرن باشم، اما بلد نیستم.

خودکشی کرد؛ با وجود این که در این

موارد هم اطلاعات زیادی ارائه

می‌شود. بلکه موضوع این است که اساساً با مضمون پهلوانی در دنیای امروز و ایران امروز در سال ۷۷، چه نسبتی داریم؟ اصلاً پهلوان به درد ما می‌خورد؟ من فکر می‌کنم که این برای ما نکته اصلی بوده است. دقیقاً همان جمله بورخس که می‌گوید: «روزگار فرسوده ما نمی‌تواند طعم غریب پهلوانی واقعی را بدون تردید و سوءظن باور کند». یعنی ما الان در دنیایی نیستیم که پهلوان‌ها بتوانند در آن واقعیت داشته باشند. یعنی وقتی در عالمی دارید زندگی می‌کنید که مفهوم پهلوانی به معنای واقعی –

یعنی آن چیزی که انتظار می‌رود کی پهلوان باشد، نه آن چیزی که معمولاً در تاریخ بوده است – دیگر جایگاهی ندارد، آن وقت نگاه کردن به یک پهلوان قدیمی خیلی مشکل می‌شود و او در هاله‌ای از ابهام فرو می‌رود. بنابراین وقتی ما به فردی که یکی از معدود پهلوانان تاریخ بر از ناچونمردی پهلوانی ایران است نگاه می‌کنیم، نگاه ما با سوءظن همراه

است. تختی آیا واقعاً آدمی بوده که خصوصیات افسانه‌ای پوریای ولی را تا حدی داشته است؟ یا این که به دلیل مناسبات چهره و رفتار و سرانجام مرگ او تبدیل به یک تمثال شده است؟ این سوءظن بازتاب زندگی در عالمی است که عقل بر همه جوانب آن حاکم شده و از این رو است که به مرگ تختی شک‌آلود می‌نگرد. عالم ما عالمی است که به پهلوانی با دید انتقادی نگاه می‌کند.

● یا این دیدگاه شما محتوای فیلم را بر گزیدید. حالا برای این محتوا به ساختار ویژه‌ای فکر می‌کردید یا خیر؟

– فیلمنامه این فیلم، در هنگام ساخت فیلم نوشته می‌شد. به همین دلیل من می‌توانستم نسبت به حوادثی که پیش‌پس می‌آمد، عکس‌العمل نشان دهم. همان‌گونه که نسبت به بازی ایران و استرالیا عکس‌العمل نشان دادم و آن را در فیلم منعکس کردم. پس این گونه نبود که فیلمنامه کاملی وجود داشت و به قول شما به ساختار فکر کرده

امیر حسین رسائل

باشم. همه چیز به تدریج شکل می‌گرفت اما فکر می‌کنم که در روند کار سعی داشتم به شکلی فشرده‌تر و تمیز و دقیق برسم. فکر می‌کنم عکس اول هر فیلمی خیلی مهم است و اگر خوب باشد، می‌تواند تمام مفهوم فیلم را خلاصه کند. عکس اول این فیلم یک زنگ کوچک تزئینی بالای در ورودی کافه است. زنگی که خیلی شبیه زنگ زورخانه است و برای ورود یک پهلوان آن را به صدا در می‌آورند. این زنگ با مفهوم پهلوانی به نوعی شوخی می‌کند.

تمام سعی من در طول ساخت فیلم این بود تا به آن جا برسیم که این مضمون قرار (مفهوم پهلوانی و این که از یک موضع عاقل داریم به مضمونی نگاه می‌کنیم که مربوط به عالمی دیگر است) در فیلم در بیاید. البته با اشاره و غیرمستقیم. چرا که فیلم خوب سعی نمی‌کند به‌طور مستقیم و شعارگونه مفهوم را انتقال دهد. بلکه سعی می‌کند با گشتن در اتمسفر موضوع آن را غیر مستقیم بیان کند.

● حالا پس از ساخته شدن فیلم، فکر می‌کنید بازیگرانی را که انتخاب کردید، گزینش درخوری هستند. بخصوص کسی که قرار است نقش کارگردانی را بازی کند که ادامه‌دهنده یک فیلم نیمه‌کاره است؟

– بازیگرانی که در فیلم بازی کردند، قبول کردند بدون خواندن سناریو به یک فیلم بازی کنند.

پیش از این من خیلی میل داشتم و دنبال فرصتی می‌گشتم که با فریزر عرب نیا کار کنم. اما در آن شرایط این عرب نیا بود که ریسک کرد و برای بازی کردن در یک فیلم که معلوم نیست چه چیزی از آب در بیاید قرارداد بست. این حرفی که می‌زدید از موضع آدمی که فیلم تمام شده را نگاه می‌کند، شاید درست باشد. ولی توجه داشته باشید که آن موقع ما سناریویی نداشتیم. ما براساس کسانی که حاضر بودند این کار را بکنند و از نظر ما هم یک مناسبت عمومی داشته باشند، کار را شروع کردیم.

● پس به نظر شما بازیگر کنونی فیلم مناسبت عمومی را برای تصویر کردن کارگردان یک فیلم ناتمام با خصوصیات خاصی که باید داشته باشد دارد؟

– اگر به فریزر عرب نیا اشاره داری فکر می‌کنم الان هم بخوام فیلم را بسازم از میان بازیگران جوان و مشهور که قابلیت جذب تماشاچی را هم دارند، باز هم او را انتخاب خواهم کرد. حالا شما بگویید کسی دیگری را در نظر دارید؟ البته باید توجه کنید که ما در شرایطی بودیم که باید فیلم را می‌ساختیم و موقعیت حرفه‌ای این اجازه را نمی‌داد که صبر کنیم تا شخص ایده‌آل پیدا شود.

● این نظر شما کاملاً درست است. ولی در این روی سکه هم بیننده خوانان یک فیلم کامل است. شاید جور دیگری – البته به طنز – بتوان این موضوع را تصویر کرد. این موقعیت مشابه زمانی است که شما منتظر گرفتن پول خود از راننده تاکسی هستید و او به شما بلیت اتوبوس می‌دهد و می‌گوید پول خرد ندارم. خوب این مشکل اوست چرا که باید وظیفه خود را انجام دهد.

– من که دارم می‌گویم اگر بخوام باز این فیلم را بسازم فریزر عرب نیا را انتخاب می‌کنم. ولی این سؤال را دارم که انتخاب شما برای این نقش کیست؟ شاید من هم آن گاه با نظر تو موافق باشم. اما به این معنا هم نیست که من بگویم فیلم بی‌نقص است

● حالا پس از ساخته شدن فیلم، با رویه نوشتن فیلمنامه هم زمان چقدر ارتباط برقرار می‌کنید؟ – این شکل که در دیدن شرایط لحظه به لحظه فیلمنامه نوشته شود، بهترین شکل است ولی خیلی گران تمام می‌شود. نمونه همین فیلم تختی به لحاظ برنامه ریزی دائم دچار تغییر می‌شد. چرا که برنامه ریز بیشتر از ۱۰ صفحه فیلمنامه برای برنامه‌ریزی دراختیار نداشت. این روش مشابهت‌هایی را با نوشتن رمان یا نقاشی کردن دارد. از لحاظ هنری ولی از نظر صنعتی یک تولید از هم پاشیده و گرفتار هرج و مرج می‌شود.

پیف پاف

آرامش در خواب با قرص حشره کش پیف پاف

... باز هم خبرهای خوب شرکت شیمی قهرمان برای شما!

و اینک افرادی که جوایز خود را در این هفته دریافت کرده اند ...

جعفر حسینی فرزند عباس ساکن خیابان ستارخان - تهران

فاطمه نجفی فرزند روح الله ساکن خیابان خوش - تهران

هوشنگ احمدی فرزند محسن ساکن خیابان آیت الله کاشانی سازمان آب برنده هفتاد هزار ریال وجه نقد

فرهاد محسنی فرزند جواد ساکن سرآسیاب - کرج

رضا آداه ای فرزند ارباب ساکن شهرآرا - تهران

عباس رستمی فرزند علی ساکن زیبا شهر - تهران

پرویز مشهدیاری فرزند جمشید ساکن شهرک قدس - تهران

با تشکر از همه مصرف کنندگان گرامی، امیدواریم شما نیز برندگان بعدی ما باشید..

بهنگام خارج کردن قرص حشره کش پیف پاف از لایه آلومینیوم دقت کنید ممکن است نام

یکی از جوایز زیر روی آن چاپ شده باشد و شما مصرف کننده محترم و با شخصیت

یک یا چند یادگاری از شرکت شیمی قهرمان دریافت کنید.

• وجه نقد (حداقل پنجاه هزار ریال)

• سکه بهار آزادی

• سری کتابهای ارزنده

• یکی از لوازم آشپزخانه پارس خزر

• یک محصول ارزنده از صا ایران

• یک محصول از شرکت سپهرالکترونیک

• یک سری از تولیدات کارخانه چینی حمید

• سری های مختلف از محصولات کارخانه تفلون ظرف ایران

• چند سری کامل از تولیدات شیمی قهرمان

• واکنم یادیسک من سونی

• ماشین لباسشویی

... و ده ها جایزه دیگر که بتدریج اعلان میشود.

قرص حاوی مشخصات جایزه را همراه با فتوکپی کارت شناسایی با نشانی دقیق خود و ذکر کد پستی

به یکی از دفاتر نمایندگی بهپخش در تهران و یا شهرستانها و یا مستقیما به نشانی دفتر تهران

شرکت شیمی قهرمان پست کنید.

جایزه شما بلافاصله ارسال خواهد شد.

گل نازه، لا لا، لا لا...
بخوان نازه، لا لا، لا لا...

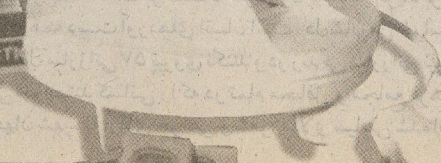
• موثر

• خوشبو

• قابل استفاده در انواع دستگاههای برقی

توزیع توسط شرکت بهپخش: ۷-۸۸۰۰۸۹۲-۴-۸۸۹۷۳۵۱
دورنگار: ۸۸۰۴۷۸۶

دفتر مرکزی: تهران، میدان ونک، خیابان برزیل، خیابان نیلو، نبش کوی ۸، پلاک ۱
تلفن شیمی قهرمان: ۸۷۷۸۰۵۵ دورنگار: ۸۷۸۱۹۴۴



جنبش اصلاح طلبی آرامش می‌طلبد

امیر شهل-روزنامه نگار

۱ - در طول دو سال گذشته اقتدار گرایان نشان داده اند که فضای آرام و بی برخورد را بر نمی تابند و از هر موقعیتی برای آشفته سازی در فضای سیاسی کشور بهره برداری می کنند. این گروه که با هر گونه اصلاح در درون ساختار حکومت مخالف است، نیک دریافته که تنها راه تفوق اصلاح طلبان در نهادهین کردن شعارها، کشاندن جامعه به محیطی است که در آن اندیشه و منطق جایگزین رفتار پلیسی از سوی حکومت شود. از همین رو کو چک ترین اعتراض و انتقاد را تحمل نمی کنند و به بهانه دفاع از ارزش ها، در روند ایجاد اصلاحات به کارشکنی می پردازد. هدف اصلی این طیف بی اعتبار ساختن محمدخاتمی در عرصه داخل و خارج است تا هر که از دور دستی بر آتش سرای قدرت ایران دارد، دریابد که در این ملُک تصمیم گیر اصلی خاتمی نیست و دیگری هستند که در حکومت گردانی مقوم جنبش هستند!

۲ - زمان استیفای حقوق پرداخت نشده ملت آن چنان به تأخیر افتاده است که دست زدن به هر گونه اصلاح از سوی نماینده قانونی مردم هزینه زاست. هزینه ای که خواه ناخواه از جیب جنبش آزادی خواهی کشور پرداخت می شود. نمو نه نه چندان دیرپای آن، ایجاد تحول در وزارت اطلاعات بود. نماینده جنبش مدنی ایران به قیمت خون ضایع شده چند شهروند بی پناه توانست تحولات هر چند محدود و مشروطی را در آن وزارت رقم زند و در حد توان بخشی از ریشه بحران ساز «امامی ها» در وزارت اطلاعات را بخشکاند. واقعیت این است که عرضه حقوق معوقه مردم از جانب فسادستان حکومت با تقاضای فرودستان جامعه همگنی ندارد و محمد خاتمی می کوشد که روند پرداخت این حقوق را تسهیل کند. حرکتی را که امروز محمد خاتمی آغاز کرده است نیازمند «شعور» و «شکیبایی» است. هر گونه حرکت تند و انقلابی صدمات غیرقابل جبرانی به اصل جنبش وارد خواهد آورد. ۳ - لایه های مختلف جنبش اصلاح طلبی باید از پرداخت هر گونه هزینه نابجا در روند اصلاحات بپرهیزند و با درایت و تیزیینی، اقتدارمداران را به زمین خود بخوانند و با رعایت کامل قواعد، آنان را وادار به امتیاز دادن بکنند. مدافعان منطق قدرت در برابر قدرت منطق خردادیان مجبور به تحمل هزینه خواهند شد. خشونت خواهان حاضر هستند برای سرکوب جنبش، میدان «تیان آن من» دیگری ترسیم کنند و این کار هزینه ای است که نافعهمیده از حساب اقتدار گرایان خارج می شود. ایجاد جنگ های خیابانی و بروز تشنج در کشور، خواست آنانی است که در فضای به دور از بوی باروت و سرب حرفی برای گفتن ندارند. خشونت ورزان با ارایه تئوری «لبنانیزه کردن ایران» بی صبری خود را برای سرکوب دوم خرداد نشان داده اند.

به همان اندازه که آنان در زمین تفکر و تعقل ضربه می پذیرند، پیشقراولان آزادی و قانون مداری در بازی خشونت آسیب پذیرند. از این رو باید زمینه برخورد را برای بازی یکسویه آنان خالی کرد و امکان هرگونه سوءاستفاده از برنامه های مترقی رئیس جمهوری را از آنان گرفت.

۴ - جنبش دانشجویی کشور نیز که یکی از مدافعان اصلی باردادن درخت نوپای اصلاحات است از این قاعده مستثنی نیست. حوادث تلخ سومین روز اعتراضات به حق دانشگاهی نشان داد که گروهی قادر است از هر تحریکی علیه مبانی آزادی خواهان بهره برداری کند. شکل های دانشجویی که دل در گرو شعارهای سیدمحمد خاتمی دارند، می بایست با پرهیز از هر گونه تجمع و تحصن - که فی النفسه از حقوق طبیعی آنان است - جریان زورمند مخالف اصلاح را به موضع ناکارآمدی بکشانند و برای مطالبه خواست های مشروع خود از طریق شورای متحصنان و از همه مهم تر نماینده قانونی و هم پیمان شکیبا و قسم خورده آنان (محمد خاتمی) وارد میدان شوند.

اگر جنبش دانشجویی در این مسیر حوصله به خرج دهد و دقیقاً پشت سر رئیس جمهوری حرکت کند، شکی نیست که حادثه تلخ هجدهم تیرماه ۷۸ هزینه ایجاد اصلاحات در نیروی انتظامی خواهد بود.

به دست‌های خالی ما نگاه کن

بیست سال پیش، زنان و مردان انقلابی، جوانان امروز را قلمدوش کردند، به اغوش کشیدند، در کالسکه نشاندند و آنان را در نظاهرات راه بردند. انقلابیون با آهنگ سیاسی ۵۷ حرکت می کردند. بوی لاستیک سوخته، عکس‌های سوخته و حاکمیت سوخته مشخصه آن دوران بود. حاکمیت سوخته برآمده از انقلاب نبود. با این وصف سطح توقع از آن بسیار بالا بود.

اینک بیست سال بعد از آن، دیگر بار بوی آشنای دود و صدای آشنای انهدام و انفجار فضا را پر کرد و جوانان خوشه‌های خشم خود را به صورت خاکستر و آوار برجای نهادند. یک حس غریب میانسالان را که جوانان انقلابی دیروز بودند، تسخیر کرده است. آنان حس می کنند آن فرزندان حرکات اعتراضی آمیز خود را با آهنگ سیاسی سال ۵۷ تنظیم می کنند. حال آن‌که سال ۷۸ با آهنگ سیاسی دیگری که حاصل جمع تجارب بیست ساله است به نیمه نزدیک می شود و دارد سینه کشی سربالایی می رود تا خود را به پیچ خطرناک انتخابات مجلس ششم برساند. سقوط از سربالایی سرنوشت محتمل هر نیرویی است که در این بازی وارد شده است.

انقلابیون ۵۷ به این دل بسته بودند تا یک بار برای همیشه خراب کنند، بسوزانند و ساختار استبداد را از شالوده فرو بریزند. آنان گمان می بردند که استبداد فقط در تاج شاهان لانه کرده است. آنان با خود عهد بسته بودند تا پس از پیروزی بر شاهان برای ابد با خشونت وداع گویند و کشور را در شرایطی به فرزندان خود همان کالسکه نشینان ۵۷ تحویل بدهند که در آن انتقال قدرت با ابزارهای دموکراتیک مانند مطبوعات آزاد، انتخابات آزاد، احزاب و انواع شکل‌های مستقل سیاسی و مدنی میسر بشود و ضرورت نداشته باشد تا هر بار برای جابه جایی قدرت، حاصل کار و دستر تن ملتی را منهدم کنند آیا چنین شد؟

از تند روی‌ها و خشونت‌های انقلابی، انواع تازه‌ای از خشونت زاییده شد که هجوم به حریم خوابگاه دانشجویان، شبانه‌گاه ۱۸ تیرماه آخرین نمونه آن است. از این ماجرا، نه تنها یک دل، که میلیون‌ها دل شکست. دل شکستگان، میانسالان یک ملت ۶۰ میلیونی هستند که بعد از کسب اطلاع از خبر به دست‌های خالی خود نگاه کردند و به یادآورند آرمان والای انقلاب ۵۷ را که به انگیزه وصول به آن، خشونت یک بار برای همیشه تجویز شده بود! با ناباوری داشته‌های سیاسی خود را واریس کردند. باور نمی کردند که بیست سال بعد از شوریدگی‌های انقلابی، چنین بر شعور سیاسی فرزندان آنان شیخون زده باشند و با آنان

خشونت؛ آری یا نه؟

اشاره:

۱۸ تیر بیش از آنچه تصور کنیم در دل خود گفتنی‌ها دارد بخشی از گفتنی‌ها خطاب به اصلاح طلبان است و در این فضا چه دیواری کوتاه‌تر از دیوار اصلاح طلبان؟ صفحه مقالات این شماره را به همین موضوع اختصاص داده ایم.

گروه داخلی



عکس ها از: نیوشا توکلیان

نبود احزاب گستردگی مطالبات

امیر کیوان ذکاکی -دانشجو

نکته‌ای که ذهن فعالان سیاسی دوم خرداد و ذهن سمپات‌های اصلاح طلب این جبهه را به خود مشغول داشته است، چگونگی شکل‌گیری جو مهارناپذیر و لجام‌گسیخته چندروز گذشته است. تعدادی از فعالان سیاسی تفکیک اعتراض‌های دانشجویی از درگیری‌های خشن و گاه جنگ‌های خیابانی متعاقب آن را خواست جناح انحصار می‌دانند، به گونه‌ای که این تفکیک را حربه‌ای به دست انحصارطلبان می‌شمارند تا به این بهانه کل جنبش را سرکوب و منکوب کنند. مطابق این نظریه خشونت طلبان (به عنوان اهرم انحصار) با یک سناریوی از پیش تدوین شده دست به حمله به کوی دانشگاه زدند و متعاقب آن با نفوذ عناصر خود به درون دانشجویان معترض که هنوز اعتراض آنان ابعاد غیرعادی پیدا نکرده بود و با طرح شعارهای غیرمتعارف و خارج از روال عادی تجمعات دانشجویی، موجب قلب ماهیت کل اعتراض دانشجویان شدند. اگر اخباری مانند کشف تعلق یک‌عصر تحریرکننده دانشجویان به اقدامات افراطی به گروه‌های فشار و آزادی غیرمترقبه یکی از سرزدگان یک دسته دانشجویی افراطی در اوج بلوا و همزمان با دستگیری‌های گسترده را در کنار این تحلیل قرار دهیم طبعاً شکی باقی نمی‌ماند که این تفکیک صوری خواست انحصارطلبان است و ابزار لازم را به دست آنان خواهد داد تا کل جبهه دوم خرداد را به اتهام دست داشتن در مرحله دوم بلوا قلع و قمع سازند. اما ترس از سناریوی نسبتاً واضح پادشده نباید منجر شود که ما نفس طرح شعارهای تند و خشونت‌های لجام‌گسیخته را منکر شویم. در حقیقت باید پرسید که اگر نفوذی وجود داشته، این نفوذی‌ها از کدام نقطه موفق به رخنه و تقلب شده‌اند.

آیا در شرایطی شفاف و در حضور تشکّل‌های متنوع و در شرایطی که گروه‌های سیاسی از حالت محفلی خارج شده‌اند و دارای مرامنامه و شناسنامه و پرچم معینی هستند آیا می‌توان چنین بلواهایی را بوجود آورد و حتی اگر برایی شکل گرفت، آیا می‌توان کل جبهه دوم خرداد را به اسم محارب و برانداز سرکوب کرد و آیا عناصر نفوذی می‌توانند در لباس میش و با سوءاستفاده از احساسات جریحه‌دار شده دانشجویان و ملت به این سادگی کل دستاوردهای اصلاح طلبان و تلاش‌ها و هزینه‌های اخیر را لوٹ کنند؟ سؤال دیگر این است که چه کسی به درستی می‌تواند بگوید که خارج شدن اعتراضات از دایره عقلانیت در اثر نفوذ آگاهانه خشونت طلبان بوده است؟ آیا صرف طرح این ادعا نوعی سلب مسئولیت در قبال کوتاهی‌های بدنه عقلانی جنبش دانشجویی در به دست گرفتن مهار اعتراضات نیست؟ در این جا باید گفت که هر چند از شخصیت وزین و قانونمندان رئیس جمهوری انتظار نمی‌رفت که با مداخله مستقیم و واکنش صریح از وجهه کاریزماتیک خود بهره‌برد-برعکس می‌دانیم که رئیس جمهوری نسبت به قرار گرفتن در جایگاه کاریزماتیک به شدت اکراه دارد- لیکن عملکرد ضعیف تر دولت ایشان در عرصه توسعه احزاب در مقایسه با بسط مطبوعات، تا حدودی ائتلاف سیاسی موجود میان جبهه دوم خرداد را دچار خطر گسست و بحران کرده است. شاید اگر وزارت کشور همان‌طور که بعداز بلواها از گروه‌های سیاسی بدون مجوز خواست تا با دخالت خود غائله را ختم کنند، قبل از بوجود آمدن این معضل نسبت به صدور مجوز و شناسنامه فعالیت برای گروه‌های سیاسی (حتی اندکی تندرؤ) اقدام می‌کرد، اکنون زمینه مرزبندی خودی-غیرخودی برای جناح انحصار بوجود نمی‌آمد و احتمال سرکوب کل جنبش یا حداقل به عقب راندن اصلاح طلبان تحت تصقیقات سرکوبگرانه و با زدن برچسب «برانداز» وجود نداشت. از سویی باید دانست که طرح شعارهای تند و غیرمعمول چه از سوی عناصر نفوذی (وابسته به حمله کنندگان اولیه به حریم کوی) و چه از سوی کسانی که عقده‌های انباشته خود را بروزمی‌دادند، به ناچار گروه‌ها و احزاب موجود (که همگی نزدیکی بیشتری با کاست قدرت دارند) را در شرایطی قرار داد که نتوانند نبض اعتراضات را در دست گیرند. چرا که سطح مطالبات مطروحه در قالب شعارهای تند (چه از روی غرض و چه خودجوش) و گستردگی مطالبات خارج از قلمرو سیاسی آنان بود. در انتها باید یادآور شد که این اولین بار نیست که نبود شفافیت تشکّل‌ها و احزاب و محدودیت دامنه و قلمرو سیاسی آنان موجب کندشدن روند اصلاحات می‌شود. اگر دیروز به دلیل نبود احزاب، مطبوعات قربانی توسعه یک بعدی و قارچ گونه خود شدند، امروز جنبش دانشجویی به کام کوتاهی دولت در صدور شناسنامه برای احزاب فرومی‌رود.

مهرانگیز کار-حقوقدان

بیزاری می‌کرد. به حقوق شهروندی در پرتو دموکراسی پایبندی نشان می‌داد و به رهاه نسبی می‌اندیشید. هم از این رو بود که صندوق‌های رأی با نام سیدمحمدخاتمی را پر کرد.

شادکامی از این انتخاب، جان سیاسی او را طراوت بخشید و چندان انرژی و اعتماد به نفس ذخیره کرد که اگر گذشته بودند تاکنون مراحل عمده‌ای از تمرین دموکراسی را پشت سر گذاشته بود و می‌توانست شور انقلابی خود را به شعور سیاسی تبدیل کند و با ابزارهای دموکراتیک هر آنچه را مناسب حال خود و میهن خود نمی‌یافت مورد اعتراض قرار دهد.

آیا چنین شد؟

بیش از دو سال از آن روز گذشته است. آنان در اجتماعات قانونی که برگزار کرده‌اند بارها مورد خشونت قرار گرفته‌اند. اسم عوامل خشونت را گذاشته‌اند گروه‌های فشار. اما هرگز نگفته‌اند گروه‌های فشار از کدام منابع تغذیه می‌کنند و چرا از سوی نهادهای مسئول برقراری نظم و امنیت مهار نمی‌شوند؟

آنان هنوز برای ایجاد تشکّل‌های مستقل دانشجویی توفیق نیافته‌اند یا توفیق آنان در این باره اندک بوده است. زیرا اصرار و تأکید حاکمیت برای ایجاد تشکّل‌های رسمی در محیطهای دانشجویی، مانع حضور و فعالیت آزادانه تشکّل‌های مستقل شده و قدرت رهبری را از تشکّل‌های مستقل دانشجویی سلب کرده است. در نتیجه عزاداران فاجعه ۱۸ تیر ۷۸ نتوانستند به هنگام، اعتراض افسارگسیخته را مهار کنند تا حرکات «اعتراضی» زیر نام «شورش» که فوراً «سرکوب» را تداعی می‌کند طبقه بندی و نام گذاری نشود.

نتوانستندبه هنگام، از حضور شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی که به تسلیت‌گوی آنان آمده بودند استفاده کنند. برعکس به تحقیر و تخفیف شخصیت‌ها پرداختند و نتوانستند برای طرح مطالبات خود در چارچوب شرایط سیاسی سال ۷۸ از آنان کمک بگیرند. انقلابیون سال ۵۷ در ساعاتی که شبکه‌های تلویزیونی خارجی از رفتار شورش‌ی جوانان ایران عکس و فیلم و خبر مخابره می‌کردند و به سلیقه خود بر آن تفسیرها می‌نوشتند، در خلوت می‌گریستند. می‌خواستند مشّت بر صفحه تلویزیون بکوبند و فریاد بزنند که خشونت از مدل مبارزاتی ۵۷ پیروی نکنند و در زندگی مبارزاتی نیز معاصر بشوند. می‌خواستند کسانی را که در تمام محافل و مجامع فرهنگی و سیاسی جهان شهره به آزادی‌خواهی و شعور بالای سیاسی شده‌اند، در میان دود

و آتش نبینند و شاهد بر این ادعای ازپیش ساخته شده نشوند که «خشونت ورزی جوانان، یک مقطع مهم و حساس از تاریخ تحولات روبه رشد ایران را قطع می‌کند و اصلاحات را متوقف می‌سازد». تاریخ‌نویسان مجال پیدا نکنند تا درآینده بنویسند «با اوج‌گیری اعتراض‌های خشونت‌آمیز جوانان زمینه برای تحکیم دیکتاتوری و تقویت نهادهای سرکوب و تضعیف نهادهای مدنی مهیا شد».

انقلابیون ۵۷ در خلوت خود سخت گریستند. زبان گرفتند و حس خود را با جوانهای غایب از نظر که برای حضور در صحنه‌های خشونت خیابانی از آنان اجازه نگرفته بودند، در میان گذاشتند و سوگوارانه خاطرات خود را مرور کردند:

○ یادش بخیر آن روزها که به عشق جامعه مدنی چشم بر دهان سخنران می‌دوختی، میخکوب می‌شدی و جرعه جرعه آب را به کام نشته خود می‌کشیدی.

○ یادش بخیر آن روزها که دشنام را با محبت پاسخ می‌دادی و هنگامی که یک دانشجویی مخالف با اصل آزادی می‌خواست جلسه بحث و گفت‌وگو را بر هم بزند با او مدارا می‌کردی و از او می‌خواستی تا با حفظ نظم جلسه وقت بگیرد و سپس هر آنچه را درسینه دارد با صدای رسا بگوید.

○ یادش به خیر که در راسته کتافرتوشی‌ها ساعت‌ها می‌چرخیدی و چون پول کافی نداشتی، کتاب مورد علاقه خود را برمی‌داشتی ورق می‌زدی و تند تند صفحاتی از آن را می‌بلعیدی.

○ یادش به خیر که از این روستا به آن روستا، از این شهر به آن شهر کوچ می‌کردی تا پاسخ سئوالات خود را از صاحبان اندیشه بخواهی و آن را در خوابگاه‌های تاریک و محقر با همفکرانت به بحث بگذاری.

○ یادش بخیر آن روزهای خاکستری که در سوگ دگراندیشان مقتول پلاکارد حقوق بشر را آرام و باطمینانه روی شانه‌های خود در گورستان می‌چرخاندی تا شاید جانیان که حتماً در هیأت عزاداران به جمع وارد شده بودند، آن را برخوانند و درسی بیاموزند.

○ یادش بخیر آن روزها که با جامعه مدنی عاشقی می‌کردی و با چادر سیاه و سیمای شسته از هر رنگ و تعصب، به دعوت شخصیت‌های فرهنگی دگراندیش می‌شتافتی و آنان را برای شرکت در سخنرانی‌ها، دعوت می‌کردی. تو همواره نگران بودی تا مبادا در جمع دانشجویان، اهل خشونت به شخصیت میهمان تو هین روا دارند و مدینه فاضله تو را که مأمن انواع عتاید و اندیشه‌هاست آلوده کنند.

ترکیه، اسرائیل دوم خاور میانه

حسام الدین امامی



ترکیه از ابتدای پیدایش اسرائیل تاکنون، در خطی موازی باسیاست‌های «تل‌آویو» حرکت می‌کرده است. مطالعه‌ای گذرا بر تاریخ کشور، نشان می‌دهد که طی ۲۵۰۰ سال گذشته هر چند ایران دشمنان دستاوردی داشته و فاتحان و اشغالگرانی متفاوت را به خود دیده است ولی هیچ همسایه‌ای به اندازه عثمانی و جانشین آن ترکیه دشمنی آن طولانی و ریشه دار، مخرب و دردناک نبوده است. از سال ۱۵۱۲ میلادی که «سلطان سلیم» معروف به «سنگدل» بر تخت حکومت عثمانی نشست، جنگ با ایران آغاز شد. جانشینان او تا روزی که امپراتوری ۶۰۰ ساله عثمانی به دنبال جنگ جهانی اول منقرض شد، پیوسته با ایران در پیکار بودند.

کشور ما در دوره سلاطین صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه از ۱۵۱۲ تا ۱۹۱۴ به مدت ۴ قرن مورد هجوم و تاخت و تاز سلاطین آل عثمان بود که همگی داعیه خلافت مسلمین داشتند و ایران شیعی مذهب را در همسایگی خود تحمل نمی‌کردند.

بالتر از همه این‌ها، ایران سه محکمی در برابر پیشروی عثمانیان به سوی شرق بود. امپراتوران عثمانی از زمان سلطان محمد فاتح «که در سال ۱۴۵۳ با فتح قسطنطنیه» امپراتوری روم شرقی را منقرض کرد، تا یک قرن بعد امپراتوری وسیعی را پدید آوردند که از رومانی، مجارستان، بلغارستانی، یوگسلاوی، آلبانی، یونان، قبرس، سوریه، لبنان، فلسطین، عربستان، اردن، عراق، مصر، لیبی، تونس، الجزایر، قسمت‌هایی از گرجستان، داغستان، ارمنستان، قره باغ، قسمت‌هایی از آذربایجان روسیه و آذربایجان ایران تشکیل می‌شد.

اساس سیاست سلاطین یاد شد بر سنگدلی، شقاوت، تبعیض و توطئه بود. کشتن پدر و برادر، مسموم کردن مادر و خواهر، به دریا افکندن همسر، وخفه کردن نخست‌وزیران خود، از مشخصات جاری دربار عثمانی بود.

تحریم اقتصادی

قبل از ظهور آل عثمان در محل ترکیه امروزی، قرن‌ها راه تجارتی اصلی غرب به شرق از شمال ایران می‌گذشت و به چین و هندوستان می‌رفت. ایران چهارراه تجاری و فرهنگی شرق و غرب عالم بود ولی سلطان سلیم، پس از جنگ معروف

«چالدران» دستور قتل عام ۴۰ هزار شیعه آناتولی را صادر کرد و برای مزوی کردن کشور ما و همان چیزی که آن را امروز «تحریم اقتصادی» می‌خوانند جاده ابریشم را بست!

عوارض این اقدام بر اقتصاد ایران همراه با ادامه جنگ‌های تجاوزکارانه به مدت ۴۰۰ سال بنیه اجتماعی – اقتصادی – سیاسی ایران را چنان تضعیف کرد که کشور ما را به صورت کشوری «درجه سوم» تنزل داد و سال‌ها در موج ترقی که به دنبال «رنسانس» اروپایی جهان را فرا گرفته بود، محروم ساخت.

پیشروی سلاطین مهاجم عثمانی به سوی غرب و قلب اروپا و محروم ماندن اروپاییان از «جاده ابریشم» سراغز تدبیر تازه‌ای برای اروپاییان و تحولی عظیم و جهان گستر بود که در قرون بعدی، آثار و تبعات آن ظاهر گشت و دنیا را در مسیر تازه‌ای قرار داد.

اروپاییان که از راه زمینی جاده ابریشم محروم شده بودند، برای ادامه دادوستد اقتصادی خود، در اندیشه یافتن راهی «دریایی» برآمدند. کریستف کلمب، رهگشای این هدف اروپاییان شد و عازم یافتن راه دریایی «هند» شد که تصادفاً با دنیای جدیدی روبه‌رو گشت و پای به قاره تازه‌ای گذاشت که

خود تا آخر عمر چنان می‌پنداشت که هندوستان است، در حالی که «آمریکا» بود!

در کنار دشمن

امپراتوری بزرگ، کشوری با ۶۵ میلیون جمعیت و ۷۸۰ هزار کیلومتر مربع به نام «ترکیه» سرانجام این امپراتوری در پی جنگ اول جهانی از بین رفت و از بقایای آن کشور با ۷۸۰ هزار کیلومتر مربع به نام ترکیه باقی ماند.

با وجود چنین تحول عظیمی و اعلام جمهوری در ترکیه و تغییرات کلی در قانون ساسی آن کشور، باز هم رویای دیرینه آن امپراتوری برپاد رفته همچنان پاره‌ای از سیاستمداران ترک را «تغذیه» می‌کند. هنوز در کشورهای رها شده از قید ستم عثمانی و کشورهای همسایه، برای خود «حق آب و گلی» تصور می‌کنند و بر منابع پیکران طبیعی آن سرزمین‌ها افسوس می‌خورند.

تا پدیده‌ای به نام «اسرائیل» در خاورمیانه ظاهر نشده بود، ترکان با کشورهای غرب رابطه‌ای «سوداگرانه» را ادامه می‌دادند و جرأت اندک چشم زخمی به آنان نداشتند. اما پیدایش اسرائیل، این غده سرطانی، در قلب جهان عرب فرصتی طلایی را در اختیار ترک‌ها گذاشت. اسرائیل

اسرائیل به طور علنی نیت سلطه بر جهان عرب را در شعار «از نیل تا فرات» منعکس می‌کند و ترکیه هر چند چیزی بر زبان نمی‌آورد، باتضعیف

سیاسی – اقتصادی جهان عرب در مقام «جاده صاف کن» اسرائیل عمل می‌کند. اسرائیل قادر به تجاوز علنی به خاک عراق همسایه سوریه و ایران نیست. ولی ترکیه به بهانه مبارزه با «پ. ک. ک» (حزب کارگران کرد) چندسالی است که در شمال عراق به یکه تازی مشغول است

گرفتاری کشورهای عرب و دیگر کشورهایی که با ترکیه سروکار دارند آن است که هنوز خیال می‌کنند ترکیه رژیم «مسلمان» دارد و نوعی «سنخیت» را با ترکیه در وجدان ناخودآگاه خود احساس می‌کند در حالی که این تصور سرابی بیش نیست و نقش ترکیه در پیشروی نظامی – سیاسی – اقتصادی در منطقه و حتی ماورای آن، به درجات خطرناک‌تر از نقش اسرائیل است

رژیمی متجاوز به حقوق ملت‌های عرب است و ترکیه هم که سودای اعاده منابع از دست رفته «امپراتوری مقرض» آل عثمان را دارد، همان هدف را پی می‌گیرد.

اسرائیل به طور علنی نیت سلطه بر جهان عرب را در شعار «از نیل تا فرات» منعکس می‌کند و ترکیه هر چند چیزی بر زبان نمی‌آورد، باتضعیف سیاسی – اقتصادی جهان عرب در مقام «جاده صاف کن» اسرائیل عمل می‌کند. اسرائیل قادر به تجاوز علنی به خاک عراق همسایه سوریه و ایران نیست. ولی ترکیه به بهانه مبارزه با «پ. ک. ک» (حزب کارگران کرد) چندسالی است که در شمال عراق به یکه تازی مشغول است. ترکیه اولین کشور (ظاهراً) مسلمان بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت و سال گذشته در چنین ایامی، نماینده‌ای از آن کشور در مراسم پنجاهمین سالگرد تأسیس اسرائیل در «تل آویو» شرکت کرد. ترکیه اولین کشور مسلمان در منطقه است که با اسرائیل پیمان نظامی استراتژیک دارد وزیر «نقاب مسلمان» در نقش واسطه ارتباط اسرائیل، با کشورهای عرب و همچنین کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی عمل می‌کند. محصولات صنعتی و کشاورزی اسرائیل را زیر پوشش تولیدات

ترکیه به کشورهایی صادر می‌کند که اجناس اسرائیلی را تحریم کرده‌اند.

استفاده از ایران

ترکیه طی ۸ سال جنگ ایران و عراق به خاطر جاده ترانزیتی خود و عبور خط لوله نفتی عراق از آن کشور، نهایت بهره‌برداری را از ایران و عراق کرد و اقتصاد وامانده خود را سروسامانی داد. با همه مواهبی که کشور ما و کشورهای مسلمان عرب نصیب ترکیه کرده‌اند، باز هم سیاست «انکارا» نمک خوردن و نمکدان شکستن است. ترکیه در کنار اسرائیل برای درماندگی کشورهای عرب دست به کاری زده که به درجات بدتر از «پیمان نظامی» با «تل‌آویو» است. از آن جایی‌که سرچشمه‌های فرات از کوه‌های ترکیه است، آنکارا با همدستی «تل‌آویو» از مدت‌ها پیش برنامه‌ای را به مرحله اجرا گذاشته که اگر عملی شود، اختیار آب مشروب و آبیاری کشاورزی دو کشور سوریه و عراق به دست ترکیه – اسرائیل می‌افتد. در همه جای دنیا – خصوصاً کشورهای گرم‌ازده عرب، «بستن آب» به روی مردم، خطر ش به مراتب بدتر از بمب اتمی است و ترکیه در کنار اسرائیل به این کار تن داده است.

شریک اسرائیل

همان‌طور که ترکیه در

گرفتاری کشورهای عرب و دیگر کشورهایی که با ترکیه سروکار دارند آن است که هنوز خیال می‌کنند ترکیه رژیم «مسلمان» دارد و نوعی «سنخیت» را با ترکیه در وجدان ناخودآگاه خود احساس می‌کند. در حالی که این تصور سرابی بیش نیست و نقش ترکیه در پیشروی نظامی – سیاسی – اقتصادی در منطقه و حتی ماورای آن، به درجات خطرناک‌تر از نقش اسرائیل است.

صلح روشن است. ما خواستار اجرای قطعنامه ۴۲۵ شورای امنیت درباره خروج بدون قید و شرط تمامی نیروهای اسرائیل از جنوب هسین.

اگر اسرائیل صلح می‌خواهد باید به مفاد این قطعنامه توجه داشته باشد. ضمناً لبنان معتقد به زمین در مقابل صلح است و هیچ صلحی بین دو کشور قبل از آزادی جنوب لبنان و بقاع غربی وجود نخواهد داشت.

آیا لبنان به صلح جداگانه با اسرائیل فکر می‌کند. یا این که معتقد است صلح باید همراه سوریه باشد؟

لبنان بر هماهنگی در خشمی و روش‌های مشترک با سوریه ایمان دارد. زیرا ما و سوریه در مقابل یک دشمن مشترک قرار گرفته ایم. به همین علت صلح باید غیرمجزا باشد؛ صلحی که مبتنی بر حق و عدالت و ضامن آزادی همه اراضی اشغالی و تحقق امنیت باشد.

موضع ایران در قبال لبنان چگونه است؟

ما از مواضع ایران در قبال تجاوزهای مکرر اسرائیل تشکر می‌کنیم و پشتیبانی ایران برای لبنان همواره زنده خواهد ماند. تصمیم ایران به ارائه کمک به منظور بازسازی مناطق ویران شده پس از تجاوزات اخیر نشان از موضع سازنده و اصولی ایران دارد.

گرفته است و این حمله نیز اولین تجاوز اسرائیل نیست. زیرا تجاوزهای مکرری از سال ۱۹۶۷ تا به امروز صورت گرفته که نمی‌توانیم بگوییم با آمدن باراک نمی‌توان ادعا کرد که باراک

به صورت جداگانه به مذاکرات بکشاند. این امر هرگز تحقق نخواهد یافت. زیرا ما و سوریه در خاکریز مشترک ایستاده‌ایم و در برابر دشمن از سرزمین خود دفاع می‌کنیم به همین دلیل وحدت



در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

اسرائیل پس از ناکامی در نابودی مقاومت ملی که بارها به آن اعتراف کرده و تلفات سنگینی که به سربازان و ارتش جنوب لبنان وارد آمده است با هدف قراردادن تأسیسات زیربنایی لبنان، مردم بی دفاع و پل‌ها و اهداف اقتصادی، درصدد مقابله برآمده است

شرایط دولت لبنان برای از سرگیری مذاکرات صلح با اسرائیل چیست و آیا در صورت خروج اسرائیل از جنوب لبنان، صلح بین دو کشور برقرار خواهد شد؟

موضع لبنان در قبال موضوع

هیچ اطلاعاتی از این حملات نداشته است. البته باراک و نتانیاهو دو روی یک سکه هستند و در این مورد ادعای اطلاع یابی باراک اهمیتی ندارد. آن چه اهمیت دارد این است که لبنان مورد حمله قرار

مواضع و خشمی دو کشور ناشی از سرنوشت و منافع مشترک دو کشور است و هر دو در مورد آزادسازی اراضی اشغالی و تحقق مهمیتی ندارند. مسئولیت مستقیم دارند.

گفت‌وگوی اختصاصی نشاط با عدنان حسن منصور سفیر جدید لبنان

اسرائیل باید به قطعنامه ۴۲۵ عمل کند

گفت وگو: حسن فتحي

اهداف اسرائیل ازتجاوز به جنوب لبنان چیست؟

حمله اسرائیل به جنوب لبنان، اولین تجاوز به خاک همسایگان به شمار نمی‌رود و به نظر نمی‌رسد آخرین آن هم باشد. لبنان بیش از ۳۰ سال است که به طور مستمر مورد حمله اسرائیل قرار می‌گیرد اسرائیل پس از ناکامی در نابودی مقاومت ملی که بارها به آن اعتراف کرده و تلفات سنگینی که به سربازان و ارتش جنوب لبنان وارد آمده است باهدف قراردادن تأسیسات زیربنایی لبنان، مردم بی دفاع و پل‌ها و اهداف اقتصادی، درصدد مقابله برآمده است. اسرائیل از این حملات دو هدف را پی می‌گیرد که هدف اول، ضربه زدن به اقتصادملی لبنان و ایجاد شکاف و فضای بی اعتمادی بین لبنان و عناصر مقاومت ملی است. ولی رابطه میان دولت لبنان و مقاومت ملی بسیار استوار است زیرا مقاومت ملی تنها زبانی است که اسرائیل آن را درک می‌کند و تنها وسیله برای دفع تجاوز و آزادی سرزمین‌های اشغالی به حساب می‌آید.

هدف دوم، این است که اسرائیل می‌خواهد لبنان را



در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

در آن زمان

اشاره: روی کارآمدن حزب کارگر و باراک در اسرائیل و حملاتی که ارتش اسرائیل به جنوب لبنان کرد، ما را بر آن داشت تا دیدگاه‌های عدنان حسن منصور سفیر جدید آن کشور را در تهران بررسییم. سفیر لبنان در تهران در این گفت وگویی اختصاصی، به تشریح وضعیت جنوب و دورنمای صلح با اسرائیل پرداخته است.

با پایان گرفتن اولین فصل کاوش

راز تمدن تپه میل ری آشکار نشده است

تاریخی، تمدن در این منطقه از هزاره ششم قبل از میلاد تاکنون ادامه داشته است.

به گزارش خبرنگار نشاط، وی افزود: عناصر معماری و یافته ها نشانگر وجود تمدن از پایان دوره ساسانی تا دوره سلجوقی در این مکان است.

به گفته وی، گروه دمرگان در اوایل قرن نوزدهم تپه میل را مورد حفاری و گمانه زنی قرار داده است. اما اطلاعاتی که در این فصل به دست آمد، به نسبت تخریب هایی

زمان انجام تعهد پزشکان متخصص در مناطق محروم کاهش یافت

محمدعلی پی طرف افزود: با این مصوبه که تاریخ اجرای آن پنجم تیرماه جاری است، ارائه خدمات در هر منطقه یا توجه به ضریب محرومیت آن قابل تغییر است و تسهیلات خاصی از این طریق جهت کاهش مدت انجام تعهدات قانونی برای متخصصان در مناطق محروم قائل شده ایم.

وی در مورد تسهیلات اعطایی و کاهش امتیاز تأسیس مطب برای متخصصان و پزشکان عمومی کل کشور گفت: سابق بر این، پزشکان برای دریافت مجوز تأسیس مطب در پنج شهر بزرگ یادشده، نیاز به ۴۲۰ امتیاز و در سایر شهرها نیاز به ۳۰۰ امتیاز داشتند که هم اکنون براساس مصوبه جدید، متفاوتی تأسیس مطب در تهران و چهار شهر بزرگ معادل ۳۶۰ امتیاز و در سایر شهرها برابر ۲۵۵ امتیاز محاسبه می شود.

محسن هاشمی:

تهران ۱۰ سال دیگر صاحب متروی کامل می شود

شهردار تهران گفت: «طولانی شدن مدت عملیات پروژه مترو توجه اقتصادی ندارد». روز گذشته در دیدار شهرداری تهران و در حالی که وی از طولانی شدن مدت عملیات متروی تهران که تاکنون یک هزار و ۶۰۰ میلیارد ریال هزینه در بر گرفته گله می کرد، مدیرعامل شرکت متروی تهران گفت: فعالیت شرکت مترو از سال ۶۷ با موفقیت و سرعت نسبتاً خوبی

پیش رفته است. مدیرعامل شرکت راه آهن شهری تهران افزود: در صورت تأمین اعتبار، حدود ۱۰ کیلومتر خط زیرزمینی از خط ۲ (غرب به شرق) در امتداد خط کرج - تهران در شش ماهه دوم سال جاری به بهره برداری می رسد.

به گزارش ایرنا محسن هاشمی اظهار امیدواری کرد: کل پروژه متروی تهران تا ۱۰ سال دیگر به بهره برداری برسد.

از این شهر به آن شهر

دندان سازهای مختلف	بندرعباس - سه لابر اتوار دندان سازی مختلف به علت دخالت در امور دندان پزشکی به پرداخت جریمه نقدی و تعطیلی دائم محل کسب محکوم شدند.
بزرگداشت قربانیان سیل	زنجان - سیل هفته گذشته ماه نشان در استان زنجان، ۹۰ واحد مسکونی را تخریب کرد و به ۸۰ واحد مسکونی نیز بین ۳۰ تا ۶۰ درصد آسیب وارد آورده استاندار زنجان در مجلس بزرگداشت قربانیان این حادثه گفت: برای خانواده های خانه از دست داده در جریان سیل، زمین رایگان اختصاص یافته است.
آزادی زندانیان	خوزستان - ۱۸ نفر از زندانیان بی بضاعت خوزستان با پرداخت مبلغ ۴۲۰ میلیون و ۶۵۰ هزار ریال وام از سوی کمیته امداد امام خمینی آزاد شدند.
تولید قند غیربهداشتی	سنتدج - متصدی یک واحد تولیدی در سنتدج به دلیل تولید و عرضه قند غیربهداشتی به شش ماه زندان محکوم شد.
شهردار لواسان	لواسان - حسن جرگه به عنوان اولین شهردار منتخب شورای شهر لواسان انتخاب شد. وی در گذشته کارشناس دفتر فنی استاندار تهران بود.

کتاب	دروغ انقلاب ایران
درون انقلاب ایران	نوشته جان دی استمپل
که تا چندی پیش صاحب نظران سیاسی کشور از نسخه لاتین آن به عنوان مرجع یاد میکردند اکنون متن ترجمه به فارسی آن آ ماده عرضه به خوانندگان است برای تهیه کتاب درون انقلاب ایران	مبلغ ۱۷۰۰۰ ریال به حساب جاری ۱۸۴۰۷ بانک ملت شعبه میدان سلسام به نام کاظم ملکی واریز نمایید.
کپی فیش بانک ملت را به صندوق پستی ۴۴۸۴-۱۴۱۵۵ پست فرمایید .	هزینه پست کتاب به عهده نشر نگارش است .
تلفن توزیع : ۸۸۴۶۴۴۰	

که انجام شده ناچیز بود. شبیانی همچنین گفت: در دهه سی، دوسین فصل کاوش صورت گرفت و در این دوره تالار فوقانی مرمت شد ولی در معرض تخریب قرار گرفتن محوطه باستانی باعث شد این محوطه تا اامسال مورد بررسی قرار نگیرد.

سرپرست گروه باستان شناسی، محورهای مورد توجه در این فصل کاوش را باید به سئوالات درسی ریاضی، فیزیک و شیمی

پیش دانشگاهی و سال سوم دبیرستان جواب دهند. در اطلاعاتیه سازمان سنجش آموزش کشور آمده است: علاوه بر درس های فوق، از کتاب هندسه ۲ و فیزیک ۱ و ۲ نیز سوال طرح خواهد شد. شرکت کنندگان نظام قدیم گروه آزمایشی ریاضی فنی باید به سئوالات ریاضی، فیزیک، مکانیک و شیمی سه سال آخر متوسطه پاسخ دهند. این گزارش می افزاید: در درس فیزیک، از کتاب سال اول نیز سوال طرح خواهد شد.

ریزعلی خواجوی (دهقان فداکار) نشان یادمان خدمتی گرفت

گروه اجتماعی - وزیر راه و ترابری نشان یادمان خدمتی را بر سینه ریزعلی خواجوی (دهقان فداکار) آویخت. ریزعلی ۳۷ سال قبل با عمل انسان دوستانه خود از ایجاد یک سانحه قطار جلوگیری کرد و جان مسافران قطار را نجات داد. به گزارش خبرنگار ما محمود حجتی در سومین همایش ارتقای ایمنی و پیشگیری از سوانح در راه آهن دو سکه از سوی راه آهن جمهوری اسلامی

گرما، ایلامی ها را خانه نشین کرد

گرمای ۴۵ درجه و غبار غلیظ، ایلامی ها را خانه نشین کرد. به گزارش ایرنا، غبار غلیظی که فضای استان ایلام را فرا گرفته تنفس و فعالیت کودکان و سالخوردگان را به مخاطره انداخته است. به گفته مردم ایلام قطع آب و نبودن وسایل سرمازای مناسب در این روزها بر دیگر مشکلات افزوده است. مدیر کل هواشناسی استان ایلام دلیل این گرما و غبار غلیظ را نفوذ یک مرکز کم فشار خرازتی خشک از شمال غربستان به جنوب و جنوب غربی کشور اعلام کرده است. غلامعلی راستگو افزود: طی دو روز گذشته در شهرستان دهلران ۴۷ درجه سانتیگراد و در شهر ایلام ۳۹ درجه سانتیگراد ثبت شده است. کارشناس محیط زیست می گویند: میزان غبار هوا اکنون در برخی نقاط استان ایلام بیش از یک هزار و ۲۰۰ میکروگرم در هر متر مکعب است.

این میزان غبار بر روی درختان و فضاها ی سبز نیز تأثیر منفی دارد.

استمداد از مردم برای بازسازی کوی دانشگاه

به منظور آماده سازی خوابگاه خسارت دیده کوی دانشگاه تهران در وقایع اخیر، جامعه فرهنگی دانشجویی دانشگاه تهران شماره حساب اعلام کرد.

این جامعه با اعلام شماره حساب ۹۰۰۶۶ بانک ملی نزد شعبه کوی دانشجویان از عموم مردم، سازمان ها، نهادهای و شرکت ها و اشخاص حقیقی و حقوقی خواست که در امر بازسازی کوی دانشگاه تهران کمک کنند.

خسازات وارده به کوی دانشگاه، تاکنون رقمی معادل ۸۰۰ میلیون تومان اعلام شده است.

غم برادر ، غرق درالم	چون کوهی است ، پر دلم
سرور ارجمند جناب آقای سید داوود منصوری	ما را شریک غم خود بدانید .
دکتر سرپرست ، دکتر سمیعی ،مهندس خوبی	

آسمان چون مشتاقان پریشان می کند در شگفتم من، نمی باشد زهم دنیا چرا	
استاد گرانقدر	
جناب آقای دکتر سید داوود منصوری	
در گذشت نابهنگام برادر گرامیتان را خدمت حضر تعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برایتان صبر مسئلت می داریم	
استادید و دستیاران گروه عفونی دانشگاه علوم پزشکی تهران	

آخرین مهلت ثبت نام در پایه های اول راهنمایی و دبیرستان اعلام شد

فارع التحصیلان قبولی خرداد با پایه های پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی حداکثر تا ۱۵ مرداد فرصت ثبت نام دارند.

به گزارش روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش تهران، این فرصت به منظور فراهم شدن امکان برخورداری همه افراد جامعه از شرایط تحصیلی مناسب و جلوگیری از ایجاد قشارهای روحی و روانی ناشی از اضطراب های دوران ثبت نام بر اولیا در نظر گرفته شده است.

ثبت نام در پایه های داخلی شامل دوم تا پنجم ابتدایی و دوم و سوم راهنمایی بدون نیاز به مراجعه حضوری والدین انجام می شود و دانش آموزان اعم از قبول یا مردود در مدرسه محل تحصیل خود ثبت نام خواهند شد.

نهمین اجلاس آکادمی اسلامی علوم با عنوان «آموزش علوم و فن آوری در خدمت توسعه جهان اسلام، از ۴ تا ۷ مردادماه با حضور ۱۲۰ تن از اندیشمندان مسلمان خارجی و داخلی در تهران برگزار می شود.

سیداحمد معتمدی، معاون فن آوری وزیر فرهنگ و آموزش عالی در جمع خبرنگاران گفت: در این اجلاس که با حضور پروفسور «روژه گارودی»، نماینده بانک جهانی، رئیس کمیته همکاری های علمی و فن آوری، رؤسای بانک اسلامی و رئیس مرکز انتقال تکنولوژی آسیا و اقیانوسیه برگزار می شود اهدافی چون ایجاد شبکه اطلاع رسانی و فن آوری بین کشورهای اسلامی و ایجاد فدراسیون همکاری های مراکز تحقیق و توسعه (D & R) با سرمایه گذاری سازمان کنفرانس اسلامی مطرح و بررسی می شود. وی افزود: دو بخش علوم پزشکی و معارف اسلامی به پیشنهاد جمهوری اسلامی از این پس در ردیف بخش های تحقیقات آکادمی اسلامی علوم قرار خواهد گرفت.

رئیس سازمان پژوهش های علمی و صنعتی ایران اظهار داشت: در طول این اجلاس حداقل ۱۰

مالکین محترم تهران و شهرستانها:

مالکین محترم تهران و شهرستانها: لطفاً برای فروش یا اجاره ملک خود با تلفن ۸۷۹ ۴۲ ۷۰ آقای حمزوی تماس حاصل فرمایید.				
اجاره آپارتمان	فروش آپارتمان	میرداماد نفت	الهیه	اکازیون
فوق العاده شیک (بدون مالک) در ترکمنستان	بیواسطه بهترین منطقه ولیعصر پارک وی	گیشا	زعفرانیه	شهر ستارها
۱۰۳ متر ۲ خوابه نوساز کف سرامیک دیگر امکانات رفاهی	۱۳۱ متر ۲ خوابه مهندسی بدون مشرف تماس عصرها ۲۰۱۰۳۵۵	۱۰۳۳ متر ۲ خوابه تلفن،پارکینگ،انباری	۲۵۵ متر ۳ خوابه با ۲ سوئیت در طبقه ای مجزا ۵۰ و ۹۰ متر دارای حیاط مشجر و چشم انداز عالی و کلیه امکانات رفاهی قیمت ۱۱۰ میلیون ۸۷۷ ۲۲ ۱۱	۳۴۰ متر زمین ۴۰۰۰ متری با ۲ طبقه فوری فروشی ۸۰۱۰۱۰۱ امیری
سیدخندان	تهران پارس	آفریقا	امیرآباد شمالی	قزوین
۶۵ متر ۱ خوابه نوساز تلفن،پارکینگ،انباری ۸۷۴ ۷۴ ۷۴	۷۸ متر ۲ خوابه نوساز تلفن،پارکینگ،انباری فوری فروشی قیمت ۱۱ میلیون ۹۳ ۸۲ ۷۳	۱۱۰ متر ۲ خوابه ۵ ساله با آسانسور ۸۷۷ ۲۲ ۱۱	سند دست اول ۱۱۰ متر ۲ خوابه ۱۳۰ متر ۳ خوابه با کلیه امکانات رفاهی ۸۰۱۰۱۰۱ سعادت	۱۸۰۰ متر زمین ۱۵۰۰ متری با تمام تجهیزات لازم و دارای آبنکاری آکومینیوم دارای ساختمان اداری ۱۵۰ متری و ساختمان مسکونی ۱۰۰ متری و مغازه ۲ دهته جلوی کارخانه ۵۹۲۲۶۱۰۱۳۱ توفیقی.
بهرترین خیابان	شهر آرا	شمس آباد	آفریقا	کرزین
۲۵۰ متر ۴ خوابه تلفن شوفاز، کولر، کف سنگ بسیار تمیز و با امکانات کامل ۸۷۷ ۲۲ ۱۱	خیابان پاتریس لومومبا تکواحدی بازسازی کامل شده سوپر لوکس ۸۰ متر ۲ خوابه تلفن کف سرامیک،آمنیزخانه این کف ۹۴ ۹۷ ۶۴	۱۶۷ متر ۳ خوابه تلفن،پارکینگ،کف موقت با تراس بزرگ و پاسیو ۸۷۴ ۷۴ ۷۴	سند دست اول ۱۱۰ متر ۲ خوابه ۱۳۰ متر ۳ خوابه با کلیه امکانات رفاهی ۸۷۷ ۲۲ ۱۱	۱۸۰۰ متر زمین ۱۵۰۰ متری با تمام تجهیزات لازم و دارای آبنکاری آکومینیوم مناسب جهت ساخت آپارتمان ۶۶۴۸۹۷-۰۲۸۱
میرداماد	میرعماد	یوسف آباد	شیراز جنوبی	فروشی منزل
۲۵۰ متر ۲ خوابه تلفن،انباری پارکینگ،کف پارکت بدون مالک رفاهی ۸۷۴ ۷۴ ۷۴	فوری فروشی ۷۶ متر ۱ خوابه با فنکوئل و آسانسور آفتابگیر جنوبی ۸۷۴ ۷۴ ۷۴	فوری فروشی ۹۰ متر ۱ خوابه ۸۰۱۰۱۰۱ کلانتری	۱۹۰ متر ۴ خوابه نوساز با کلیه امکانات رفاهی ۸۰۱۰۱۰۱ کمالی	۴۰۰ متر زمین بر/۱۳۵ قابل انتقال فوری فروشی ۸۷۷ ۲۲ ۱۱
آفریقا	آفریقا	گیشا	خوش قواره	کرستان
۱۳۰ متر ۲ اتاق ۸۷۷ ۲۲ ۱۱	۸۵ متر ۱ خوابه تلفن،پارکینگ،انباری ۸۷۷ ۲۲ ۱۱	۱۵۶ متر ۲ خوابه،تلفن آشپزخانه این،شوفاز،کف، سرامیک سفید،نماکنیتکس بازسازی کامل ۲۰ متر تراس ۸۲۷ ۰۵ ۵۳	۴۳۰ متر زمین بر/۲۰ عالی برای ساخت ۸۰۱۰۱۰۱ اکبری	۴۰۰ متر زمین بر/۱۳۵ قابل انتقال فوری فروشی ۸۷۷ ۲۲ ۱۱
یوسف آباد	ظفر	خواجه نظام	قیطریه	استخدام
۱۰۰ متر ۳ اتاق ۲ تلفن پارکینگ،کف پارکت ۸۷۷ ۲۲ ۱۱	۴۵۰ متر زمین ۳۰۰ متر بنا ۵ اتاق تریلیکس با اتاق سرایداری و سرویس برای مهد کودک یادستان ۸۷۷ ۲۲ ۱۱	۸۵ متر ۲ خوابه طبقه اول با کلیه امکانات رفاهی قیمت ۱۰ میلیون ۸۰۱۰۱۰۱ کبیرنژاد	خانه کلنگی آماده ساخت ۵۶۲ متر زمین با بر عالی به بهترین پیشنهاد ۷۶ ۷۸ ۶۹	اگر به دنبال شغلی پر درآمد و پر هیجان هستید، از ۱۰ ساعت کار خسته نمی شوید و ارتباط با مردم را دوست دارید شما را برای مشاغل مدیریت، سرپرستی، راهمندی در بانکهای اطلاعاتی
استاد گرانقدر	مهد کودک	خوش قواره	قیطریه	
۴۵۰ متر زمین ۳۰۰ متر بنا ۵ اتاق تریلیکس با اتاق سرایداری و سرویس برای مهد کودک یادستان ۸۷۷ ۲۲ ۱۱	۴۵۰ متر زمین ۳۰۰ متر بنا ۵ اتاق تریلیکس با اتاق سرایداری و سرویس برای مهد کودک یادستان ۸۷۷ ۲۲ ۱۱	۸۵ متر ۲ خوابه طبقه اول با کلیه امکانات رفاهی قیمت ۱۰ میلیون ۸۰۱۰۱۰۱ کبیرنژاد	خانه کلنگی آماده ساخت ۵۶۲ متر زمین با بر عالی به بهترین پیشنهاد ۷۶ ۷۸ ۶۹	۸۵۰ و ۶۵۰ متری دعوت می کنیم از بازبینان پر انرژی نیز استقبال می شود. آدرس: پلنارز میدان ونک انتهای نگارپیک ۵۱ طبقه ۱۹۱۱
عباس آباد، پیش سهرودی	عباس آباد، پیش سهرودی	آفریقا، بین میرداماد و جهان کودک	آفریقا	آفریقا
۸۷۴ ۷۴ ۷۴	۸۷۴ ۷۴ ۷۴	۸۷۷ ۲۲ ۱۱	۸۷۷ ۲۲ ۱۱	۸۰۱۰۱۰۱

یادداشت

هدیه صداوسیما در هفته بهزیستی

سحر نمازی خواه

سه شنبه شب، ساعت ۹ که از پر بیننده ترین ساعات شبکه های تلویزیونی است و درست در هفته بهزیستی که همه سالمندان، معلولان و مددجویان در آسایشگاه ها، در انتظار بهترین، پر نشاطترین و امیدوارکننده ترین برنامه ها به مناسبت هفته بهزیستی بای تلویزیون نشنستند، شبکه دوم سیما فیلم «دیوانه از قفس پرید» را برای چندمین بار به گیرنده های تلویزیونی تک تک خانه ها و آسایشگاه ها فرستاد.

این فیلم حکایت آسایشگاهی است که افراد معلول و روانی در محیطی بظاهر مرتب و آراسته، به اتفاق چند تن از افرادی که به دلایل سیاسی و اجتماعی و با هدف پایکوت شدن به این آسایشگاه تبعید شده اند، روزگار می گذرانند، روزهایی که با استثمار یک سرپرستار و شکنجه های روحی و جسمی مختلف سپری می شود.

«مک مورفی» (شخصیت اول فیلم یکی از تبعیدشدگان به آسایشگاه پس از ورود به آسایشگاه) و مشاهده جو حاکم، تصمیم به تغییر فضا و کاوش ترس و استثمار معلولان و دوستان خود می گیرد، اما تحت شدیدترین شکنجه های روحی و جسمی و از انسانی عاقل و معتمد به نفس به جوچه ای رنجور و دیوانه واقعی تبدیل می شود. به طوری که دوستش (او نیز یک عاقل دیوانه است) ترجیح می دهد جان او را بگیرد تا از اجبار مک مورفی به ادامه حیات با چنین وضعیت جسمی و ذهنی خاتمه دهد.

به رغم اینکه این فیلم با نام حقیقی «پرواز بر فراز آشیانه فاخته» در سال ۱۹۷۵ توانست ۵ جایزه اسکار را به خود اختصاص دهد و به دلیل غنای فیلمنامه و توانایی در به تصویر کشیدن برخی مسائل، هر بیننده ای را تا پایان فیلم به تعقیب خود بنشاند، سخت ترین انسان ها را تحت تأثیر قرار داده، متأثر و ملول می کند چه رسد به افرادی که در زندگی خود برخی نشایه هارا با افراد در فیلم پیدا می کنند و سوال اینجاست که بواقع چرا صداوسیما، از بین ۵۲ هفته سال، درست در هفته بهزیستی و زمانی که بیماران روانی، معلولان ذهنی و جسمی و سالمندان چشم انتظار بهترین فیلم ها و برنامه ها هستند به پیش چنین فیلمی با چنین محتوایی همت گماشته است؟

اندیشمندان ایرانی به عنوان اعضای دائمی این فرهنگستان معرفی می شوند، این در حالی است که تاکنون از ایران تنها یک نفر عضو این آکادمی بوده است.

شایان ذکر است آکادمی اسلامی علوم در زمینه تدوین سیاست های اسلامی، اجلاس هایی طی سال های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۴ در کشورهای اردن، پاکستان، کویت، ترکیه، مالزی، سنگال و سودان داشته است.

این آکادمی به عنوان یک سازمان مستقل غیرسیاسی و غیردولتی متشکل از اندیشمندان و متخصصان علمی برجسته مسلمان دنیا است که در پی تصویب اجلاس سران کشورهای اسلامی در سال ۱۹۸۴ (کازابلانکا) در سال ۱۹۸۶ تأسیس شد تا به ترویج جنبه های علم و فن آوری در دنیای اسلام بپردازد.

مسئولیت اعطای جایزه «یادبود ابراهیم» نیز که پس از تأسیس آکادمی مذکور توسط پروفسور محمد ابراهیم، هر ساله به محققان کشورهای عضو OIC (او-ای-سی) در رشته پزشکی داده می شود برعهده این آکادمی است.



گذشته در کشور شده اما هنوز با کرد و گفت: باید مراقب باشیم در شرایط مطلوب فاصله وجود دارد. کنار حرکت های اساسی برای دبیر شورای عالی مناطق آزاد افزایش نقش مناطق آزاد در اقتصاد بر لزوم حفظ ارزش های اسلامی در کشور آرمان های مردم به نحو فعالیت های اقتصادی آزاد تاکید مطلوب مورد توجه قرار گیرد.

اوپک با رعایت سهمیه تولید می تواند باعث افزایش قیمت نفت شود

جلسه دهد. و آقای «مایک واردیک» رئیس شرکت بین المللی بازرگانی و کشتیرانی اظهار عقیده کرده است که چنانچه اوپک نشان دهد که مشغول بررسی این تصمیم است که تا پیش از ماه مارس تولید را افزایش دهد، همین امر ممکن است سبب سقوط بهای نفت شود.

واردیک افزوده است: «چنانچه مردم احساس کنند که در ماه سپتامبر اوپک تصمیم به حذف محدودیت ها خواهد گرفت بهای نفت روبه کاهش خواهد رفت اما اگر چنین اتفاقی نیفتد افزایش قیمت هنوز ادامه خواهد داشت، اگر من وزیر نفت یکی از اعضای اوپک بودم در این مورد سکوت می کردم».

واردیک در مصاحبه با رویتر تصریح کرده است: «وضع بسیار مطلوب ذخیره کنندگان نفت در بازار نیویورک، در صورتی که دلالات نسبت به رعایت کاهش تولیدهای اوپک بی اطمینان شوند باعث شکست بازار خواهد شد».

«رودیرگز» وزیر نفت ونزوئلا، هفته گذشته گفته بود، چنانچه لازم باشد اوپک ممکن است تا پیش از تمام شدن زمان محدودیت کاهش تولیدها، این مقررات را لغو کند.

ما نمی توانیم با قطعیت بگویم که اعضای اوپک در نشست آینده تصمیم به تغییر مقررات خواهند گرفت و یا رعایت این مقررات را همچنان بدون تغییر ادامه خواهند داد.

همکاری شرکت های کره ای در طرح های توسعه ای صنعت نفت ایران مثبت است

همکاری های ایران و کره جنوبی، مناسبات دو کشور است». روند مشارکت شرکت های کره ای را در طرح های توسعه ای صنعت نفت ایران مطلوب ارزیابی کرد و اطلاعات فنی، انتقال تجربیات و گفت: «این گونه همکاری ها عامل همکاری های شرکت های نفتی دو نیرومندی برای بسط و تحکیم کشور را بررسی کردند.

گروه اقتصادی – گمرکات سراسر کشور برای نمونه های تجاری که جهت بازاریابی، آزمایش، تجزیه یا تعمیر به خارج از کشور ارسال می شوند، کارت بازرگانی و مجوز صدور کالا مطالبه نخواهند کرد.

روابط عمومی گمرک جمهوری اسلامی ایران با بیان این مطلب افزود: براساس ماده ۳۴ آئین نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات، ارسال کالا اعم از ساخت داخل یا خارج به عنوان نمونه تجاری یا برای آزمایش، تجزیه یا تعمیر اگر حجم تجاری نداشته باشد و در زمره کالای ممنوع الصدور شرعی یا قانونی و عتیقه نباشد، نیازی به مجوز صدور ندارد.

است که تا سال ۲۰۰۰ به گونه ای اساسی به حل مشکل غذا و لباس روستاییان فقیر نایل شوند».
جیانگ زمین ۲۰ سال اصلاحات اقتصادی چین که میلیون ها تن از مردم این کشور را از فقر نجات داد، ستود و افزود: سال ۱۹۹۸ شمار افراد زیر خط فقر ۴۲ میلیون نفر اعلام شد، در حالی که این رقم در سال های ۱۹۹۳ و ۱۹۷۸ به ترتیب ۸۰ میلیون نفر و ۲۵۰ میلیون نفر بوده است. وی گفت: اما آن بخش از مناطق مرزی کشور که اقلیت های قومی در آن جا ساکنند به گونه ای گسترده از روند توسعه اقتصادی کشور به دور مانده اند و تضمین رضایت ساکنان این مناطق را عاملی محوری در امنیت ملی کشور خواند.

برگزاری نشست سران گروه ۸ در جزیره اکیناوا
دولت ژاپن به صورت رسمی با برگزاری نشست آبی زهبران هفت کشور صنعتی جهان و روسیه در جزیره جنوبی اکیناوا موافقت کرد. گروه ۸ متشکل از کشورهای ایتالیا، فرانسه، ژاپن، آمریکا، کانادا، انگلیس، آلمان و روسیه است. «هیرومو نوناکا» سخنگوی ارشد دولت ژاپن گفت که این نشست سه روزه از ۳۰ تیر تا ۳ مرداد سال ۱۳۷۹ (۲۱ تا ۲۳ جولای) در اکیناوا برگزار می شود. جزیره اکیناوا که مقر بیش از ۲۶ هزار نیروی نظامی آمریکایی است در سال های گذشته همواره کانون اختلاف مردم و دولت محلی با دولت مرکزی بر سر برچیدن پایگاههای نظامی آمریکا بوده است. «نوناکا» در گفت و گو با خبرنگاران افزود: برگزاری نشست سران کشورهای صنعتی جهان در جنوب ژاپن که نزدیکترین محل به آسیا است، می تواند فرصت خوبی برای شناساندن فرهنگ ژاپن باشد.

سکه و طلا

(۳۰ تیر)

یک سکه تمام بهار آزادی

یک سکه نیم بهار آزادی

یک سکه ربع بهار آزادی

یک گرم طلای ۱۸ عیار

یک مثقال طلای ۱۸ عیار

به گزارش خبرنگار مادرپوز هر دلار آمریکا در بازار غیررسمی برابر ۹۱۱۰ ریال معامله شد.

۵۶۲۰۰۰

۳۰۵۰۰۰

۱۶۵۰۰۰

۵۷۲۰۰

۲۴۸۵۰

فعالیت مناطق آزاد باید در تمام استان های کشور گسترش یابد

مجمع تشخیص مصلحت نظام مشکلات مناطق آزاد رفع شده و از این پس سرمایه گذاری در مناطق آزاد از سوی دولت تضمین می شود و شرکت های بیمه و بانک های داخلی و خارجی می توانند در منطقه حضور یافته و شعبه دایر کنند.

در ادامه این مراسم حسین نصیری دبیر جدید شورای عالی مناطق آزاد تجاری نیز گفت: با نگاه سنتی به اقتصاد نمی توان کشور را سر و سامان داد و در این زمینه باید با ابزار پیشرفته به سمت توسعه اقتصادی گام برداشت.

وی با اشاره به شرایط کنونی تهران نیز گفت: مناطق آزاد تجاری در صورتی موفق خواهند بود که سه عامل رشد یعنی بازارهای قابل دسترسی، قانونمندی و زیربناها و زیرساخت های لازم را دارا باشند.

وی افزود: با مصوبه اخیر

معاون اول رئیس جمهوری:

فعالیت مناطق آزاد باید در تمام استان های کشور گسترش یابد

استان های همجوار باید ارتباط گسترده تری با سایر استان ها برای توسعه صادرات غیرنفتی برقرار کنند گفت: در برنامه سوم توسعه اقتصادی براساس لایحه ای که ارائه خواهد شد، اختیارات بیشتری به استان ها تفویض می شود که براساس آن کار شورای برنامه ریزی وسیع تر خواهد شد و اختیارات اجرایی بیشتری به شوراها تفویض خواهد شد.

مرتضی الوری دبیر سابق شورای عالی مناطق آزاد و شهردار تهران نیز گفت: مناطق آزاد تجاری در صورتی موفق خواهند بود که سه عامل رشد یعنی بازارهای قابل دسترسی، قانونمندی و زیربناها و زیرساخت های لازم را دارا باشند.

وی افزود: با مصوبه اخیر

وزیرمسکن و شهرسازی:

اتوبان تهران – قم و فرودگاه مهرآباد

«سند آبروریزی مهندسی کشور» است

پیش شاهد «اضافه روشی» برخی از مهندسان بود که هیچ گونه نظارتی بر ساخت و سازها نداشتند و با این وصف فرصت طلبانی هم پیدا می شوند که منافع ناشی از تخصص را ناچیز بشمارند».

وی در سخنان خود از اتوبان

تهران – قم و فرودگاه مهرآباد به عنوان «سند آبروریزی مهندسی کشور» نام برد و گفت: «برای جامعه ای که این همه متخصص دارد شایسته نیست تساهل در کار مهندسی روا دارد».

به گفته وزیرمسکن و

به گفته وی، طرح ذوب روی با هدف تولید سالانه ۳۰ هزارتن شمش روی و ۵۴ هزارتن اسید سولفوریک و ۵۳ تن کادمیم از دیگر طرح هایی است که امسال به بهره برداری خواهد رسید.

شیروانیان از افزایش ظرفیت تولیدی معادن چادرملو خبر داد و افزود: با اجرای طرح توسعه چادرملو ظرفیت تولیدات اسمی این معدن از ۵/۱ میلیون تن به ۸/۵ میلیون تن افزایش خواهد یافت.

گروه اقتصادی – مصوبات

اخیر مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص مناطق آزاد زمینه سرمایه گذاری خارجی در این مناطق را برای توسعه فعالیت های اقتصادی و صنعتی هموار ساخت.

به گزارش خبرنگار ما، حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهوری در مراسم معارفه حسین نصیری دبیر جدید شورای عالی مناطق آزاد افزود: عدم اطلاع رسانی موجب شد تا انتقادهایی از مناطق آزاد صورت گیرد، هر چند برخی انتقادهای در مورد این مناطق وجود دارد اما برخی از آنها ناشی از کم اطلاعی و بی اطلاعی ناشی از مشکلات اقتصادی است.

وی با اشاره به این که شورای عالی مناطق آزاد علاوه بر

گروه اقتصاد – وزیرمسکن گفت: «هم اکنون در جامعه ما باسواد و بنی سواد در کنار ساختمان سازی اظهارنظر می کنند و اکثر متخصصان نیز تساهل روا داشته و به نکات ظریف مهندسی بها نمی دهند».

به گزارش ایرنا، علی عبدالعلی زاده در مراسم آغاز به کار دومین هیأت عمومی سازمان نظام مهندسی ساختمان در تبریز، با بیان این مطلب، بر لزوم ارتقای جایگاه نظام مهندسی و تبیین اخلاق مهندسی در جامعه تاکید کرد.

وی افزود: «من خود سال ها

گروه اقتصادی – طرح های فولاد نیشابور و ذوب روی بافقر در نیمه دوم امسال به بهره برداری کامل می رسند.

شیروانیان مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری توسعه معادن و فلزات با اعلام این مطلب افزود: طرح فولاد نیشابور با ظرفیت تولید ۵۵۰ هزارتن مقاطع سبک ساختمانی که مهمترین پروژه مجتمع فولاد خراسان است در نیمه دوم امسال به بهره برداری خواهد رسید.

گفت وگوی اقتصادی

ایرادهایی به نحوه واگذاری

شرکت های دولتی وارد است

گروه اقتصادی – براساس تبصره ۳۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ دولت موظف شده است برای کاهش حجم تصدی دولت و تشویق سرمایه گذاری بخش های تعاونی و خصوصی، نسبت به تعیین تکلیف کلیه شرکت های بخش دولتی از جمله شرکت ها و سازمان های دولتی از طریق انحلال، واگذاری و فروش سهام به بخش خصوصی و تعاونی اقدام نمایند.

در گفت وگویی با شهربانو امانی نماینده و عضو کمیسیون اقتصاد و دارایی مجلس شورای اسلامی، مسائل خصوصی سازی را مورد بحث قرار داده ایم.

نشاط: درخصوص جگونی اجرای تبصره ۳۵ قانون بودجه (واگذاری بخش دولتی به بخش خصوصی) آیا کمیسیون اقتصاد و دارایی و تعاون تشکیل جلسه داده است؟

امانی: درخصوص واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی حرف و حدیث زیاد است و به اعتقاد من مسلماً شرکت های دولتی که وظایف حاکمیت دولت را انجام می دهند برای بخش خصوصی سودده نخواهند بود و با واگذاری این شرکت ها به این بخش قطعاً بخش خصوصی متضرر خواهد شد، پس باید این گونه شرکت ها تحت امر دولت باشند.

نشاط: آیا در این خصوص با مشکلاتی هم مواجه شده اید؟ امانی: در ارتباط با عملکرد سال های گذشته مشکلاتی وجود داشت. اخیراً هم دو نماینده از وزیران اقتصادی و دارایی و صنایع پرشش هایی را مطرح کرده بودند، ولی در کل باید اذعان داشت در نحوه واگذاری شرکت های دولتی و عملکرد تبصره ۳۵ ایرادهایی بوده که از مراجع مسئول و کانال های ذی ربط خواسته شده است به این ایرادها پاسخ بدهند.

نشاط: ایرادهای مورد اشاره شما چه بود؟

امانی: در واقع قانونگذار قانون کلی را تصویب می کند و تدوین آئین نامه اجرایی آن برعهده دولت است و در این مسئله ایرادهایی وجود دارد. نشاط: تاکنون چند جلسه تشکیل شده است؟ و طبق قانون اولویت

واگذاری شرکت ها به چه بخش هایی است؟

امانی: من در بسیاری از جلسه ها حضور نداشتم، ولی چند جلسه با حضور دبیر کمیسیون و رئیس کمیسیون تشکیل شده است و در مورد سؤال بعدی شما طبق قانون و مقررات تمامی افراد حقیقی و حقوقی می توانند برای خرید اقدام کنند ولی اولویت با کارگران و ایثارگران، خانواده معظم شهدا و جانبازان است.

نشاط: چه شرکت هایی واگذار می شوند؟

امانی: قبل از دولت آقای خاتمی آمار دقیقی در دست نبود ولی با توجه به این که در طرح ساماندهی اقتصادی مطرح شده دولت این بخش ها مورد توجه قرار گرفته است تمامی شرکت های دارای شرایط واگذاری بررسی شده و آمار آن موجود و در دست دولت است و باید در اینجا اذعان داشت که متأسفانه هنوز آمار این شرکت ها را در دست نمایندگان مجلس قرار نداده اند، اگر چنانچه این آمار را به ما دادند ما هم در اختیار اصحاب مطبوعات قرار می دهیم.

در نیمه دوم امسال

دو طرح بزرگ

معدنی و فلزی در

کشور به بهره برداری

می رسد

سازمان آگهی های روزنامه نشاط

دفتر مرکزی ۲۰۱۳۵۰۰ - ۲۰۱۳۳۷۳ - ۲۰۱۳۰۰۷

دفتر میدان محسنی

۲۲۲۱۰۸۱ - ۲۲۵۴۹۷۶

۲۲۲۱۹۰۲ - ۲۲۵۴۹۷۸

دفتر میدان امام خمینی

۳۹۱۶۹۷۲ - ۳۹۱۶۷۰۲

دفتر بلوار کشاورز

۶۵۱۹۵۰ - ۶۵۰۳۶۲

همدان

۵۲۳۰۰ - ۳۵۴۵۳

رودسر

۸۷۸۶ - ۰۱۴۲۶۲۲

مشهد

۸۳۶۳۴۳

اصفهان

۲۳۸۰۰۷

ارومیه

۲۳۵۱۴۱ - ۲۲۵۰۶۰

آمادگی ودبستان غیر انتفاعی پژوهش

با کاردی برتر- سرویس- غذا- کامپیوتر زبان- قران- هراچی- سفالگری

خیابان فقر، خیابان فرد افشار، خیابان بابک شرقی، پلاک ۱۵

۲۲۲۵۰۱۹-۲۰

بازیکنان ارزان ایرانی ،مربیان ارزان آلمانی

استقلال تهران نایب قهرمان سه جام آسیایی و داخلی در آلمان اردو زده است. استقلال که به نظر می رسد به مقام دومی در فوتبال علاقه وافری دارد!
! در آلمان به دنبال پیدا کردن ترکیب ایده آل و صد البته صادرات بازیکن است.

بایس تهران که جام آزادگان را با مقام پنجمی به پایان برد نیز مثل استقلال آلمان را برای برگزاری اردوی تدارکاتی خود انتخاب کرده است، بایس به دعوت هامبورگ و استقلال نیز به دعوت بایرلورکوزن و فورتونا کلن اقدام به این مسافرت ورزشی – تدارکاتی کرده اند.
سرپولیس قهرمان هر دو جام آزادگان و حذفی نیز قرار است پنجم مراد به سوی آلمان پرواز کرده و اردوی تفریحی – ورزشی خود را در این کشور برپا کند. قبل از این سه تیم، نیز شاگردان نگون بخت کوردس (تیم ملی امید) اردوی خود را به آلمان و نزدیکی شهر مونیخ برده بودند.

جدا از تمایل تقریباً شدید تیم های فوتبال ایرانی برای سفر به آلمان، بازیکنان کشورمان نیز

علاقه فراوانی به بوندس لیگا و تیم های آلمانی دارند.

دائی، باقری، عزیزی، مهدوی کیا، پاشازاده، یزدانی، هاشمیان، موسوی، دین محمدی، تیموریان و تقریباً رسول خطیبی در حال حاضر به تیم های مختلف آلمان پیوسته اند.

این در حالی است که عده ای دیگر از بازیکنان ایرانی با دعوت نامه هایی در جیب و یا ارتباط با آژانس های نقل و انتقال اروپایی مترصد رفتن به سرزمین «قیصر» هستند. بدین ترتیب دیده می شود که رابطه فوتبال ایران و فوتبال پیشرفته و مطرح آلمان هر روز بیشتر از پیش می شود.

کارشناسان آلمانی قیمت بسیار ارزان بازیکنان ایرانی و در عوض استعدادهای بالای آنها را دلیلی بر افزایش مهاجرت فوتبالست های ایرانی می دانند.

در برابر این ارتباط بسیار مفید و غیرقابل انکار، مشکلی غیرقابل انکارتو وجود دارد.

سوالی که در این جا وجود می آید که به عبارتی مطرح کردن آن مشکلی که گفتیم خواهد بود این است که: با توجه به نزدیکی ظاهری فوتبال ایران و آلمان چرا مربیان این کشور با فوتبال ما جور نیستند؟ و چرا در فوتبال ایران به موفقیتی نمی رسند؟

به یقین «اگون کوردس» را هرگز فراموش نخواهیم کرد! کارنامه سیاه این مربی آلمانی اجازه نمی دهد که او را از یاد ببریم. قبل از کوردس، «یورگن گده» نیز در ایران به موفقیتی دست نیافته بود.

به نظر می رسد در مقابل استفاده آلمانی ها از بازیکنان ارزان ایرانی، مسئولین فوتبال ما نیز متقابلاً معامله به مثل کرده ا و از ارزان ترین و قابل دسترس ترین مربیان آلمانی که حتی در کشور خود نیز جایگاهی ندارند برای هدایت تیم های ما استفاده کرده و بدتر از آن ثابت کرده اند که هنوز نمی دانند از چه مر یبانی برای چه تیم هایی می توان و باید استفاده کرد، در این مورد، در آینده بیشتر خواهیم نوشت.

بستکبال انتخابی المپیک سیدنی

برزیل به پای ستاره های N.B.A پیچید



بر ۸۴ و در وقت اضافی بر او گوتیه غلبه کرد تا سومین بردش را در قبال باخت دشت کند. بازنده این دیدار (اروگوتیه) حالا با پنج شکست و بدون برد هیچ شانسنی برای راهیایی به المپیک ندارد و قطعاً حذف شده است.

بستکبال فهرمانی جوانان جهان پیشتاز کرواسی و شکست سنگین اسپانیا

دور دوم از رقابت های بستکبال قهرمانی جوانان جهان ۱۹۹۹ دیروز در پرتغال دنبال شد و کرواسی و آمریکا پیشتازان این مر حله، صاحب دومین پیروزی متوالی خود شدند.

در گروه اول، کرواسی در نبردی سنگین با استرالیا صاحب برتری ۵۸ بر ۵۶ و چهار امتیاز شد. در همین گروه یوان ۷۸ بر ۶۸ در برابر اسپانیا به برتری دست یافت تا با کسب ۳ امتیاز در رده دوم جدول جای گیرد.

در گروه دوم که دیدار هایش در شهر المادار پرتغال برگزار می شود، آمریکا ۸۹ بر ۷۱ بر برزیل غلبه کرد و مانند کرواسی ۳ امتیاز شد. در دیگر مسابقه این گروه روسیه ۶۳ بر ۶۰ در برابر آرژانتین فائق آمد تا اولین پیروزی اش را پس از شکست روز اول در برابر برزیل دشت کند. نقطه اوج بازیهای این گروه نبرد روسیه با آمریکا در دور آخر رقابت های این مر حله بود که دیروقت دیشب (چهار شنبه شب) برگزار شد.

حاصل فتح مقتدرانه «کوبا آمه ریکا»

برزیل همچنان بر بام فوتبال جهان



امتیاز، ۳- چک ۷۵۳ امتیاز، ۴- ایتالیا ۷۱۹ امتیاز، ۸- اسپانیا ۷۱۴ امتیاز، ۵- آلمان ۷۲۰ امتیاز، ۹- رومانی ۶۹۴ امتیاز، ۱۰- نروژ ۶۹۰ امتیاز.

دیداری ویژه در آفریقای جنوبی

ماتیوس، روبرتو کارلوس و مارسل دسایه

برای ماندلا به میدان می آیند

شده اند. لوتهار ماتیوس مدافع پردام و معروف فوتبال آلمان نیز برای شرکت در این بازی فراخوانده شده است. گفته می شود که هدایت تیم منتخب دنیا با روی هاجسون مربی بریتانیایی خواهد بود.

ابتدا گفته می شد که پیکار بزرگداشت ماندلا روز ۱۰ تیر صورت خواهد گرفت. در آن زمان صحبت از رویارویی تیم ملی آفریقای جنوبی با یک تیم منتخب جهان در میان بود، اما این دیدار به دلایلی لغو شد.

فراستی، به تبریز بازگشت

ناصر فراستی مهاجم آردی تیم سایپا که سابقه بازی در تیم های اصفهانی را نیز دارد بعد از پایان جام آزادگان به تبریز بازگشت، مهاجم سایپا به دلیل مشکلات اقامتی قادر به ماندن در تهران نیست، به همین دلیل شهر خود را برای بازی صادر کنیم. گفتنی است که تراکتورسازی تبریز برای جذب ناصر فراستی تمایل خود را اعلام کرده است.

روی خط فوتبال جهان

«جایوبی سات» سوئیس به کشورش بازگشت

«استفان جایوبی سات» مهاجم سوئیس تیم بوروسیا دورتموند آلمان روز پیش با انعقاد قراردادی سه ساله به بهای ۶۸۰ هزار دلار به استخدام گراس هابرز سوئیس درآمد.

او با زدن گلهایی جالب و زیاد به دورتموند یاری رساند تا در سالهای ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ فاتح لیگ آلمان و در سال ۱۹۹۷ فاتح جام باشگاههای اروپا شود. اما با آمدن دو مهاجم تازه و سرشناس همچون فردی بویسج و ویکتور ایک پیا نیجرای و همچنین نظر به حضور هایکو هرلش و ابراهیم تانکو غنایی در دورتموند، جای او در این تیم تنگ شده بود. او در سال ۱۹۹۱ و پیش از آن که دورتموند اعتبار امروز را یافته باشد، به این باشگاه پیوست و بازگشت به کشورش، تا حدی بالهای پرواز و شکوه او را محدود خواهد ساخت.

یک برزیلی دیگر در «رنال مادرید»

خولیو سزار هافبک برزیلی تیم فوتبال وایادولید حائز رتبه دوازدهم لیگ اسپانیا دیروز با انعقاد قراردادی پنج ساله به عضویت رنال مادرید نایب قهرمان این لیگ درآمد. خولیو سزار ۲۰ ساله دربی گرفتن پاسپورت اسپانیایی هم هست، تا بازیکن «جامه اروپا» شناخته شده و دست رنال را برای استخدام یک بازیکن «خارجی» یاز بگذارد. با آمدن خولیو سزار، تعداد برزیلی های رنال سه نفر می شوند. دو نفر دیگر روبرتو کارلوس معروف و ساویو هستند.

برنامه های پاسارلا برای تیم ملی اروگوئه

تیم ملی فوتبال اروگوئه نایب قهرمان پیکارهای اخیر جام ملت های آمریکا تحت رهبری مربی جدید و سرشناس آرژانتینی اش دانیل پاسارلا چهار بازی دوستانه انجام خواهد داد.

این تیم که دوشنبه این هفته در بازی فینال جام در اسانسیون پایتخت پاراگوئه شکست سنگین ۳ بر صفر را در برابر برزیل پذیرا شد، به ترتیب در روزهای ۱۸ اوت، ۸ دسامبر، ۱۲ اکتبر و ۲۲ یا ۲۹ دسامبر روبروی تیم های منتخب و ملی کاستاریکا، اکوادور، ونزوئلا و پاراگوئه قرار می گیرد و محل انجام تمام این مسابقات مونته ویدئو پایتخت اروگوئه ذکر شده است.

در رقابتهای کوبا آمه ریکا هدایت تیم اروگوئه با ویکتور پوا مربی تیم ملی جوانان این کشور بود و پاسارلا از این فرصت برای نظارت بر امور و بررسی و محک زدن تیم استفاده کرد.

کاپیتان بر جسته «اسپارتاک مسکو» حاشیه نشین شد

«الیاسلیس بالا» هافبک بر جسته و کاپیتان معروف تیم فوتبال اسپارتاک مسکو روسیه دیروز تحت عمل جراحی مختصر روی کتاله رانش قرار گرفت و حداقل سه هفته از صحنه دور می ماند.

عمل جراحی بر روی سیم بالا دیروز در آلمان انجام شد و همراه با وی روی آرتیم برزوفنی بازیکن تیم زیر ۲۱ سال روسیه نیز عمل جراحی مشابهی صورت گرفت که سازماندهی سفر آنها و اعزام هر دوی آنان به آلمان توسط باشگاه اسپارتاک انجام شد.

سیم بالا در حالی مو قتا از اسپارتاک جدا می شود که این تیم با فتح ۱۴ بازی از ۲۰ بازی خود در لیگ روسیه و تحمل فقط دو باخت باز هم صدرنشین مسابقه ها است. سیم بالا ۲۲ خرداد که تیم منتخب ستاره های فوتبال جهان در یک دیدار دوستانه به مناسبت افتتاح ورزشگاه جدید المپیک سیدنی مغلوب تیم ملی استرالیا شد، در ترکیب تیم جهان به کار گرفته شد.

«استویچکوف، سیاسی تو می شود

به نوشته مطبوعات بلغارستان، ماجراهای سیاسی هرستو استویچکوف ستاره فوتبال این کشور هر لحظه جدی تر و مهمتر می شود. استویچکوف که با جدانشدن از تیم کاشیواریسول ژاپن ظاهراً از بازیگری فوتبال بازنشسته شده، همین حالا هم معاون شهردار پلودیف شهر زادگاه خود است و به پست وزارت ورزش بلغارستان هم نظر دارد. او حتی به عنوان سفیر بین المللی ورزش بلغارستان هم انتخاب شده است و جندی پیش در سفر پتر استویانوف رئیس جمهوری بلغارستان به اسپانیا نیز وی را همراهی می کرد. استویچکوف کاندیدای مربیگری تیم ملی بلغارستان هم هست و بازگشت اش به این کشور امکان دستیابی او را به تمام پست های مذکور بیشتر ساخته است.

استون ویلا هافبک هلندی را صید کرد

استون ویلا تیم ششم لیگ برتر فوتبال انگلستان سرانجام دیروز کار استخدام جورج بوئانگ هافبک هلندی کانتری را به پایان رساند و با وی قراردادی پنج ساله بست و بابت آن ۴/۵ میلیون پوند پرداخت.

جان گریگوری مربی استون ویلا در مورد بوئانگ که انتقالش به این تیم بیش از یک ماه زمان برد، گفت: «از ماه فوریه (بهمن ۷۷) به دنبال او بودیم، زیرا او می تواند قدرت بیشتری را به ما ببخشد». بلافاصله پس از خریدن بوئانگ، وی به اتفاق هم تیمی های جدیدش راهی آمریکا شد تا آن جا در تورنمنتی چهار جانبه شرکت کند. اما فکر و ذکر گریگوری هنوز در انگلستان است، زیرا وی خواهد حتماً رای کین مهاجم ایرلندی و جوان و مستعد وولور همپتون را نیز قبل از آغاز فصل جدید به قیمت ۵ میلیون پوند خریداری کند.

روزنامه کشاط

تحریریه :

۲۰۴۱۷۹۰
۲۰۴۰۱۵۷
نمابر : ۲۰۴۰۴۲۲

سازمان آگهی ها

۲۰۱۳۳۷۳
۲۰۱۳۵۰۰
نمابر : ۲۰۴۰۴۲۲

سازمان آگهی ها

۲۰۱۳۳۷۳
۲۰۱۳۵۰۰
نمابر : ۲۰۴۰۴۲۲



روی خط فوتبال جهان

ایران: تیم پنجاهم جهان، چهارم آسیا

فدراسیون بین المللی فوتبال (فیفا) روزپیش فهرست ماهانه بهترین تیم های فوتبال جهان را منتشر کرد و نام تیم ملی ایران را در رده پنجاهم جدول قرار داد. محاسبات فدراسیون بین المللی فوتبال برای امتیاز دادن به تیم ها به این گونه است که آنها در ماه گذشته نگاه به بازی های رسمی یا تدارکاتی تیم ها دارند و بر اساس نتایج به دست آمده برای کشورها امتیازهای مثبت یا منفی درنظر می گیرند. تیم ملی فوتبال کشورمان که آخرین بار در تورنمنت کانادا کاپ به میدان رفته بود در ماه گذشته در هیچ مسابقه ای ظاهر نشده بود و همین امر باعث شد تا نسبت به جدول رده بندی گذشته فیفا افت داشته باشد. بعد از اعلام جدول بهترین تیم های جهان از سوی فیفا، کنفدراسیون فوتبال آسیا نیز لیست تیم های برتر آسیا را منتشر کرد. در فهرست کنفدراسیون فوتبال آسیا، تیم ایران در رده چهارم قرار دارد. این در حالی است که تیم های کره جنوبی، عربستان سعودی و ژاپن به دلیل انجام بازی های دوستانه با تیم های بزرگی نظیر برزیل همچنان مکان های اول تا سوم جدول رده بندی را در اختیار دارند. ترتیب قرار گرفتن تیم ها در رده بندی کنفدراسیون فوتبال آسیا و همچنین امتیاز تیم ها به شرح زیر است:

۱- کره جنوبی با ۵۶۴ امتیاز در رده ۳۷ جهانی، ۲- عربستان سعودی با ۵۵۶ امتیاز در رده ۴۰ جهانی، ۳- ژاپن با ۵۴۰ امتیاز، ۴- ایران با ۵۲۷ امتیاز در رده ۵۰ جهانی، ۵- کویت با ۵۱۲ امتیاز در رده ۵۸ جهانی، ۶- چین با ۵۲۰ امتیاز در رده ۵۸ جهانی، همچنین کشورهای امارات متحده عربی، تایلند، قطر، عمان و ازبکستان، سوریه، سنگاپور، عراق، لبنان، اندونزی، ویتنام و هنگونسان در رده های بعدی فوتبال آسیا هستند.

غلامیور باید پول بدهد رضایت نامه بگیرد

بهزاد غلامیور دروازه بان باتجربه فوتبال کشورمان دو سالی است که به صورت قرضی از باشگاه استقلال تهران در اختیار سایپا قرار گرفته است. غلامیور همچنان به ماندن در تیم سایپا و محافظت از دروازه این تیم اظهار تمایل کرده است اما او برای تمدید قرارداد خود با نارنجی پوشان باید مجدداً به سراغ استقلالی ها رود و رضایت نامه دریافت کند. استقلالی ها هم برای صدور رضایت نامه او مشکلی به وجود نیاورده اند، فقط درخواست مبلغی کرده اند. غلامیور هم برای رسیدن به هدف می خواهد این مبلغ را پرداخت کند و رضایت نامه دائمی خود را بگیرد.

فقط خداوردی مشدیدی شد

مربیان تیم ابوسلم مشهد وقتی در پایان رقابت های ۷۷ چند بازیکن مستعد و کارآمد خوداز جمله قهراد کوچ زاده، ارسطو محمدی، علیرضا احدی یکبخت و مجید نوروزی را از دست دادند برای تقویت تیم خود در خطوط سه گانه از چنین بازیکن تیم های دیگر دعوت کردند تا آنها را در لیگ ۷۸ بازی کنند. احمد کعبیان پور، وحید خنابودی، ایوب اصغر خانی و... از جمله بازیکنان بودند اما در پی دعوت شدن گان تنها وحید خداوردی هافبک جوان بانک ملی با مسئول ابوسلم به توافق رسید و قرارداد احضرا کرد. ابوسلم برای جلب دیگر بازیکنان مردنظر توانست نظر یابی آنها را جلب کند.

سررمی هایس: دین محمدی دیر آمد

سیرم بین محمدی از جمله آخرین نفراتی بود که به یک تیم اروپایی پیوست. هافبک تکنیکی و سابق استقلال این روزها در تمرین های باشگاه هایس آلمان به چهرونی انگشت نما تبدیل شده است. تیم هایس در حال حاضر برای حضوری موق در دسته دوم فوتبال آلمان در منطقه «مونت پاور» اردو زده است. سررمی این تیم، در گفت وگویی با روزنامه «هایس راینا سالتویگ» اظهار داشت: «سیروس» همان بازیکنی است که من به دنبال او بودم و پس شش کیلومدیک هافبک تکنیکی و تأثیر گذار در بازی را به طور کامل احساس کردم. «فرانک» افزود: دین محمدی دیر به تیم هایس پیوست، اگر او سال گذشته با ما بود ما هم باید در کنار تیم های بایرن مونیخ و دیگر تیم های مطرح آلمان در دست یه بودیم.

«مؤمن زاده» در آرمینا بیله فیلد

باوجودی که جنگ دو حریف سنتی فوتبال ایران (پرسپولیس و استقلال) برای دراختیار گرفتن «احمد مؤمن زاده» مهاجم جوان سپاهان همچنان در صفحات روزنامه های ورزشی منعکس است، شنبیدم که یک تیم آلمانی نیز به این جمع اضافه شده است. مسئولان تیم پرسپولیس بعد از گرفتن رضایت نامه این بازیکن، فیلم بازی های او را به باشگاه آرمینا بیله فیلد آلمان که پس از یک سال حضور در دسته دوم بار دیگر به دسته یک فوتبال آلمان پیوسته، باز کرده بودند. شتعاقت این عمل، «هانس هرمان شوپک» رئیس، روردریگر لام ملیر و «توماس هونسن» سررمی باشگاه آرمینا بیله فیلد بعد از دیدن فیلم بازی های مؤمن زاده مصرأ خواستار حضور او در تمرین های خود شده اند.

مدافع سایپا «خانه نشین» شد

تیم سایپای تهران که فصل گذشته فوتبال را با کسب مقام چهارمی به پایان برده بود، این روزها در مرکز تحقیقات شهریار اردو زده است. شاگردان علی دوستی که با پیروزی بر استقلال در آخرین روزهای جام آزادگان که منجر به اخراج حجازری سررمی استقلال شد به یک تیم خرساز تبدیل شده بودند، این روزها همچنان کاپیتان خود را خانه نشین می بینند. «حسن اسبیلی» مدافع پرتلاش سایپا در آخرین بازی این تیم مقابل تیم پاس (جام حذفی) دچار آسیب دیدگی شدید شد. علی دوستی سررمی سایپا که نمی توانست ناراحتی خود را پنهان کند به نشاط گفت: «ما سئانه اسبیلی تا شش ماه دیگر قادر به تمرین و فوتبال نیست، هر چند که در سایپا جوانان شایسته ای برای جانشینی او وجود دارد.

پور حیدری: نمی توانیم مثل اروپایی ها باشیم

مصوب پور حیدری سررمی تیم ملی و مدیرفنی باشگاه استقلال تهران توشبه گذشته تهران را به مقصد آلمان و شهر کلن این کشور ترک کرد. پور حیدری که به قصد آگاهی از وضعیت لژیونرهای ایرانی به آلمان رفته است، روز گذشته در جواب سؤال خبرنگار روزنامه «اسپرت لورکوزن»، که پرسیده بود، در این جا مربی تیم ملی از مربیان باشگاه های خواهد که حتی المقدور با شیوه های تمرینی او هماهنگ باشند، شما چگونه؟ گفت: ما نمی توانیم به طور کامل مثل اروپایی ها باشیم، البته در ایران نیز باید بین مربیان ملی و باشگاهی هماهنگی هلی بوجود بیاید. ولی این سسله در حال حاضر شکل نمی گیرد.

مناجاتی دستیارانش را معرفی کرد

با شروع رقابت های فوتبال جوانان و امیدهای سراسر کشور، مهدی مناجاتی مربی تیم ملی جوانان، روزهای پردردسری را پیش رو خواهد داشت. مناجاتی که برای از قلم نیتادن جوانان شایسته ای که استحقاق پوشیدن لباس تیم ملی را دارند، سخت در تلاش است رسماً نمایندگان خود را در مناطق فوتبال خیز کشور معرفی کرد. او گفت: «برای ضایع نشدن حق هیچ بازیکنی تقصیم دارم که مشخصاً در مسابقات مناطق فوتبال خیز جنوب، اصفهان، مازندران حضور پیدا کنم و با کمک از مربیان لمسود و صاحبانام در هر منطقه، بازیکنان معرفی شده را زیرنظر بگیرم. به این منظور در استان اصفهان از منوچهر سالیان، مهرداد ام در تبریز صیاح و محمد شبایی چون سال هالته کار می کنند و با همه بازیکنان آشنایی کامل دارند، قبول رحمت کردند و در خطه شمال هم از دست نشان ها، احمد اده و عزیز اسپندار کمک می گیرم. همه این مربیان با قبول این زحمت بزرگ کمک بزرگی به تیم ملی می کنند. این نوری احتمال از قلم افتادن جوانان و شایستگی خیلی کمتر خواهد بود و ما می توانیم با فراغت خاطر بیشتری بازیکنان خود را به تیم ملی دعوت کنیم.